بسم الله الرحمن الرحیم
وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین



دوفصلنامه علمی «تحقیقات حقوق شهروندی» (حقوق بشر و شهروندی)
سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
مدیر مسئول: سید محمدمهدی غمامی
سردبیر: خیرالله پروین
دبیر تخصصی: علی ربیع‌زاده
مدیر داخلی: سعید منصوریان

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب رتبه و الفبا):

خیرالله پروین ..... استاد (تخصص: حقوق عمومی) دانشگاه تهران
سیدقاسم زمانی ..... استاد (تخصص: حقوق بین‌الملل) دانشگاه علامه طباطبایی
محمود حکمت‌نیا ..... استاد (تخصص: حقوق خصوصی) پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
مسعود راعی ..... استاد (تخصص: حقوق بین‌الملل) دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
علی غلامی ..... استاد (تخصص: حقوق جزا و جرم‌شناسی) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
سیدفضل‌الله موسوی ..... استاد (تخصص: حقوق عمومی) دانشگاه تهران
حسین میرمحمدصادقی ..... استاد (تخصص: حقوق جزا و جرم‌شناسی) دانشگاه شهید بهشتی
محسن اسماعیلی ..... دانشیار (تخصص: حقوق خصوصی) دانشگاه تهران
توکل حبیب‌زاده ..... دانشیار (تخصص: حقوق بین‌الملل) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
سید محمدمهدی غمامی ..... دانشیار (تخصص: حقوق عمومی) دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
رضا موسی‌زاده ..... دانشیار (تخصص: حقوق بین‌الملل) دانشکده وزارت خارجه
احمد مؤمنی‌راد ..... دانشیار (تخصص: حقوق عمومی) دانشگاه تهران

براساس پروانه انتشار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به شماره ۷۷۸۵۸ مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۴ دوفصلنامه «تحقیقات حقوق شهروندی» (حقوق بشر و شهروندی) به صورت علمی منتشر می‌گردد.

ویراستار: رضا دیبا
ویراستار انگلیسی: محمد بوالحق
صفحه آرا: رضا عبداللهی بجندی
تجدیدکننده طرح جلد: سعید عبداللهی بجندی
مقالات این دوفصلنامه لزوماً بیان‌کننده دیدگاه دانشگاه نیست.

دسترسی به محتوای این نشریه آزاد است.
بازنشر و استناد به مقالات برای مقاصد غیرتجاری و با ذکر کامل مأخذ رواست.

چاپخانه: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال

نشانی: ایران، تهران، بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵
مدیریت امور فنی و چاپ: معاونت پژوهش و فناوری، تلفن: ۸۸۵۷۵۰۲۵ (۰۲۱)
مدیریت امور علمی و تحریریه: اندیشکده تحقیقات حقوق شهروندی، تلفکس: ۸۸۳۸۵۱۱۸ (۰۲۱)
نشانی وبگاه: https://hcr.isu.ac.ir
نشانی پست الکترونیک: hcr@isu.ac.ir

اهداف و سیاست‌های دوفصلنامه علمی تحقیقات حقوق شهروندی

تولید علم از اقدامات حیاتی و مهم در راستای پیشرفت همه‌جانبه یک کشور و نیل به اهداف بلند خویش است. در سالیان اخیر بسط و تولید علم بومی در ایران رشدی قابل قبول داشته است و روند این رشد نیز امیدوارکننده است. نشریات حقوقی نیز در سالیان اخیر رشدی فزاینده داشته است. در کشورهای مولد علم همواره نشریات علمی از اهمیت خاصی برخوردار است. مقالات برخلاف کتب که غالباً تدوینی و آموزشی است، دربردارنده اندیشه‌های بدیع و نو در زمینه‌های مشخصی است که در مرزهای دانش سیر می‌کند. نشریات علمی حقوقی، حاصل تحقیقات و پژوهش‌هایی را عرضه می‌کند که اساتید طراز اول و دانشجویان خوش‌فکر و ممتاز دانشکده‌های حقوق مدتی بر سر آن موضوعات تأمل کرده‌اند و آنچه ارائه می‌شود، محصول پژوهشی سامان‌دار و منظم توسط این گروه است. در کشورهای ممتاز از نظر علمی، مقالات علمی مخاطبان خاص دارد و اساتید و دانشجویان تحصیلات تکمیلی از این دست مقالات بهره‌ای وافر می‌برند.

دوفصلنامه علمی ـ تخصصی تحقیقات حقوق شهروندی (معارف اسلامی و حقوق) به‌کوشش اندیشکده تحقیقات حقوق شهروندی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) به سردبیری آقای دکتر خیرالله پروین، **به‌موجب مجوز شورای پژوهشی دانشگاه فعال و اقدام به دریافت مقالات علمی پژوهشگران می‌کند.**

مقالات این نشریه محصول تلاش اساتید، پژوهشگران و دانشجویان نخبه حقوق است که از طریق تولید و پژوهش و یا برگرفته از پایان‌نامه (تهیه‌شده زیر نظر اساتید راهنما) است که پس از داوری توسط اساتید منتشر می‌شود. این نشریه در دو بخش اقدام به دریافت مقالات علمی مطابق شیوه‌نامه می‌کند:

الف. بخش تحلیلی

۱- مبانی و اقتضائات تحقیقات حقوق شهروندی، آزادی های مشروع و حقوق عامه

۲- الزامات و اصول آموزش حقوق شهروندی و آزادی های مشروع: مسئله افراد و نهادهای عمومی

۳- سازوکارها و بسترهای تضمین تحقیقات حقوق شهروندی و حقوق عامه در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر الگوی مردم سالاری دینی

٤- تبیین آموزه‌های حقوق بشر اسلامی

ب. بخش کاربردی

۱- بررسی تحلیلی ـ انتقادی اسناد بین‌المللی و قوانین، آرای مراجع قضایی و بررسی قضایای ملی و بین‌المللی

۲- بررسی تطبیقی حقوق بشر در نصوص اسلامی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

۳- بررسی نقش نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در ارتقاء و بهبود حقوق بشر

ان‌شاءالله جهت‌گیری مجله حاضر آن است که با استفاده از حضور و اشراف اساتید برجسته حقوق کشور، گامی در راستای تولید حقوق اسلامی و بومی بردارد.

داوران شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۲

ردیف	نام و نام‌خانوادگی	
۱	دکتر ابوالفضل قوی البنیه	دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران
۲	دکتر مصطفی رضایی	دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۳	دکتر جعفر صادق منش	دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
٤	دکتر میثم نعمتی	استادیار گروه آموزشی حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران
٥	دکتر محمدمهدی غمامی	دانشیار گروه آموزشی حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
٦	دکتر علی ربیع‌زاده	دانش‌آموخته دکترای حقوق عمومی و قائم مقام اندیشکده تحقیقات حقوق شهروندی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۷	دکتر محمد یکرنگی	استادیار گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۸	دکتر محمد حسن‌پور	استادیار گروه آموزشی حقوق، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، تهران، ایران
۹	دکتر سید محمدحسین پیغمبری	دانش‌آموخته دکترای حقوق عمومی و معاون احیای حقوق عامه اندیشکده حقوق بشر و شهروندی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۱۰	دکتر نیلوفر مقدمی	دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل عمومی و معاون زنان و خانواده اندیشکده حقوق بشر و شهروندی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
۱۱	سید حسین هاشمی	دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
۱۲	سعید منصوریان	دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

دو فصلنامه علمی «تحقیقات حقوق شهروندی» سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۲

فهرست مقاله‌ها

• **جمهوری اسلامی ایران و ضرورت اقدام‌های حقوقی در چهارچوب دفاع مشروع ۱**
زینب فرهمندزاد

• **پیشگیری از جرائم پناهندگان تروریست در پرتو حقوق بین‌الملل ۱۷**
احمدرضا توحیدی، سمیرا خاوری سید و محدثه قاسمی پاریزی

• **آزادی‌های مشروع در فضای مجازی؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و چین..... ۳۹**
مهدی مقدسی و احسان مرادزاده

• **بررسی جرم پول‌شویی به‌عنوان یکی از مظاهر فساد و ارائه سازوکارهای ساختاری و اقتصادی در راستای مبارزه با فساد..... ۵۵**
محمد بوالحق، امیرحسین قدمی و غلامحسین الهام

• **مطالعه تطبیقی نظام حقوقی حاکم بر نهادهای امنیت ملی در نسبت با قوای مجریه و مقننه در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا ۷۵**
مصطفی قدسی و محمدحسین پیغمبری

دوفصلنامه علمی «تحقیقات حقوق شهروندی»، سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، مقاله پژوهشی، صص. ۱-۱۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶

جمهوری اسلامی ایران و ضرورت اقدام‌های حقوقی در چهارچوب دفاع مشروع

زینب فرهمندزاد*

چکیده

پس از طوفان الاقصی رژیم اشغالگر تنها متمرکز بر ترور و کشتار مردم و نیروهای مقاومت نبوده بلکه رهبران مقاومت فلسطینی و لبنانی و فرماندهان نظامی ایران که خارج از سرزمین‌های اشغالی و غزه بودند را نیز ترور کرده که مهم‌ترین آن‌ها، ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و شهید عباس نیلفروشان در کنار سیدحسن نصرالله در لبنان و حمله به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی ایران در سوریه از طریق نقض حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ثالث و اقدام به عملیات ترور است. سؤال اصلی پژوهش این است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به کدام قواعد حقوق بین‌الملل می‌تواند به اقدام‌های حقوقی در این زمینه متوسل گردد؟ این مقاله با روش توصیفی ـ تحلیلی به این یافته رسیده است که اقدام‌های جنایتکارانه و تروریستی رژیم صهیونیستی، مصداق سیاست ترور و نقض حق حیات مندرج در چهارچوب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نقض مقاوله‌نامه چهارم ژنو (ممنوعیت هرگونه کشتار فراقضایی به‌مثابه نقض گسترده حقوق بشر و بشردوستانه) می‌باشد. در این‌راستا اقدام ایران در حملات موشکی گسترده به رژیم اشغالگر و هدف قرار دادن پایگاه نظامی نواتیم در شامگاه سه‌شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ در اقدام به دفاع مشروع در برابر تجاوز رژیم اشغالگر به خاک یا منافع و حاکمیت ایران و ترور فرماندهان نظامی ایرانی در سایر کشورها ازجمله سوریه و لبنان و شهادت اسماعیل هنیه پاسخی مناسب و با ضرورت طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، سیاست ترور، کشتار فراقضایی، جرم تجاوز، نقض حاکمیت، دفاع مشروع.

* استادیار دانشکده علوم انسانی و اسلامی دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
z.farahmandzad@cuir.ac.ir

مقدمه

از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، مصادف با ۱۵ مهر ۱۴۰۲، رژیم صهیونیستی تهاجم گسترده‌ای را علیه باریکه غزه با هدف «نابودی» حماس و البته الحاق اراضی مذکور به سرزمین‌های اشغالی از طریق اخراج و قتل‌عام گسترده مردم مرتکب شده که این اقدام‌ها متضمن نقض قوانین و قواعد متعددی از معاهده‌های بین‌المللی و قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی بوده است. در طی یکسال از آغاز این جنایات، آمار تلفات انسانی برای پیکرهایی که هویت ایشان مشخص شده، به ۴۳ هزار نفر رسیده است. آمار افراد مفقودالاثر به بیش از ۱۰هزار نفر و افراد آواره به ۲ میلیون نفر رسیده است. شواهد و قرائن نشان می‌دهد که مصادیق متعددی از ارتکاب جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی و جنایت نسل‌کشی در این جنگ به‌وضوح دیده می‌شود. بمباران منازل مسکونی، کشتار زنان و کودکان، حمله به تأسیسات غیرنظامی، منازل، مدارس، مساجد، مراکز پلیس، اماکن عمومی، نابودی زیرساخت‌های حیاتی ازجمله قطع شبکه توزیع آب و برق، بمباران و تخریب بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، ممانعت از حمل‌ونقل مجروحان و ارسال دارو، برخی از مهم‌ترین مصادیق جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی و از موارد نقض مقاوله‌نامه‌های ژنو از سوی رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر غزه است. در جریان حمله به نوار غزه، نیروهای رژیم صهیونیستی با محاصره همه‌جانبه غزه و ممانعت از ارسال نیازهای ابتدایی برای بقای حیات ساکنان غزه و با علم به اینکه قربانیان عضوی از گروه بزرگ‌تری به نام ساکنان غزه هستند و بدون در نظر گرفتن تعلق آنان به یک گروه نظامی یا سیاسی خاص اقدام به قتل آنان کرده‌اند؛ بدین‌ترتیب هر دو رکن مادی و معنوی جرم نسل‌کشی بر مبنای تعریف ارائه شده در مواد ۲ و ۳ مقاوله‌نامه پیشگیری و مجازات ژنوساید (۹ دسامبر ۱۹۴۸) محقق شده است. سایر شواهد حاکی از آن است که علاوه‌بر نسل‌کشی، عناصر مادی و معنوی دو جرم بین‌المللی دیگر یعنی جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی نیز از سوی این رژیم ارتکاب یافته است. رژیم اشغالگر اسرائیل برای جلوگیری از جمع‌آوری مستندات و ورود نهادهای ناظر بین‌المللی، به هیچ‌یک از کارشناسان و متخصصان ملل متحد اجازه ورود و تفحص از جنایات ارتکابی را نداده است.

۱. حمایت‌های مادی و معنوی سایر کشورها از رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی با حمایت ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی همچون انگلیس، فرانسه، استرالیا و اعضای ناتو، ضمن نادیده گرفتن قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد توقف فوری حملات به نوار غزه و نیز بی‌توجهی کامل به دو دستور موقت دیوان بین‌المللی دادگستری پیرامون ضرورت اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از نسل‌کشی و تلاش برای بهبود شرایط انسانی در غزه، همچنان به حملات خود ادامه می‌دهد.

از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، تل‌آویو میلیاردها دلار تجهیزات نظامی مختلف از ایالات متحده آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه دریافت کرده است. بر اساس اعلام وزارت جنگ رژیم صهیونیستی، این تجهیزات شامل ناوگان جدید جنگنده‌های اف ۳۵، تانک، موتور خودروهای زرهی، خودروهای جنگی و هزاران تُن تجهیزات نظامی و بمب‌های ممنوعه دیگر می‌شود (دنیای اقتصاد، ش ٦١٤٧). مجموع این حمایت‌های نظامی و سیاسی از رژیم اشغالگر، مهم‌ترین مدعا بر معاونت کشورهایی نظیر ایالات متحده و هم‌پیمانان اروپایی‌اش در ارتکاب جرائم مورد نظر است. بند ۲ و ۵ ماده ۳ مقاوله‌نامه منع و مجازات جرم نسل‌کشی که به ترتیب تبانی و شرکت در جرم نسل‌کشی را در زمره جرم نسل‌کشی قلمداد نموده، هرگونه مشارکت در ارتکاب این جرم را مورد توجه قرار داده که فروش تسلیحات نیز ازجمله مصادیق آن است. هر چهار کشور ایالات متحده، فرانسه، آلمان و انگلستان، مقاوله‌نامه منع و مجازات نسل‌کشی را به تصویب رسانده‌اند؛ بنابراین به‌صورت مستقیم در پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل می‌توان علیه این کشورها به جرم معاونت در نسل‌کشی طرح دعوا نمود؛ البته با توجه به تحفظ ایالات متحده بر روی این معاهده، هرگونه طرح شکایت علیه وی منوط به رضایت او است.

ترتیبات واسنار (١٩٩٦)[1] و معاهده تجارت اسلحه (۲۰۱۳)[2] از دیگر ترتیباتی هستند که در مفاد خود فروش سلاح را منوط به حفظ و احترام حقوق بشر و منع نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت نموده‌اند که در این دو سند نیز کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه عضویت دارند.

1. The Wassenaar Arrangement on Export Controls for Conventional Arms and Dual-Use Goods and Technologies, (1996).
2. The Arms Trade Treaty (ATT), 2013.

۲. تحلیل حقوقی جنایت رژیم صهیونیستی در ترور اسماعیل هنیه و سیدحسن نصرالله و برخی فرماندهان ایران

اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی و یکی از رهبران حماس که برای شرکت در مراسم تحلیف رئیس جمهور ایران به دعوت رسمی این دولت به ایران سفر کرده بود، در ساعت ۱:۳۷ بامداد ۱۰ مرداد ۱۴۰۳ به وقت ایران (۳۱ ژوئیه ۲۰۲٤)، به همراه محافظ شخصی خود در تهران، پایتخت ایران، توسط یک حمله منتسب به اسرائیل ترور شد.

همچنین رژیم اشغالگر قدس در ٦ مهر ۱٤۰۳ (۲۷ سپتامبر ۲۰۲٤) در اقدامی جنایتکارانه و ناقض قوانین بین‌الملل و حقوق بشردوستانه با استفاده از بمب‌های متعدد یک تنی، جنایت جدیدی علیه انسانیت به راه انداخت و یک منطقه مسکونی در ضاحیه جنوبی بیروت را هدف قرار داد که به تخریب چندین ساختمان روی سر ساکنان آن منجر شد. در این حملات سید مقاومت، سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان و جمعی از فرماندهان مقاومت ازجمله سردار عباس نیلفروشان در راه مبارزه با استکبار و رژیم صهیونیستی و آزادی قدس شریف و دفاع از آرمان‌های اسلام و مردم مظلوم فلسطین به فیض شهادت نائل شدند.

جنگ وحشیانه رژیم صهیونیستی علیه ملت‌های منطقه در فلسطین، لبنان و سوریه، ادامه و گسترش سیاست نسل‌کشی و تروریسم دولتی رژیم غاصب است. با توجه به عملیات وحشیانه ارتش رژیم صهیونیستی علیه مردم جنوب لبنان و حومه بیروت و نقض تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی لبنان و همچنین با توجه به ترور اسماعیل هنیه در ایران که مهمان دولت ایران بود (درصورتی‌که انتساب آن به رژیم صهیونیستی اثبات گردد)، نقض آشکار قوانین بین‌الملل، ازجمله نقض قاعده آمره عدم تجاوز صورت گرفته است. نظریه قاعده آمره، نخستین‌بار در چهارچوب مقاوله‌نامه ۱۹٦۳ وین[1] در زمینه حقوق معاهدات وارد حقوق بین‌الملل موضوعه شد. بر اساس ماده ۵۳ این مقاوله‌نامه، سه شاخص عام بودن قاعده، تخطی‌ناپذیری و شناسایی و پذیرش تخطی‌ناپذیری آن از سوی جامعه بین‌الملل دولت‌ها در کل خود، شاخص‌های شناسایی قاعده آمره هستند (عبدالهی و بهزادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۲). ازسوی‌دیگر باور به آمره بودن قاعده منع توسل به زور گسترده است؛ اما سنجش قاعده منع توسل به زور با

1. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties 1969.

شاخص‌های فوق نشان می‌دهد نمی‌توان این قاعده را آمره قلمداد کرد، چراکه آمره بودن (یا تخطی‌ناپذیری) آن به اندازه کافی مورد شناسایی و پذیرش دولت‌ها در کل خود قرار نگرفته و همچنین این قاعده به‌موجب دفاع مشروع و اقدام نظامی بر مبنای مجوز شورای امنیت، به ترتیب قابل اعتذار و تخطی است؛ اما در مقابل، قاعده منع تجاوز، به‌واقع تخطی‌ناپذیر و بدون استثنا است و آمره بودن آن به‌صورت ضمنی مورد شناسایی و پذیرش دولت‌ها در کل خود قرار گرفته است؛ بنابراین به نظر می‌رسد قاعده آمره حقوق بین‌الملل منع توسل به زور، قاعده منع تجاوز باشد (عبدالهی و بهزادی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۲).

ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی[1] (رم) که به تعریف جرم تجاوز می‌پردازد، متشکل از دو بند است. بند اول جرم تجاوز را چنین تعریف می‌کند:

«برنامه‌ریزی، تدارک، آغاز یا اجرای اقدام تجاوزکارانه توسط صاحب منصبی که به نحو مؤثری اقدام سیاسی یا نظامی یک دولت را کنترل یا هدایت می‌کند که با توجه به ماهیت، شدت و گستره آن، موجب نقض آشکار منشور ملل متحد می‌شود».

بند دوم نیز مصادیق جرم تجاوز را بر می‌شمارد:

«تهاجم یا حمله به سرزمین دولت دیگر بوسیله نیروهای مسلح یک دولت، یا هر نوع اشغال نظامی، هر چند موقت که از چنین تهاجم یا حمله‌ای ناشی شود، یا هر نوع ضمیمه تمام یا بخشی از سرزمین دولت دیگر با استفاده از نیروی مسلح؛ بمباران سرزمین دولت دیگر یا به‌کاربردن سلاح علیه سرزمین دولت دیگر؛ محاصره بنادر یک دولت؛ استفاده از نیروهای مسلح مقیم در سرزمین دولت دیگر بر خلاف شرایط مقرر در توافقنامه منعقده با دولت پذیرنده یا تمدید دوره حضور در سرزمین دولت فرستنده بر خلاف شرایط موافقتنامه؛ اجازه استفاده از سرزمین برای ارتکاب اقدام تجاوزکارانه علیه دولت ثالث؛ ارسال گروه‌ها، نیروهای نامنظم و مزدوران برای انجام عملیات نیروهای نظامی علیه دولت دیگر».

در حملات مسلحانه رژیم صهیونیستی علیه دولت ایران و فرماندهان نظامی ایران

1. Rome statute of the International Criminal Court (1998).

می‌توان برخی از عناصر جنایت تجاوز را مشاهده کرد.

یکی از عوامل رافع وصف متخلفانه توسل به زور، دفاع مشروع هست. ماده ۲۱ مواد پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (۲۰۰۱) مقرر می‌دارد درصورتی‌که دولتی مبادرت به انجام اقدام دفاعی قانونی مطابق منشور ملل متحد کند، آن عمل فاقد وصف متخلفانه خواهد بود[1]؛ بنابراین دفاع مشروع، توجیه توسل به زور در قالب دفاع مشروع است. این در حالی است که بر اساس ماده ۲۶ همین طرح، عوامل رافع وصف متخلفانه نمی‌توانند به‌عنوان توجیه و عذر نقض تعهدات ناشی از قواعد امری حقوق بین‌الملل مورد استناد و اتکا قرار گیرند.[2] چنانکه پیداست قاعده آمره غیرقابل اعتذار است، ولی توسل به زور مطابق با ماده ۲۱ قابل اعتذار و توجیه است. در شرح کمیسیون بر ماده مزبور، هیچ اشاره‌ای به امری بودن قاعده منع توسل به زور نشده و تنها در خصوص تعهدات ناشی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مقررات غیرقابل تخطی حقوق بشری، به غیرقابل‌استنادبودن دفاع مشروع اشاره شده است.

یکی دیگر از مبانی توجیه عمل متخلفانه بین‌المللی به موجب ماده ۲۵ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ۲۰۰۱، ضرورت است.[3] دولت‌ها بعضاً برای توجیه توسل به زور در عرصه بین‌المللی به ضرورت استناد کرده‌اند؛ برای نمونه ایالات متحده در قضیه نیکاراگوئه برای توجیه توسل به زور به دفاع مشروع ضرورت استناد کرد، ولی دیوان ضرورت را احراز نکرد.[4] در قضیه سکوهای نفتی نیز آمریکا مدعی شد حملات ایران موجب بروز ضرورت برای دفاع مشروع شد.[5] دیوان در این قضیه نیز اعلام کرد در خصوص بروز ضرورت قانع نشده و در نتیجه توسل ایالات متحده به زور ضروری نبود.

مبنای دیگر توسل قانونی به زور در منشور ملل متحد، اقدام نظامی با مجوز شورای امنیت است. توسل به زور با مجوز شورای امنیت عنصری از نظام امنیت جمعی می‌باشد. درواقع نظام امنیت جمعی تنها در صورت تعهد دولت‌ها به خودداری از توسل به زور قابلیت تحقق دارد. در جامعه بین‌المللی کنونی شورای امنیت می‌تواند به زور

1. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, YBILC, 2001, Vol. II, Part Two, Art. 21.
2. Ibid., Art. 26.
3. Ibid., Art. 25.
4. Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua, Merits, 1986, I.C.J. Rep., 27 Jun. 1986, para. 34.
5. Case Concerning Oil Platforms, Merits, 2003, I.C.J. Rep., 6 Nov. 2003, para. 62.

متوسل شود و دفاع مشروع، موقتی، استثنایی و در چهارچوب نظام امنیت جمعی و تحت نظارت شورای امنیت انجام می‌شود. اگر سازمان ملل مطابق مقررات خود عمل کند، دیگر نیازی به توسل یک‌جانبه به زور نخواهد بود (Reisman, 1984, p. 642) و زور تنها توسط شورای امنیت اعمال می‌شود و دفاع هم به‌صورت محدود و تا به‌کار افتادن نظام امنیت جمعی از سوی دولت قربانی انجام می‌گیرد.

در مسئله حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به غزه و لبنان شاهد هستیم که به علت عمل نکردن این نظام به شکل مؤثر و قابل‌قبول و عمل نکردن شورای امنیت به وظایف خود در حفظ و برقراری صلح و امنیت بین‌المللی و ایجاد مانع توسط آمریکا و کشورهای غربی در برقراری آتش‌بس و توقف جنگ و حمایت و تشویق این دولت‌ها به ادامه مخاصمه، نسل‌کشی گسترده همچنان ادامه دارد. درواقع این دولت‌ها با توسل به ماده ۵۱ منشور ملل متحد و تفسیر موسع آن کوشیده‌اند که موارد جدیدی را توسل به زور قانونی جلوه دهند. درواقع در این حالت دفاع مشروع دیگر استثنایی موقتی و اقدامی اجتناب‌ناپذیر در چهارچوب نظام امنیت دسته‌جمعی نیست بلکه جایگزین آن است. درواقع ناتوانی شورای امنیت در انجام وظایفش به‌طور خاص و ناتوانی نظام امنیت دسته‌جمعی به‌طور عام موجب شده تابعان حقوق بین‌الملل، رو به توسل یک‌جانبه به زور بیاورند. درواقع در نبود ساختارهای جامعه سازمان‌یافته برای تضمین اجرای حقوق بین‌الملل و در صورت لزوم تغییر آنها، دولت‌ها راهکاری جز توسل به ابزارهای خود ندارند.

بی‌عملی جامعه جهانی به‌ویژه سازمان ملل متحد در برابر جنایات یک‌سال اخیر رژیم صهیونیستی سبب شده تا این رژیم خون‌ریز بدون توجه به اصول و قواعد حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه، گستره عملیات خویش را از باریکه غزه فراتر برده و به کشور لبنان نیز تسری بخشد. اخیراً رژیم اشغالگر همان شکل از جنایات کور را با استفاده از بمب‌های چند تنی در لبنان آغاز نموده و در پی این جنایات اخیر، از دوم مهرماه سال ۱۴۰۳ شمسی (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۴) تا این لحظه بالغ بر هزار نفر از لبنانی‌ها را شهید و ۲۱۱ هزارنفر را آواره نموده است. به‌درستی می‌توان ادعا نمود که فهرست جنایات ارتکابی از سوی اسرائیل در لبنان با فهرست جنایات وی در باریکه غزه برابری می‌کند. در طی این مدت کوتاه، رژیم صهیونیستی تنها متمرکز بر ترور و

کشتار مردم و نیروهای مقاومت نبوده بلکه رهبران مقاومت فلسطینی و لبنانی و فرماندهان نظامی ایران که خارج از سرزمین‌های اشغالی و غزه بودند را نیز ترور کرده که مهم‌ترین آن‌ها، ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و شهید عباس نیلفروشان در کنار سیدحسن نصرالله در لبنان و حمله به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی ایران در سوریه از طریق نقض تمامیت ارضی کشور ثالث و اقدام به عملیات ترور است. این اقدام‌ها مصداق سیاست ترور[1] که نقطه کانونی اقدام رژیم اشغالگر برای حذف رقبا و مخالفانش به‌شمار می‌آید به معنای هرگونه اقدام به قتل از طریق حمله قلمداد می‌شود که خارج از اختیارات قضایی یک گروه یا دولت و با مقاصد سیاسی رقم می‌خورد. علاوه‌بر حق حیات که در چهارچوب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی محترم شمرده شده، بر اساس مقاوله‌نامه چهارم ژنو نیز هرگونه کشتار فراقضایی به‌مثابه نقض گسترده حقوق بشر و بشردوستانه قلمداد شده و تحت صلاحیت حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. همچنین مقاوله‌نامه پیشگیری و مجازات جرائم علیه افراد حفاظت‌شده بین‌المللی ازجمله نمایندگان سیاسی که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۳۱٦٦ به تاریخ ١٤ دسامبر ۱۹۷۳ به تصویب رسیده از دیگر اسناد حائز اهمیتی است که مسئله ترور و قتل افراد تحت حفاظت بین‌المللی و دارای مصونیت را ممنوع می‌سازد. ماده ۲ این مقاوله‌نامه در تعریف افراد تحت حفاظت بین‌المللی بیان می‌دارد: «افراد تحت حمایت بین‌المللی یعنی: ۱- رؤسای دولت‌ها ازجمله هر یک از اعضای بدنه دولت که کارکرد رئیس دولت را بر اساس قانون اساسی بر عهده دارد، رئیس قوه مجریه یا وزیر امور خارجه و اعضای خانواده وی هنگامی که خارج از قلمرو سرزمینی خود به سر می‌برد. ۲- هر نماینده یا مقام رسمی یک دولت یا نماینده و مقام رسمی یک سازمان بین‌المللی که دارای ماهیت بین‌الدولی است...». بنابر آنچه مقاوله‌نامه مذکور معین نموده، رئیس کشور، دولت و نمایندگان رسمی واحدهای سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی از مصونیت در برابر جرائم مندرج در این سند ازجمله قتل و ترور برخوردارند. با توجه به آنکه شهید اسماعیل هنیه دبیر شاخه سیاسی حماس و رهبر سیاسی حزب خویش بود که با پاسپورت سیاسی در ایران حضور داشت، اقدام اسرائیل در ترور ایشان مصداق بارز

1. Assassination

نقض افراد تحت حفاظت بین‌المللی و دارای مصونیت است.

در هر حمله‌ای که علیه یک فرد، خواه یک هدف با ارزش بالا یا یک سرباز باشد، اولین سؤال این است که آیا وضعیت یا فعالیت‌های آنها واجد شرایط حمله است یا خیر؟ سه دسته از افراد را می‌توان مورد هدف قرار داد: رزمندگان، اعضای گروه‌های مسلح سازمان‌یافته (OAG) و غیرنظامیانی که مستقیماً در خصومت‌ها شرکت می‌کنند. از نظر رژیم صهیونیستی، سیدحسن نصرالله به‌عنوان یک عضو نظامی حزب‌الله است و به‌علاوه، اگر هم نظامی نباشد به‌خاطر مشارکت در تنظیم عملیات‌های نظامی و تأیید آنها در خصومت‌ها به‌طور مستقیم مشارکت داشت و بنابراین یک هدف مشروع است.

باید گفت، اولین مورد از سه دسته فوق در مورد نصرالله صدق نمی‌کند؛ زیرا جنگیدن مفهومی محدود به مخاصمه مسلحانه بین‌المللی است. حال آنکه درگیری میان حزب‌الله و رژیم یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی است. اعضای گروه‌های مسلح سازمان‌یافته، دسته دوم، همچنین به‌طور قانونی در هر زمان (با رعایت دیگر مقررات حقوق مخاصمات مسلحانه در مورد هدف قراردادن افراد)، ازجمله در مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی مانند آنچه بین اسرائیل و حزب‌الله وجود دارد، قابل هدف هستند. حزب‌الله یک «گروه مختلط» است به این معنا که هم وظایف غیرنظامی و هم نظامی را انجام می‌دهد. اگر یک گروه دارای زیرمجموعه‌های مجزایی باشد که در وظایف کاملاً غیرنظامی هستند، کل گروه نمی تواند واجد شرایط سازمان مسلح سازمان یافته باشد. تنها شاخه نظامی حزب‌الله شامل مفهوم گروه مسلح سازمان یافته است و بر این‌اساس، تنها اعضای این شاخه بر اساس وضعیتشان قابل هدف می‌باشند. رهبران ارشد یک گروه غیردولتی با شاخه نظامی لزوماً بر اساس موقعیت خود واجد شرایط عضویت در گروه سازمان‌یافته مسلح نیستند. حتی اگر آنها در تصمیم‌گیری در سطح راهبردانه جنگ، مانند تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا و چه زمانی خصومت را آغاز کنند، شرکت کنند، چنین است. «مطمئناً همه رهبران ملی که در بالای زنجیره فرماندهی نظامی ـ اعم از قانون‌گذاری، قانون اساسی و یا بالفعل ـ مشغول به‌کار هستند، اعضای قابل هدف نیروهای مسلح نیستند». مطابق دفترچه راهنمای قانون جنگ وزارت دفاع ایالات متحده:

«رهبرانی که اعضای یک نیروی مسلح یا گروه مسلح (شامل سران کشورها،

مقامات غیرنظامی و رهبران سیاسی) نیستند، ممکن است هدف حمله قرار گیرند، درصورتی‌که مسئولیت آنها شامل فرماندهی یا کنترل نیروهای مسلح باشد» (نژندی منش، ۱۴۰۳).

بنابراین، صرف اینکه دبیرکل حزب‌الله لبنان در تصمیم‌گیری‌های نظامی مشارکت می‌کرد یا تصمیم نظامی را تأیید می‌کرد، به‌خودی‌خود نمی‌تواند وی را به یک هدف مشروع نظامی تبدیل کند.

در خصوص مشارکت مستقیم در خصومت‌ها باید گفت که این امر به‌عنوان یک موضوع حقوق مخاصمات مسلحانه معاهده‌ای و عرفی به‌خوبی پذیرفته شده است و بنابراین غیرنظامیانی که «مستقیماً در خصومت‌ها شرکت می‌کنند» حمایت خود را در برابر حمله «برای زمانی» که در آن شرکت می‌کنند، از دست می‌دهند. در اینجا نیز باید تفسیری مضیق بعمل آوریم تا افراد غیرنظامی بیشتری مورد حمایت قرار گیرند و این دقیقاً منطبق با هدف حقوق بین‌الملل بشردوستانه یعنی حمایت از غیرنظامیان است. اگر بخواهیم غیر از این تفسیر کنیم باید همه شهروندان غیرنظامی را که به نحوی نقش دارند هدف مشروع قلمداد کرد و مورد حمله قرار داد. درنهایت باید گفت حمله‌ای که منجر به شهادت سیدحسن نصرالله شد، بر خلاف اصل تفکیک، اصل تناسب و همچنین اصل اتخاذ اقدام‌های احتیاطی بود. درعین‌حال تفسیری موسع از استثنای مزیت نظامی است که می‌تواند خطرناک تلقی شود (نژندی منش، ۱۴۰۳).

آنچه مهم این است که دشمن هم قبل از هر اقدامی به دنبال پیدا کردن مبنای حقوقی است و هم بعد از آن اقدام خود را در چهارچوب حقوق بین‌الملل تئوریزه می‌کند. پیشنهاد می‌شود ـ به‌ویژه در شرایط فعلی ـ گروهی از حقوق‌دانان بر اقدام‌های ایران و همچنین اقدام‌های رژیم علیه ایران تمرکز نمایند و به مستندسازی و تئوریزه‌کردن حقوقی اقدام‌ها از منظر حقوق بین‌الملل اقدام کنند. در خصوص مورد اخیر می‌توان حتی از صاحب‌نظران غیرایرانی در حوزه حقوق بین‌الملل استفاده کرد.

۳. اقدام‌های حقوقی بین‌المللی

متأسفانه علی‌رغم گستردگی جنایات علیه امت اسلامی در این یکسال اخیر، هیچ‌گونه اقدام حقوقی قابل‌اتکا و مشخصی توسط کشورهای اسلامی علیه رژیم صهیونیستی در

مجامع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت نگرفته و صرفاً دو کشور غیراسلامی آفریقای جنوبی و نیکاراگوئه، اقدام به طرح دعوا در دیوان بین‌المللی دادگستری بر اساس مقاوله‌نامه منع نسل‌کشی علیه اسرائیل کرده‌اند. با توجه به آنکه ظرفیت بسیار خوبی هم در سطح محاکم ملی، هم دادگاه‌های ویژه (Ad Hoc)، همچنین شوراها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد، مایه شگفتی و البته تأسف است که چگونه در این مدت ظرفیت‌های مذکور فعال نشده است.

مردم و مجاهدان نستوه لبنانی سال‌های متمادی است که از تجاوزات بی‌حدوحصر و جنایات رژیم صهیونیستی در امان نیستند و متأسفانه در هفته‌های اخیر اوج جنایات رژیم خون‌آشام صهیونیستی علیه مردمان بی‌دفاع و غیرنظامیان غزه و لبنان را شاهدیم.

باند جنایتکار و نژادپرست نتانیاهو با محکوم کردن متوقف نمی‌شود و پس از لبنان به دمشق و بعد از آن به بغداد و حتی شاید به ایران حمله کند. در صورت ناتوانی سیستم امنیت جمعی برای جلوگیری از جنایات وحشیانه رژیم صهیونیستی مطابق حقوق بین‌الملل و قاعده دفاع مشروع، با توجه به شهادت سرداران ایرانی در کنار فرماندهان مقاومت در لبنان، ایران نیز به همراه لبنان می‌تواند به دفاع مشروع تا دفع متجاوز مبادرت ورزد.

کشورهای مدعی غربی که از حقوق بشر به‌صورت جانبدارانه و نمایشی و برای فشار به دولت‌ها و ملت‌ها استفاده می‌کنند، نسبت به این حجم از وحشی‌گری ضمن حمایت، سکوت مغرضانه اختیار کرده و همین سکوت همراه با بی‌عملی سازمان ملل و شورای امنیت، منجر به این حجم یاغی‌گری رژیم گردیده تا نسل‌کشی اعراب فلسطینی ـ لبنانی را بدون هیچ مسامحه و پاسخگویی ادامه دهد.

در این وضعیت بحرانی منطقه خاورمیانه ضروری است تا همه کشورهای مدافع و حافظ صلح، بالاخص کشورهای عربی در مقابل گستاخی‌های بی‌امان این رژیم نامشروع در کنار مردم مسلمان بایستند تا رئیس رژیم اشغالگر به خود اجازه ندهد در صحن علنی سازمان ملل در نیویورک یکه‌تازی کرده و با دروغ‌پردازی‌های جنون‌آمیز از طرح همکاری با اعراب منطقه سخن بگوید و در همان زمان دستور حمله به مردم غیرنظامی صادر کند و اصل تفکیک و ضرورت و کلیه اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نقض نماید.

دستگاه دیپلماسی ایران باید با تشریک مساعی ویژه و مذاکرات دوجانبه، چندجانبه و تشکیل فوری جلسه سران سازمان همکاری اسلامی، کسب حمایت مجامع بین‌المللی و طرح فوری موضوع در شورای امنیت سازمان ملل، مداخله مؤثر و ممانعت از ادامه این فجایع را به جد پیگیری نماید.

٤. اقدام‌های حقوقی جمهوری اسلامی ایران

به نظر می‌رسد عدم تشکیل اتاق فکر جنگِ حقوقی در ایران ـ با همکاری سایر کشورهای آزاده، مسلمان و محور مقاومت ـ بزرگ‌ترین ظرفیت‌سوزی بوده که خود متضمن نقض اصول ۳ (بند ١٦)، ۱۱، ۱۵۲ و ١٥٤ قانون اساسی و همچنین مواد ۱ و ۱۱ قانون مقابله با اقدام‌های خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت (مصوب ۱۳۹۹) می‌باشد. با توجه به موارد فوق، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند چند اقدام عاجل را مدنظر قرار دهد:

۱- تشکیل کمیته مبارزه حقوقی علیه رژیم صهیونیستی با همکاری وکلا و قضات آزاده و مسلمان سراسر جهان؛

۲- استفاده از ظرفیت سازمان همکاری اسلامی و تصویب اساسنامه دیوان عدل اسلامی به‌منظور مبارزه متحد کشورهای اسلامی با رژیم اشغالگر و مجازات جنایتکاران این رژیم؛

۳- برگزاری نشست فوری با کشورهای اسلامی عضو (OIC) به‌منظور ارائه راهکارهای قطع همکاری و منع صادرات نفت و گاز به رژیم اشغالگر از سوی کشورهای اسلامی عضو اوپک؛

٤- ورود ثالث به پرونده جنایت نسل‌کشی اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری؛

۵- مکاتبه با دادستان دیوان بین‌المللی کیفری (چهارچوب سازوکار ماده ۱۵ اساسنامه دیوان) به‌منظور پیگیری صدور حکم دستگیری علیه سران رژیم جنایتگر از سوی قضات دیوان.

۵. فرجام

بی‌توجهی و بی‌عملی در برابر جنایات اسرائیل آتشی است که دود آن به چشمان ملت‌های مسلمان در وهله نخست و جامعه جهانی در گام دوم خواهد رفت. این رژیم

سفّاک هرگز دست از کشتار، قتل‌عام و ترور برنمی‌دارد و تنها می‌توان با عوامل بازدارنده چندگانه نظامی ـ حقوقی ـ سیاسی جلوی آن ایستاد. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پیشتاز حرکت محور مقاومت و امام این جریان موظف به اقدام‌هایی عاجل در سطح حقوقی ـ سیاسی و نظامی است. در این‌راستا اقدام ایران در حملات موشکی گسترده به رژیم اشغالگر و هدف قرار دادن پایگاه نظامی نواتیم در شامگاه سه‌شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ در اقدام به دفاع مشروع در برابر تجاوز رژیم اشغالگر به خاک یا منافع و حاکمیت ایران و ترور فرماندهان نظامی ایرانی در سایر کشورها ازجمله سوریه و لبنان و شهادت اسماعیل هنیه پاسخی مناسب و با ضرورت طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد به‌شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

بی‌عملی جامعه جهانی به‌ویژه سازمان ملل متحد در برابر جنایات یکسال اخیر رژیم صهیونیستی در غزه سبب شده تا این رژیم خون‌ریز بدون توجه به اصول و قواعد حقوق بشر، حقوق بین‌الملل و حقوق بشردوستانه، گستره عملیات نسل‌کشی خویش را از باریکه غزه فراتر برده و به کشور لبنان نیز تسری بخشد.

در طی این مدت کوتاه، رژیم صهیونیستی تنها متمرکز بر ترور و کشتار مردم و نیروهای مقاومت نبوده بلکه رهبران مقاومت فلسطینی و لبنانی و فرماندهان نظامی ایران که خارج از سرزمین‌های اشغالی و غزه بودند را نیز ترور کرده که مهم‌ترین آن‌ها، ترور شهید اسماعیل هنیه در تهران و شهید عباس نیلفروشان در کنار سیدحسن نصرالله در لبنان و حمله به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق و به شهادت رساندن جمعی از فرماندهان نظامی ایران در سوریه از طریق نقض تمامیت ارضی کشور ثالث و اقدام به عملیات ترور است. این اقدام‌ها مصداق سیاست ترور که نقطه کانونی اقدام رژیم اشغالگر برای حذف رقبا و مخالفانش به‌شمار می‌آید به معنای هرگونه اقدام به قتل از طریق حمله قلمداد می‌شود که خارج از اختیارات قضایی یک گروه یا دولت و با مقاصد سیاسی رقم می‌خورد.

بی‌توجهی و بی‌عملی در برابر جنایات اسرائیل آتشی است که دود آن به چشمان ملت‌های مسلمان در وهله نخست و جامعه جهانی در گام دوم خواهد رفت. این رژیم

سفّاک هرگز دست از کشتار، قتل‌عام و ترور برنمی‌دارد و تنها می‌توان با عوامل بازدارنده چندگانه نظامی ـ حقوقی ـ سیاسی جلوی آن ایستاد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیشتاز حرکت محور مقاومت و امام این جریان موظف به اقداماتی عاجل در سطح حقوقی ـ سیاسی و نظامی است. در این‌راستا اقدام ایران در حملات موشکی گسترده به رژیم اشغالگر و هدف قرار دادن پایگاه نظامی نواتیم در شامگاه سه شنبه ۱۰ مهرماه ۱٤۰۳ در اقدام به دفاع مشروع در برابر تجاوز رژیم اشغالگر به خاک یا منافع و حاکمیت ایران و ترور فرماندهان نظامی ایرانی در سایر کشورها ازجمله سوریه و لبنان و شهادت اسماعیل هنیه پاسخی مناسب و با ضرورت طبق ماده ۵۱ منشور ملل متحد به‌شمار می‌رود.

همچنین با توجه به اصول ۳ (بند ١٦)، ۱۱، ۱۵۲ و ١٥٤ قانون اساسی و همچنین مواد ۱ و ۱۱ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت (مصوب ۱۳۹۹)، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند چند اقدام عاجل را مدنظر قرار دهد:

الف) تشکیل کمیته مبارزه حقوقی علیه رژیم صهیونیستی با همکاری وکلا و قضات آزاده و مسلمان سراسر جهان؛

ب) استفاده از ظرفیت سازمان همکاری اسلامی و تصویب اساسنامه دیوان عدل اسلامی به‌منظور مبارزه متحد کشورهای اسلامی با رژیم اشغالگر و مجازات جنایتکاران این رژیم؛

پ) برگزاری نشست فوری با کشورهای اسلامی عضو (OIC) به‌منظور ارائه راهکارهای قطع همکاری و منع صادرات نفت و گاز به رژیم اشغالگر از سوی کشورهای اسلامی عضو اوپک؛

ت) ورود ثالث به پرونده جنایت نسل‌کشی اسرائیل در دیوان بین‌المللی دادگستری؛

ث) تصویب لوایح مربوط به پذیرش اصل صلاحیت جهانی در مورد جرایم مهم بین‌المللی (طبق ماده ۹ قانون مجازات اسلامی) و اعطای صلاحیت به دادگاه‌های داخلی برای محاکمه جنایتکاران رژیم صهیونیستی.

کتابنامه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت (۱۳۹۹).

دنیای اقتصاد (۱٤۰۳/۷/۱۰). ٦۱٤۷، قابل دسترس در: https://donya-e-eqtesad.com

عبدالهی، محسن و بهزادی، کیوان (۱۳۹۹). موانع آمره‌بودن قاعده منع توسل به زور. *مجله حقوقی بین‌الملل*، (٦۳).

نژندی منش، هیبت‌الله (۱٤۰۳). *ترور شهید سید حسن نصرالله؛ اقدام ناقض حقوق بین‌الملل*. معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، ۱٤۰۳/۰۷/۲۷، قابل دسترس در: http://lri.ir/PacaVX

Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, including Diplomatic Agents (1973).

Reisman, W. M. (1984). Coercion and Self-Determination: Construing Charter Article 2(4). *American Journal of International Law*, 78(3).

Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001).

Rome statute of the International Criminal Court (1998).

The charter of the United Nations.

The Arms Trade Treaty (ATT) (2013).

The Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (CPPCG), 1948.

The Wassenaar Arrangement on Export Controls for Conventional Arms and Dual-Use Goods and Technologies (1996).

UN/RES/3166 (1973).

Vienna Convention on the Law of Treaties 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties (1969).

References

Constitution of the Islamic Republic of Iran.

Law on Countering Hostile Actions of the Zionist Regime Against Peace and Security (2019).

Donya Eqtesad (10/7/1403). 6147, available at: https://donya-e-eqtesad.com

Abdollahi, Mohsen and Behzadi, Keyvan (2019). Obstacles to the Rule of Prohibition of the Use of Force. International Legal Journal, (63).

Nejndi Manesh, Heybatollah (2019). Assassination of Martyr Sayyed Hassan Nasrallah; An Act Violating International Law. Deputy for Research, Education and Citizens' Rights, 27/07/1403, available at: http://lri.ir/PacaVX

Convention on the Prevention and Punishment of Crimes against Internationally Protected Persons, Including Diplomatic Agents (1973).

Riesman, W. M. (1984). Coercion and Self-Government: An Interpretation of Article 2(4) of the Charter. American Journal of International Law, 78(3).

Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001).

Rome Statute of the International Criminal Court (1998).

Charter of the United Nations.

Arms Trade Treaty (ATT) (2013).
Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (CPPCG), 1948.
Wassenaar Arrangement on Export Controls of Conventional Arms and Dual-Use Goods and Technology (1996).
UN/RES/3166 (1973).
Vienna Convention on the Law of Treaties 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties (1969).

دوفصلنامه علمی «تحقیقات حقوق شهروندی»، سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، مقاله پژوهشی، صص. ۱۷-۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۸

پیشگیری از جرائم پناهندگان تروریست در پرتو حقوق بین‌الملل

احمدرضا توحیدی *
سمیرا خاوری سید **
محدثه قاسمی پاریزی ***

چکیده

اساساً پدیده تروریسم بین‌الملل در جامعه جهانی همواره با نگرانی‌هایی روبه‌رو بوده است که این ظرفیت را دارد که فضای سیاسی کشورها را مختل نماید. از طرفی تردد و جابه‌جایی مداوم افراد منتسب به این جریان‌ها نیز، معضل دیگری است که کشورها با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این پژوهش به این موضوع پرداخته است که اساساً رویکرد دولت‌ها در قبال پدیده پناهندگی و حقوق متعاقب آن به‌منظور پناه دادن به جریان تروریسم بین‌الملل روند ایذایی نسبت به دولت‌ها بوده و به دلایل مختلف سعی در محرومیت و ممانعت از پناهندگی این افراد دارد که به‌صورت معمول سایر افراد پناهنده از این روند آسیب می‌بینند. در همین‌راستا قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت و همچنین مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ نیز اشاره‌ای به حمایت از قربانیان تروریسم داشته است. با اتخاذ رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و به‌صورت کتابخانه‌ای، این پژوهش درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که حمایت از پناهندگان چه ارتباطی با پدیده تروریسم دارد و چگونه می‌توان بین آنها تفکیک قائل شد؟ یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که کشورهای پناهنده‌پذیر می‌بایست به‌منظور ریشه‌کن‌سازی جریان تروریسم بین‌الملل نسبت به اجرای قطعنامه‌ها و برنامه‌های مطروحه در مقاوله‌نامه‌ها و پیمان‌های موجود در زمینه دفاع از قربانیان تروریسم و همچنین به پیشگیری از جرائم پناهندگان سعی کنند و با نظارت بر آنها بین پناهندگان واقعی و تروریست‌ها تفکیک قائل شوند.

واژگان کلیدی: تروریسم، ترویسم بین‌الملل، پناهندگی، محرومیت و ممنوعیت، دادگاه بین‌المللی کیفری.

---

* دانشیار گروه حقوق عمومی ـ بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران.
ar.tohidi@qom.ac.ir
** کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مشهد، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
samfa6469@gmail.com
*** دانشگاه آزاد اسلامی اسلامی، تهران غرب، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
mhdsghsmip@gmail.com

مقدمه

اگرچه مهاجرت موضوعی بحث‌برانگیز در جامعه بین‌المللی است، با وجود تصویب پیمان جهانی مراکش برای مهاجرت ایمن، منظم و منظم (GCM) در سال ۲۰۱۸م، اسناد بسیاری وجود دارد که شامل ارجاعاتی به حفاظت از عبور از مرزها می‌شود. یکی از اولین موارد، حمایت بین‌المللی از پناهندگان است که در آن افرادی که از مرزها برای جستجوی حمایت فرار می‌کنند، اغلب توسط دولتی که از آن فرار کرده‌اند، به‌عنوان تروریست طبقه‌بندی می‌شوند؛ اما توسط کشور مقصد به‌عنوان پناهنده شناخته و محافظت می‌شوند. جامعه بین‌المللی به‌طور گسترده، از گنجاندن حقوق بشر عمومی حمایت شده برای همه (ازجمله مهاجران) توسط سایر مقاوله‌نامه‌های تصویب‌شده تحت اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌طور خاص برای مهاجران، همان‌طورکه در مقاوله‌نامه کارگران مهاجر پیشنهاد شده است، استقبال نکرده است. بااین‌حال، در توسعه اساسی بین‌المللی بعدی مرتبط با مهاجرت ـ تصویب پروتکل‌های پالرمو علیه قاچاق و قاچاق انسان ـ حرکت به سمت استفاده از قوانین جزایی فراملی در زمینه مهاجرت بر اساس مبارزه با تروریسم توجیه نمی‌شود. ازسوی‌دیگر، اسناد سازمان ملل در مورد مبارزه با تروریسم که از نظر قانونی الزام‌آور هستند، هیچ اشاره‌ای به مهاجرت به‌عنوان یک موضوع ندارند. در اسناد دیگری، قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و غیره؛ اما پیوند بین تروریسم و مهاجرت ظاهر می‌شود و موضوع مهمی است.

در این بخش مقاله، جمع‌بندی این است که جامعه بین‌المللی هنگام اتخاذ تدابیر الزام‌آور قانونی که باید توسط دولت‌ها تأیید شود، تمایلی به آمیختن ضد تروریسم و مقابله با تروریسم با مهاجرت ندارند. بااین‌حال، چنین اشتهایی در نهادهای سیاسی سازمان ملل، به‌ویژه شورای امنیت، وجود دارد، جایی‌که این دو حوزه متمایز با هم ترکیب شده‌اند و دولت‌ها تشویق می‌شوند یا حداقل آسایش خود را برای اتخاذ اقداماتی که مهاجران را به‌عنوان منابع بالقوه تروریسم هدف قرار می‌دهند، تشویق می‌کنند. شورای امنیت، در اینجا، سیاست اقلیتی از کشورها (عمدتاً بخشی از شمال جهانی) را در سازمان ملل نشان می‌دهد که تلاش می‌کنند از جریان‌هایی که به کشورهایشان می‌آیند، اگر گردشگران ضعیفی هستند، جلوگیری کنند. این امر مستلزم درگیر شدن در پویایی از مسئولیت‌زدایی طبقه سیاسی ملی در رابطه با تأثیرهای منفی

سیاست‌های امنیتی آن‌ها در خارج و ارتباط بین مداخله‌های نظامی و تروریسم فراملی است. پیوندهای ضمنی (و گاهی صریح) که آنها بین تروریسم و ورود خارجی‌ها ایجاد می‌کنند، کلیشه‌های منفی مهاجران را از طریق یک فرایند (غیر) امنیتی که با حمایت از افراد «آنها» توجیه می‌شود، فراتر از معنای سنتی امنیت ملی در موارد اضطراری، تبلیغ می‌کند. موقعیت‌ها زمانی کار می‌کند که به‌صورت فراملی و در راستای مشروعیت‌زدایی حقوق بین‌الملل توسعه یابد.

در بخش دوم مقاله بیان می‌شود که چگونه اعلامیه‌های سیاسی سازمان ملل متحد منعکس‌کننده و پوششی برای اختلاط زمینه‌های مهاجرت و امنیت در اروپا است. به‌عنوان مطالعه موردی، به‌ویژه اتحادیه اروپا، سیاست‌های ضدتروریسم، ازجمله تحلیل‌های لفاظی و علمی و اقدام‌هایی که کشورهای اروپایی با استفاده از ابزارهای حاکمیتی ادغام و انجام داده‌اند، بررسی می‌گردد. همچنین رویه‌های استثنایی با قانونی تضعیف یا به‌صورت فراسرزمینی اعمال می‌شوند، و با استفاده از اقدامات خارج از قلمرو فیزیکی کشورهای خود به‌عنوان سپر جزئی در برابر ادعاهای حقوق بشر تحت تأثیر اقدامات (مهاجران) قرار گرفته‌اند. ما در اینجا تحلیلی از چالش‌های حقوقی در دادگاه‌های فراملی در اتحادیه اروپا و شورای اروپا یا نهادهای معاهده سازمان ملل ارائه نکرده‌ایم که توسط افرادی که تحت تأثیر این اقدامات انجام شده به دلایل ضد و ضد تروریسم قرار گرفته‌اند و کشورهای مربوطه ادعای آن را دارند، وارد نکرده‌ایم. ما می‌دانیم که حمایت از قطعنامه‌های سازمان ملل در این زمینه درحال‌توسعه است؛ اما خارج از محدوده این مقاله است.

در مورد این موضوع تحقیقات کمی صورت گرفته است و تنها به جنبه امنیت کشورهای مهاجرپذیر پرداخته شده است؛ برای مثال Didier Bigo و Elspeth Guild در مقاله International Law and European Migration Policy: Where Is the Terrorism Risk که در سال ۲۰۱۹ به چاپ رسیده است، نویسندگان اشاره دارند که حقوق بین‌الملل در قالب معاهدات، تمایلی به تعامل با امنیت ملی در برخورد با مهاجرت نداشته و این امر را به قوانین ملی واگذار کرده است. درعوض، تلاقی امنیت ملی ـ معمولاً به شکل نگرانی در مورد تروریسم و مهاجرت ـ در گفتمان سیاسی اتفاق می‌افتد که به‌عنوان گذری برای انواع مختلف خشونت دولتی علیه افرادی که طبقه‌بندی

شده یا مظنون به مهاجر هستند عمل می‌کند. BEN SAUL در مقاله
ON AUSTRALIA'S INDEFINITE DETENTION OF REFUGEES HUMAN RIGHTS SECURITY GROUNDS UNDER INTERNATIONAL LAW
که در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسیده است، اشاره دارد که روند قانونی داخلی فعلی معمولاً پناهندگان را از هرگونه اطلاع‌رسانی یا اطلاع کافی از ادعاها و شواهد علیه آنها محروم کرده و مانع از بررسی استحقاق توسط یک دادگاه اداری مستقل می‌شود و نمی‌تواند بررسی قضایی واقعی و مؤثر ارزیابی‌های امنیتی یا بازداشت (شامل درجه کافی از انصاف رویه‌ای) را ارائه دهد. درنتیجه اغلب بازداشت نامحدود پناهندگان شناخته شده است که نمی‌توانند از استرالیا خارج شوند و بنابراین در سیاهچاله قانونی باقی می‌مانند که در آن تصمیمات امنیتی از نظارت مصون هستند. Nizar Messari و Johannes van der Klaauw در مقاله COUNTER-TERRORISM MEASURES AND REFUGEE PROTECTION IN NORTH AFRICA که در سال ۲۰۱۰ به چاپ رسیده است، نویسندگان اشاره دارند که در شمال آفریقا، تهدید تروریستی، کشورهای منطقه را به وضع قوانین جدید و همکاری فشرده‌تر با یکدیگر و همچنین با ایالات متحده و اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای عضو آن برای مقابله با یکدیگر واداشته است. با عواقب تروریسم، بهای این سیاست‌ها برای پناهندگان، پناهجویان و سایر مهاجران بالا بوده است: از قربانی بودن و شایسته بودن برای مراقبت، به تهدیدهای بالقوه تبدیل شدند. چنین اقدامی دارای هزینه‌های حقوقی، انسانی و اجتماعی است، هم برای کشورهای منطقه و هم برای قربانیان آن.

با توجه به پیشینه مربوطه مشخص می‌شود که بیشتر تحقیقات انجام شده در حوزه امنیت کشور محل مهاجرت می‌باشد و کمتر به جرائم پناهندگانی که به تروریسم روی می‌آورند، پرداخته شده است و نوآوری این مقاله در این مسئله می‌باشد که به جرائم پناهدگان تروریست بپردازد.

پناهندگی در طول تاریخ مسیر پرفرازونشیبی را طی کرده است و امروزه به یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی ـ اجتماعی در حوزه بین‌الملل تبدیل شده است. علی‌رغم ماهیت حقوقی پناهندگی، در عمل، عوامل سیاسی و منافع کشورها، این مسئله را از حالت صرف حقوقی خارج کرده است تا جایی‌که شرایط زمانی‌ومکانی در نوع

تصمیم‌گیری دولت‌ها برای اعطای پناهندگی مؤثر بوده است. اصطلاح «پناهندگی»، «پناهندگان» و «پناهنده» ازجمله عبارت‌هایی است که به‌صورت مشخص در دنیا و حقوق بین‌الملل وجود دارد و هر روزه به دفعات از آن استفاده می‌شود. با اینکه با مراجعه به اسناد بین‌المللی مختلف می‌توان عدم تعاریف مشخص در مورد اصطلاحات بین‌المللی را شاهد بود، ولی این اصطلاح در اسناد بین‌المللی دارای تعریف مشخص و چهارچوب معینی می‌باشد. دلیل این تعریف شایع بودن این موضوع می‌باشد. افراد به دلایلی که همواره در هر سرزمینی وجود دارد؛ مثل جنگ، ناامنی، قحطی و... اقدام به مهاجرت کرده‌اند، به همین دلیل، این مهاجرت افرادی را به‌وجود آورده است که با عنوان پناهنده می‌شناسیم؛ البته این پناهندگی از نظر حقوقی می‌تواند شامل پناهندگان سیاسی نیز شامل شود که امری متداول می‌باشد (اخوان، ۱۳۹۵، ص. ۱۲).

پناهندگان که از سرزمین خود دور افتاده‌اند، معمولاً حقوق آنان در مناطق دیگر تضییع می‌شود و حتی ممکن است جان آنان در خطر بیفتد. به همین دلیل وضعیت شکننده پناهندگی وضعیتی را در حقوق بین‌الملل به‌وجود آورده است که در اسناد مختلف بین‌المللی دست به شناسایی حقوق آنان زده‌اند. این مقررات در حقوق بین‌المللی رسمیت یافته و با نام حقوق پناهندگان شناخته می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص. ۲۵)؛ اما یکی از جریان های ناصواب در پهنه اجتماعی که در حوزه پناهندگی مطرح است، مقوله جرم و پدیده تروریسم است. به‌وضوح تروریسم تأثیرات بسیار زیاد و مستقیمی بر حقوق بشر دارد و پیامدهای زیانباری را در بهره‌مندی از حق بر حیات، آزادی و تمامیت جسمانی قربانیان آن به‌جا می‌گذارد. علاوه‌بر هزینه‌های انسانی، تروریسم می‌تواند منجر به بی‌ثباتی حکومت‌ها و تضعیف جامعه مدنی گردد و صلح و امنیت را به خطر اندازد و تهدیدی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی به‌حساب آید. تمامی این مسائل تأثیر عمیقی در بهره‌مندی از حقوق بشر به همراه دارند. امنیت فردی یکی از حقوق بنیادین افراد است و حمایت از فرد تعهدی اساسی برای دولت‌ها به‌حساب می‌آید (سعیدی، ۱۳۸۵، ص. ٦٣). براین‌اساس حکومت‌ها متعهد هستند تا با اتخاذ اقدامات قاطعانه، حقوق اتباع خود و سایران را تضمین نمایند و از آنها در برابر تهدید عملیات تروریستی حمایت به عمل آورند و مرتکبان این اعمال را محاکمه نمایند. یکی از راه‌های پیشگیری از ورود تروریسم به کشورها، ممانعت از نفوذ و ورود

آنها به خاک کشورهاست. زمامداران اغلب می‌کوشند از این طریق، امنیت کشور خود را حفظ نمایند، و بدین منظور، از اسناد موجود در نظامنامه بین المللی، منشور سازمان ملل و دیگر قواعد و قوانین حاکم از جریان پناهندگی استمداد می‌طلبند؛ زیرا پدیده تروریسم، پدیده خلق الساعه نیست و توسط یک دسته از افراد از طریق مرزهای کشورها، وارد خاک آنها می‌شود. به‌همین‌منظور، جلوگیری از ورود آنان، عمده‌ترین راه برای صیانت از امنیت در جامعه بین الملل است؛ البته ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که باید، اسناد بین‌المللی ابتدا تعریفی دقیق از پدیده تروریسم ارائه دهند؛ زیرا اقدامات تروریستی گاه در پوشش نهضت های آزادی‌بخش شکل می‌گیرد که به اشتباه برچسب تروریسم به آنها اطلاق می‌شود (سرفراز، ۱۳۹۳، ص. ٤٤). به‌همین‌منظور در این پژوهش پرسش اساسی این است که اساساً پدیده جرائم تروریستی چه ماهیتی داشته و ارتکاب جرائم تروریستی چه تأثیری بر پیگیری دعاوی پناهندگی دارد و آیا می‌تواند در صورت جمع بودن سایر شرایط، به محرومیت متقاضی از تحصیل وضعیت پناهندگی منتهی شود؟

موضوع مذکور، اهمیت و زمینه بارزی را ایجاد می‌کند تا مسئله اعطای پناهندگی و بررسی درخواست های مربوط به آن از حیث حقوقی مورد کنکاش قرار گیرد که اساساً چه سازوکاری در حوزه حمایت های حقوق بین الملل از منظر اسناد موجود در این زمینه می‌تواند برای افراد به‌عنوان یکی از حقوق اولیه بین‌المللی تعبیه گردد. همچنین جنبه ثانوی اهمیتی که در این خصوص حادث می‌باشد، بهره گیری و پرداختن به نظام راهبردی مقابله با پدیده شوم تروریسم در جهان است که دولت های تمایل ندارند که این دسته از افراد بتوانند بدون محدودیت به سرزمین‌ها و قلمروهای مختلفی بین‌المللی وارد شوند؛ زیرا زمانی که جرم افراد مهرض شود، بدیهی است که وجود آنان در هر منطقه می‌تواند از میزان امنیت در آن جامعه بکاهد (خبیری و دربندی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰)؛ لذا اهمیت اساسی این پژوهش، بازشناسی جایگاه جرم در حوزه پناهندگی در اسناد بین‌المللی و نحوه مواجهه سازمان‌های مسئول در این زمینه است. روشی که در این مقاله به آن پرداخته شده است، توصیفی ـ تحلیلی می‌باشد. به این‌صورت‌که ابتدا به توصیف اسناد بین‌المللی و سپس به تحلیل و تطبیق آن با موضوع و هدف اصلی پرداخته می‌شود.

۱. همگرایی و تعادل نحوه برخورد با جرائم تروریستی

قبل از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م به برج‌های دوقلوی نیویورک، با توجه به اسناد بین‌المللی و تلاش‌هایی که سازمان ملل از قبل داشت، توازنی میان مصلحت و حق برقرار بود و این توازن در حال اجرا بود. ولی بعد از این واقعه، به دلیل اینکه امنیت اجتماعی به مخاطره افتاد و بیم آن می‌رفت که حقوق افراد ضایع شود، سازوکاری برقرار شد که باعث گردید، امنیت در صدر امور قرار گیرد و برخی حقوق به دلیل طرح مسئله امین در حاشیه قرار گرفت، ولی برخی حقوق‌دانان بر این موضوع هم اذعان دارند که حمایت از حقوق افراد و دستیابی به امنیت چندان با یکدیگر معارض نیستند، چه امری حکمی مطرح باشد و چه موضوعی. ولی بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م دو مقوله حقوق بشر و امنیت بیشتر مورد توجه قرار گرفت که ناشی از یک ریشه از اختلافات بود. در چهارچوب این دو موضوع، معمولاً دوگانگی‌هایی مطرح می‌شوند که ناشی از دو موضوع هستند: اول اینکه ممکن است جهت ایجاد یک تعادل جدید تقاضای سیاسی و تقاضای مطبوعات مطرح گردد تا از مواضع حقوق بشری توسط دولت‌ها بعضاً عقب‌نشینی شود. برای درک این موضوع باید دوباره به واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م نگاهی بی‌افکنیم. با درک درست از این موضوع پاسخ ما می‌تواند هوشمندانه باشد (Goodwin-Gill, 2008, p. 1).

در عمل کاملاً برعکس است؛ چراکه نمی‌توان کار مبارزه علیه تروریسم را در چهارچوب تصمیم مردم پیش برد. مبارزه با تروریسم امری مستمر و در برخی مواقع لحظه‌ای می‌باشد و این موضوع نیازمند تجربه و تخصص می‌باشد؛ لذا نمی‌توان در این مورد نقشی برای مردم قائل شد. در عمل نیز حتی در آمریکا همچنین است. اختیار تصمیم‌گیری در این مورد همواره با مقامات دولتی است چراکه کیفیت و اقدام در این مورد را باید در چهارچوب امور تخصصی قلمداد کرد؛ البته باید توجه داشت که برای غلبه بر مشکلات موجود باید توجه داشت که مقامات دولتی بسیاری از کشورها از اختیارات بسیار گسترده‌ای در مورد اقدامات علیه تروریسم برخوردارند که در برخی مواقع به نفع آنان می‌باشد ولی ممکن است به ضرر جامعه نیز تمام شود و حقوق افراد پایمال شود. ولی همزمان باید برای مبارزه مؤثر با تروریسم، دادرسی عادلانه و حمایت از حریم خصوصی همواره مطرح باشد. در این میان اختیارات کافی در چهارچوب قانون نیز

باید اعطا شود که به حقوق افراد لطمه وارد نشود. ولی با این همه باید توجه داشت که تعارضی بین مبارزه با تروریسم و تأمین حقوق اساسی افراد با در نظر داشتن یک راهبرد مؤثر وجود ندارد؛ بنابراین دو مقوله امنیت و آزادی بر یکدیگر مؤثر می‌باشند و چنانچه امنیت بیشتر شود ناچاراً باید بخشی از آزادی‌های جامعه کاهش یابد تا بتوان با وضع محدودیت‌هایی، بر اوضاع حاکم شد (Gowlland-Debbas, 2007, p. 281).

مسئله دیگری را بکاریا مطرح می‌کند که محتاج بررسی می‌باشد. این مسئله طبق نظر وی، کیفر معیار اصلی برای آزادی و امنیت است چراکه هرچه کیفر بیشتر و سنگین‌تر باشد، امنیت افراد نیز بیشتر تأمین می‌شود؛ البته عادلانه‌تر نیز می‌باشد. همین کیفر سنگین می‌تواند افراد خطرناک را از جامعه دور و امنیت افراد و آزادی آنان را تضمین کند؛ لذا عدالت کیفری با تضمین دو مقوله آزادی و امنیت تضمین می‌شود (پاکنهاد، ۱۳۸۸، ص. ٤١). جالب توجه است که در طی مدت زمان مرز بین آزادی و امنیت تغییر می‌یابد و به‌عبارت بهتر متغیر است. سؤالی که در ایجاد ایجاد می‌شود این است که زمانی که وضعیت اضطراری پیش می‌آید، چگونه حدود و شکل محدودیت‌های آزادی باید وضع شود؟ زمانی که امنیت در مخاطره می‌افتد و تهدیدات افزایش می‌یابد، آن موقع است که قدر امنیت دانسته می‌شود و دولت و یا هیئت حاکمه تلاش می‌کند امنیت را بیشتر تأمین نماید. برای این امر سلسله محدودیت‌هایی وضع می‌شود که ممکن است آزادی افراد را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ البته چیستی و ماهیت این آزادی در بستر قانون مهم است. چه نوع آزادی می‌تواند امنیت را برهم‌زند؟ سخنرانی؟ قلم؟ مقاله روزنامه؟ یا آزادی تردد افراد در سطح جامعه؟ در اینجا است که حدود و ثغور این آزادی و ارتباط آن با امنیت مطرح می‌شود (توماس، ۱۳۸۲، ص. ٦٨).

اصرار و تأکید بر محاکمه کیفری به‌عنوان یک مکان مناسب حتی برای شدیدترین جرائم، گام کوچکی خواهد بود. در این مورد دادرسی نیز مهم می‌باشد. چراکه مظنون تروریستی چنانچه با دادرسی منصفانه روبه‌رو نباشد، نه‌تنها محکومیت عادلانه نخواهد بود بلکه فرد به جد از آزادی‌های مشروع خود محروم می‌شود و یا برعکس اگر واقعاً اعمال تروریستی انجام شده باشد ولی بدون مجازات رها شوند، این افراد در سطح جامعه خطرناک بالقوه تلقی می‌شوند و هر لحظه ممکن است امنیت افراد را تحت‌الشعاع خود قرار دهند؛ لذا با اتخاذ تدابیری در این زمینه، عدالت بسیار مهم جلوه

می‌کند و برای زندگی انسان‌ها ارزشمند خواهد بود. مشخص است که این اصطلاح، دارای حوزه موسعی می‌باشد که فرایند رسیدگی‌های قضایی یکی از آن می‌باشد (پاکنهاد، ۱۳۸۸، ص. ٤٥).

۲. تقابل حق و مصلحت در جرائم تروریستی

در ابتدای بحث سؤال این است که متهم دارای چه حقوقی در مورد جرائم تروریستی است؟ آیا این حقوق را می‌توان نقض نمود؟ اگر می‌توان نقض نمود تا چه میزان؟ اگر نه پس چگونه باید به جرائمی که در بطن اعمال تروریستی وجود دارد، رسیدگی کرد؟ در این مورد با نگاه به حقوق بین‌الملل و اسناد مربوطه متوجه می‌شویم که رویکردی که در این مورد اتخاذ شده است، بسیار محتاطانه بوده است. از یک‌طرف حقوق بین‌الملل حقوق متهم تروریستی را غیرقابل عدول دانسته و ازطرف‌دیگر با توجه به اوضاع و احوال جاری در جامعه و با توجه شرایطی که وجود دارد، ممکن است این حقوق با مجوز قانون قابلیت عدول داشته باشد. مهم‌ترین شرطی که در این مورد وجود دارد، امنیت ملی جامعه است که ممکن است خود ریشه این نقض‌ها باشد ولی برخی حقوق مسلم وجود دارد که حتی در صورت ارتکاب شدیدترین جرائم نیز قابل عدول نیست؛ مثل ممنوعیت بازداشت خودسرانه، ممنوعیت شکنجه، قانون بودن جرائم و مجازات و.... (تسخیری، ۱۳۸۸، ص. ۲۱).

۲-۱. حمایت‌های بین‌المللی در ارتباط با مجرمان تروریست

به‌موازات تعهدات عمومی در قبال قوانین حقوق بشر، حقوق بین‌الملل پناهندگی، مجموعه‌ای از قوانین است که با تعریف واژه پناهنده و مقرر ساختن تعهدات دولت‌ها در قبال این افراد و وضح استانداردهایی در رابطه با نحوه رفتار با آنها، چهارچوب حقوقی معینی را به‌منظور حمایت از پناهندگان ترسیم می‌نماید. جنبه‌هایی از حقوق بین‌الملل پناهندگی نیز به افراد پناهجو مربوط می‌شود. مقاوله‌نامه مربوط به وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹۵۱ و پروتکل مربوط به وضعیت پناهندگان مصوب ۱۹٦۷، دو سند جهانی در زمینه حقوق بین‌الملل پناهندگان به‌حساب می‌آیند (Žižek, 2016, p. 78)؛ البته تاآنجاکه به تروریسم و اقدامات اتخاذی برای مقابله با آن مربوط می‌شود، هر دو یک سیستم مهار و توازن را ممزوج می‌نمایند، در حین اینکه ملاحظات امنیتی

دولت‌ها و جوامع میزبان را مدنظر قرار می‌دهند از حقوق افرادی حمایت می‌کنند که بر خلاف سایر گروه‌های خارجی دیگر از حمایت کشور خود برخوردار نیستند. همان‌گونه‌که پیشتر ذکر شد، بند ۲-۷ قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا اقداماتی را به‌منظور پیشگیری از فعالیت‌های تروریستی اتخاذ نمایند و اشکال گوناگون عملیات تروریستی را جرم‌انگاری کنند؛ به‌علاوه آنها را ملزم می‌نماید اقداماتی را اتخاذ نمایند که موجب حمایت و ترویج همکاری میان کشورها شود؛ ازجمله امضای اسناد بین‌المللی مقابله با تروریسم. قطعنامه همچنین به مسائل مربوط به مهاجرت و وضعیت پناهندگان نیز اشاره می‌کند؛ به‌عنوان‌مثال دولت‌ها را ملزم به پیشگیری از جابه‌جایی تروریست‌ها از طریق کنترل مؤثر مرزها و تضمین بی‌نقض بودن اوراق هویتی و اسناد مسافرتی می‌کند. همچنین از دولت‌ها خواسته‌شده تضمین نمایند به پناهجویانی که عملیات تروریستی را برنامه‌ریزی یا تسهیل نموده‌اند یا در این‌گونه عملیات شرکت داشته‌اند، وضعیت پناهندگی اعطا نگردد و وضعیت پناهندگی مورد سوءاستفاده مرتکبان، سازمان‌دهندگان با تسهیل‌گران عملیات تروریستی واقع نگردد.[1] شایان ذکر است که این قطعنامه، تعهدات جدیدی را در زمینه وضعیت حقوقی پناهنده با پناهجو در زمینه حقوق بین‌الملل پناهندگی شناسایی نکرده است. مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ دربردارنده قواعدی است که تضمین می‌نمایند حمایت بین‌المللی از پناهندگان شامل ترغیب‌کنندگان، تسهیل‌کنندگان و مرتکبان عملیات تروریستی نمی‌شود. در همین رابطه دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان بر این باور است که نباید به مسئولان ارتکاب اعمال تروریستی این اجازه داده شود که سازوکارهای پناهندگی را به‌منظور یافتن پناه و رسیدن به مصونیت مخدوش نمایند. چهارچوب حقوق بین‌الملل پناهندگان دربردارنده مقرراتی است که هدفش جلوگیری از سوءاستفاده است تا ازاین‌رو قادر به پاسخگویی به سوءاستفاده‌های احتمالی از سازوکارهای پناهندگی توسط مسئولان اعمال تروریستی باشد (Schuster, 2015, pp. 21-22).

نخست، وضعیت پناهندگی تنها به افرادی اعطا می‌شود که واجد معیارهای تعریف پناهندگی مقرر در ماده ۱ (الف) مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ باشد یعنی «فردی که ترس موجه

1. https://www.unodc.org/pdf/crime/terrorism/res1373english.pdf

دارد از اینکه به علل مربوط به نژاد یا مذهب یا ملیت یا عضویت در بعضی گروه‌های اجتماعی با داشتن عقاید سیاسی تحت آزار و اذیت قرار گیرد». در بسیاری از موارد مرتکبان عملیات تروریستی ترسی از آزار و اذیت به‌خاطر یکی از دلایل وضع شده در مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ ندارند بلکه در حال فرار از تعقیب قانونی به‌خاطر ارتکاب اعمال تروریستی هستند (خبیری و دربندی، ۱۳۹۵، ص. ١٦).

دوم، مطابق با ماده ۱ (و) مقاوله‌نامه ۱۹۵۱، افرادی که واجد شرایط مقرر در ماده ۱ (الف) هستند از شمول حمایت بین‌المللی از پناهندگان خارج می‌شوند اگر که دلایل محکمی وجود داشته باشد دال بر اینکه این افراد، خارج از کشور پناه‌دهنده و قبل از گرفتن وضعیت پناهندگی، مرتکب جنایتی جنگی، جنایت علیه بشریت، جرم غیرسیاسی مهم یا اعمال مغایر با اهداف و اصول سازمان ملل شده‌اند (Lehner, 2018, p. 74).

در این زمینه ماده ۱(٦) (ب) مربوط به ارتکاب جرم غیرسیاسی مهم توسط پناهجویان پیش از پذیرش در کشور پناه‌دهنده است. اعمالی که واجد ویژگی‌های تروریسم هستند اغلب به‌مثابه جرائم غیرسیاسی مهم تلقی می‌شوند. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان دستورالعمل‌هایی را در رابطه با اجرای شروط منع‌کننده اعطای وضعیت پناهندگی در مقاوله‌نامه ۱۹۵۱ صادر کرده است و ماهیت استثنایی آنها و ضرورت در اجرای دقیق و موشکافانه آنها را یادآور می‌شود (سرفراز، ۱۳۹۳، ص. ۲۷).

۲-۲. ترویج و حمایت از حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم

ازآنجاکه تروریسم بر بهره‌مندی از حقوق بشر و کارکرد جامعه تأثیر می‌گذارد، دولت‌ها باید اقداماتی را در راستای مقابله با آن اتخاذ نمایند. همان‌گونه‌که پیشتر ذکر شد، ازآنجاکه تروریسم تأثیرات سوئی در بهره‌مندی از طیف وسیعی از حقوق بنیادین بشر به‌جا می‌گذارد، دولت‌ها نه‌تنها محق بلکه موظف به اتخاذ اقداماتی مؤثر در راستای مقابله با آن هستند. مقابله مؤثر با تروریسم و حمایت از حقوق بشر اهدافی مکمل و درعین‌حال تقویت‌کننده یکدیگرند که دولت‌ها باید همواره به آنها به‌عنوان بخشی از وظایفشان در راستای حمایت از افراد تحت صلاحیتشان پایبند باشند (اسماعیلی، ۱۳۹۵، ص. ١٦). پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، شورای امنیت به‌سرعت در راستای تقویت چهارچوبی حقوقی برای همکاری بین‌المللی و اتخاذ

رویکردی مشترک در برابر تهدید ناشی از تروریسم در زمینه‌هایی همچون پیشگیری از تأمین مالی تروریسم، کاهش خطر دستیابی تروریست‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی و بهبود وضعیت تبادل اطلاعات بین‌مرزی توسط مقامات اجرای قانون، همچنین تأسیس رکنی نظارتی یعنی کمیته مقابله با تروریسم به‌منظور نظارت بر اجرای این تدابیر، اقداماتی انجام داد؛ به‌علاوه در سطح منطقه‌ای، ازجمله در اتحادیه آفریقا، شورای اروپا، اتحادیه اروپا، اتحادیه کشورهای عرب، سازمان امنیت و همکاری اروپا، سازمان دولت‌های آمریکایی، سازمان همکاری اسلامی، اتحادیه همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا و دیگر سازمان‌ها پیشرفت‌هایی در زمینه مقابله با ترور حاصل شده است (Nail, 2016, pp. 161-162).

از زمان تصویب قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شواری امنیت، روزبه‌روز بر تعداد قوانین و سیاست‌های اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم در سطح جهان افزوده می‌شود که بسیاری از آنها در بهره‌مندی از حقوق بشر تأثیرگذارند. بسیاری از کشورها در راستای اجرای تعهداتشان در زمینه مقابله با تروریسم، با وضع سریع قوانین با اتخاذ بدون تأمل مجموعه‌ای از اقدامات منجر به بروز پیامدهای منفی برای آزادی‌های مدنی و حقوق بنیادین بشر می‌شوند. در فصل سوم مهم‌ترین مسائل حقوق بشری عنوان می‌گردند که دولت‌ها باید آنها را همواره در حین مقابله با تروریسم جدی تلقی کنند تا بدین‌وسیله تضمین نمایند که اقداماتشان در زمینه مقابله با تروریسم منطبق با تعهداتشان در قبال قوانین حقوق بشری صورت می‌گیرد (Jeandesboz, 2016, pp. 300-301). نقش مهم حقوق بشر و تعهدات دولت‌ها در زمان مقابله با تروریسم با تصویب راهبرد جهانی سازمان ملل متحد برای مقابله با تروریسم در قالب قطعنامه ۲۸۸/۶۰ مجمع عمومی، جامعه بین‌المللی متعهد شد که اقداماتی را در راستای تضمین احترام به حقوق بشر برای همه و حاکمیت قانون به‌عنوان پایه و اساس مقابله با تروریسم اتخاذ نماید. براین‌اساس دولت‌های عضو بر آن شدند که به‌منظور بررسی شرایطی که منجر به گسترش تروریسم می‌شوند، ازجمله عدم حاکمیت قانون و نقض حقوق بشر، اقداماتی را اتخاذ نمایند و تضمین کنند که هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم با تعهدات آنها در قالب حقوق بین‌الملل، ازجمله قوانین حقوق بشر، قوانین پناهندگی و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مطابقت داشته باشد.

در سال ۲۰۰٤، هیئت عالی‌رتبه برای تهدیدها و چالش‌ها در گزارش خود اعلام کرد که نارضایتی‌های ناشی از فقر، اشغال خارجی، نقض حقوق بشر و نبود مردم‌سالاری نقش به‌سزایی در پیوستن افراد به گروه‌های تروریستی بین‌المللی دارند (Niemann & Zaun, 2018, p. 17). نتیجه نشست جهانی سران، مورد تصویب مجمع عمومی در سال ۲۰۰۵م، نیز مقوله احترام به حقوق بشر در حین مقابله با تروریسم را مدنظر قرار داده و نهایتاً اعلام می‌کند همکاری‌های بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم باید مطابق با حقوق بین‌الملل، ازجمله منشور ملل متحد و مقاوله‌نامه‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مربوطه صورت پذیرد.

مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر نیز تأکید کرده‌اند که دولت‌ها باید تضمین نمایند هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم با تعهدات آنها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابقت داشته باشد. شورای امنیت نیز به همین منوال در اعلامیه مقرر در قطعنامه ١٤٥٦ (۲۰۰۳)، مصوب جلسه شورای امنیت در سطح وزیران امور خارجه، اظهار داشت که دولت‌ها باید اطمینان حاصل نمایند که هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم با تعهدات آنها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه مطابقت داشته باشد. این مسئله بار دیگر در قطعنامه ١٦٢٤ (۲۰۰۵) شورای امنیت مورد تأیید واقع شد. دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش خود در سال ۲۰۰٦ تحت عنوان «اتحاد علیه تروریسم: توصیه‌هایی برای راهبرد جهانی مقابله با تروریسم» احترام به حقوق بشر را به‌عنوان یکی از عناصر ضروری در اجرای تمامی جنبه‌های راهبردی مقابله با تروریسم توصیف نمود و تأکید کرد که اقدامات اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم و حمایت از حقوق بشر نه‌تنها اهداف مغایر بلکه مکمل و تقویت‌کننده یکدیگرند. ارکان مبتنی بر معاهدات منطقه‌ای با جهانی همواره خاطرنشان شده‌اند که مشروعیت اقدامات اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم به میزان مطابقت آنها از قوانین بین‌المللی حقوق بشر بستگی دارد (Rettberg & Gajjala, 2016, pp. 179-180).

راهبرد جهانی سازمان ملل برای مقابله با تروریسم بار دیگر بر رابطه ناگشودنی حقوق بشر و امنیت تأکید می‌کند و اعلام می‌دارد، حاکمیت قانون و حقوق بشر باید در

محوریت تلاش‌های ملی و بین‌المللی در راستای مقابله با تروریسم قرار گیرند. به موجب این راهبرد، دولت‌های عضو متعهد به تضمین احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون به‌عنوان اساس مقابله با ترور هستند. بدین‌منظور، راهبردهای ملی مقابله با تروریسم باید به‌دنبال پیشگیری از اعمال تروریستی و بررسی عوامل منجرشونده به گسترش این اعمال باشند، افراد مسئول اعمال مجرمانه را تحت تعقیب قرار دهند با آن‌ها را به‌صورت قانونی استرداد نمایند، مشارکت مؤثر و رهبری جامعه مدنی را ترویج دهند و توجه کافی به حقوق تمامی قربانیان نقض حقوق بشر داشته باشند (توماس، ۱۳۸۲، ص. ۲۷).

ترویج و حمایت از حقوق بشر نه‌تنها مقوله‌ای ضروری در راستای مقابله با تروریسم به‌حساب می‌آید بلکه دولت‌ها باید تضمین نمایند که هرگونه اقدام اتخاذی در راستای مقابله با تروریسم مطابق با تعهدات آن‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر صورت می‌پذیرد. از دسامبر ۱۹۷۲م تاکنون مجمع عمومی چندین قطعنامه در رابطه با تروریسم به تصویب رسانده و در آنها به بررسی اقدامات مقابله با تروریسم بین‌المللی و همچنین رابطه میان تروریسم و حقوق بشر پرداخته است. مجمع همچنین تأکید کرده است که دولت‌ها باید تضمین نمایند که تمامی اقدامات آنها برای مقابله با تروریسم با تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل و به‌ویژه قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بشردوستانه مطابقت داشته باشد (Zedner, 2014, pp. 111-112). براساس منشور ملل متحد، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت گذارده شده است. این مسئولیت شامل اقدامات لازم در راستای بررسی تروریسم به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی نیز می‌شود. شورای امنیت تا کنون اقداماتی را در راستای مقابله با تروریسم اتخاذ کرده است. این اقدامات مقدمتاً در دهه (۱۹۹۰) عموماً در قالب تحریم دولت‌هایی که با برخی عملیات تروریستی در ارتباط بوده‌اند و سپس در قالب تحریم طالبان و القاعده صورت پذیرفته است. تأسیس گروه‌هایی برای نظارت بر اجرای این تحریم‌ها از دیگر اقدامات در این راستا است. در سال ۲۰۰۱م، شورا قطعنامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) را به تصویب رساند که در آن دولت‌های عضو ملزم به اتخاذ اقداماتی به‌منظور پیشگیری از فعالیت‌های تروریستی و جرم‌انگاری اشکال گوناگون عملیات تروریستی شده‌اند (Rygiel, 2011, p. 11). همچنین در این

قطعنامه از دولت‌ها خواسته شده است تا اقداماتی همچون تصویب اسناد مقابله با تروریسم را اتخاذ نمایند تا بدین‌طریق همکاری میان کشورها در این زمینه موجب تقویت و ترویج شود. همچنین دولت‌های عضو ملزم به ارائه گزارش‌های منظم راجع به پیشرفت‌های خود در این زمینه به کمیته مقابله با تراوری شده‌اند.

همان‌گونه‌که ذکر آن رفت، شورای امنیت در چندین قطعنامه از دولت‌ها درخواست کرد که تضمین نمایند اقدامات اتخاذی آنها برای مقابله با تروریسم با قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حقوق پناهندگی و حقوق بشردوستانه مطابقت داشته باشند. لازم به ذکر است که کمیته مقابله با تروریسم در گزارش خود به شورای امنیت (S/۸۰۰/۲۰۰۵)، بار دیگر بر این مسئله تأکید کرده است. کمیته مذکور همچنین تأکید کرد که هیئت اجرایی کمیته مقابله با تروریسم همواره باید در فعالیت‌های خود این مهم را مدنظر قرار دهد (زرنشان، ۱۳۸٦، ص. ٤٠). لازم به ذکر است علاوه‌بر تعهد عمومی دولت‌ها مبنی بر اتخاذ هرگونه اقدام در چهارچوب موازین حقوق بشری، معاهدات جهانی مربوط به مقابله با تروریسم آشکارا دولت‌ها را ملزم به پیروی از جنبه‌های گوناگون قوانین حقوق بشر می‌کند. در مقاوله‌نامه بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم این موضوع به‌وضوح در چندین ماده بیان شده است؛ به‌عنوان‌مثال براساس ماده ۱۵ این مقاوله‌نامه، دولت‌ها به‌صراحت مجاز شمرده شده‌اند که در صورت وجود دلایل محکمی مبنی بر اینکه دولت درخواست‌کننده اعاده فرد، قصد تعقیب قضایی یا مجازات وی را بر اساس زمینه‌های ممنوعه تبعیض دارد، از استرداد او یا معاضدت حقوقی سرباز زنند (شریفی طرازکوهی، ۱۳۹۸، ص. ٤١).

۲-۳. مراجع قضایی و دادگاه صالح برای رسیدگی به جرائم موجود در حیطه تروریسم و سلب حق پناهندگی

یکی از اهداف عمده‌ای که معمولاً دولت‌ها با انعقاد مقاوله‌نامه‌های منطقه‌ای و یا بین‌المللی درصدد آنند، همکاری بین دولت‌ها می‌باشد. یکی از این موارد هم همکاری در حوزه‌های قضایی و حقوقی است. بر اساس این مقاوله‌نامه‌ها معمولاً مواردی جرم تلقی می‌شوند که دولت‌ها ملزم می‌شوند مجرم یا مظنون را استرداد نمایند. همکاری در زمینه استرداد دارای پیش‌زمینه‌ای می‌باشد که یکی از آنها درخواست تحقیقات قضایی

در کشور دیگر می‌باشد. پس از آن تحت پیگرد قرار گرفته و بعد از دستگیری به کشور محل ارتکاب جرم یا کشور متبوع استرداد می‌شوند؛ البته دارای استثنائاتی نیز می‌باشد که مهم‌ترین آن جرائم سیاسی است. یعنی در صورتی که جرم مرتکب سیاسی باشد، شامل استرداد نمی‌شود. یعنی کشور مربوطه معمولاً از استرداد چنین افرادی خودداری می‌کند؛ البته از منظر حقوق بین‌المللی کیفری، جرائم سیاسی ازجمله موانع الزامی استرداد می‌باشد که معمولاً همه کشورها ملزم به آن هستند. این موضوع در قوانین ملی کشورها نیز گنجانده شده است. در ایران این مسئله در قانون استرداد مجرمان سال ۱۳۳۹ تکرار شده است و بر اساس ماده ۷ این قانون، متهمی که دارای جرم سیاسی می‌باشد، از استرداد وی جلوگیری می‌نماید. تصمیم در این مورد، بر عهده دولت استردادکننده می‌باشد. بند ب ماده ۲ مقاوله‌نامه سازمان همکاری اسلامی نیز بر خلاف رویه ثابت موافقتنامه‌های استرداد، اندکی متفاوت عمل کرده است (گوانتانامو رز، ۱۳۸۵، ص. ۳۲). بر اساس این بند، جرائم تروریستی از شمول جرائم سیاسی خارج بوده و البته تشخیص این امر را بر عهده دولت استردادکننده گذاشته است، ولی چنانچه جرمی تروریستی باشد، دولت استردادکننده نمی‌تواند تفسیری سیاسی از آن ارائه داده و از شمول جرائم تروریستی خارج نماید تا استرداد ننماید. مشابه این موضوع نیز در ماده ۱ مقاوله‌نامه اتحادیه عرب نیز ذکر شده است. در این ماده جرائمی را احصا کرده و آنها را حتی اگر با انگیزه سیاسی باشد، جزو جرائم تروریستی قلمداد نموده است (گوانتانامو رز، ۱۳۸۵، ص. ۳٤).

در دهه های اخیر، شمار زیادی اسناد حقوقی درباره تروریسم تنظیم و تصویب شده که درکنار هم، حقوق بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم محسوب می‌گردند. اینک بیش از ١٤ عهدنامه بین‌المللی و دو پروتکل درباره انواع جرائم بین‌المللی که جرائم تروریستی شایع هستند وجود دارد و هرکدام از این اسناد، مشتمل بر فهرست می‌باشد که به‌صورت عینی به توصیف جرائم ممنوع شده می‌پردازد. براین‌اساس اقداماتی را انجام می‌دهند یا جرائم مزبور سرکوب شوند. سرکوب این جرائم در چهارچوب قانون یعنی مجازات قانونی می‌باشد (گوانتانامو رز، ۱۳۸۵، ص. ۳٦).

۲-٤. دادرسی عادلانه به‌مثابه حق

حق بر دادرسی عادلانه ازجمله مواردی می‌باشد که از حقوق مسلم انسان‌ها در جامعه تلقی می‌شود. این حقوق از تمدن‌های بشری نشئت می‌گیرند ولی بیشتر به حقوق آنگلوساکسونی و منشور کبیر انگلستان برمی‌گردد. فارغ از این موضوع، از منظر فلسفی این حقوق موافق فطرت انسان، عقل و خرد بشری می‌باشد که بر این مبنا ادیان هم توجه ویژه‌ای به آن کرده‌اند. منظور از این نوع محاکمه، رسیدگی موافق اصول و قانون به موضوعات کیفری و مدنی چه در موارد حکمی و چه در موارد موضوعی آن‌هم در دادگاهی که دارای صلاحیت، مستقل و بی‌طرف بوده و با رعایت اصول مسلم حقوقی، به دعوا رسیدگی نماید. دادرسی منصفانه را می‌توان از نظر کیفری شامل رعایت عدالت از کشف جرم گرفته تا اجرای مجازات را دانست؛ البته باید توجه داشت که رعایت تضمین‌های شکلی و ماهوی نیز دخیل در این امر می‌باشد (Syse, 2014, p. 407).

ولی واژه دیگری داریم با عنوان دادرسی بایسته. براین‌اساس هیچ‌گونه و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان بدون یک فرایند بایسته که قانونی و مشروع بوده، از حقوق افراد عدول نمود یا از اموال محروم کرد؛ لذا این عبارت دولت را ملزم می‌کند که بر اساس قانون کشور مربوطه، یعنی قانون اساسی، قوانین کیفری و سایر قوانین عمل کند. حتی در این مورد برخی اساتید نیز نظر داده‌اند؛ ازجمله فیلیپ ماری، این استدلال را کرده است که حمایت از بزه‌دیده یا بازپروری مظنون یا مجرم می‌تواند جای تأمین امنیت را گرفته و حتی شامل مواردی از قبیل جرائم تروریستی نیز شود (Tazzioli, 2017, p. 32).

۳. تلاقی سیاست ضد تروریسم و سیاست‌های پناهندگی در ارتبط با اقدامات دولت‌ها

تلاقی سیاست ضد تروریسم و سیاست پناهندگی توجیه اعمال خشونت بیشتر دولتی علیه مردم، خواه مظنون به تروریست یا پناهجو، پناهنده یا مهاجر باشد. حملات تروریستی پاریس در نوامبر ۲۰۱۵ مصادف شد با ورود چند میلیون پناهجو و پناهنده که عمدتاً از ترکیه از طریق بالکان به اروپا می‌رفتند تا به مکان‌های امن برسند، یعنی مکان‌هایی که در معرض آزار و اذیت و آزار و اذیت روزانه قرار نگرفتند. ورود افراد از سوی برخی مقامات در برخی از کشورهای اروپایی به‌عنوان خطر بزرگی برای نظم عمومی تلقی می‌شد که حتی کنترل‌های مرزی بر روی افرادی که بین کشورهای شنگن

عبور می‌کردند، باید دوباره برقرار می‌شد تا اوضاع نظم یابد. در چنین منطق کنترلی و ضروری دانستن اینکه چه کسی از مرزها عبور می‌کند، وقوع حملات تروریستی مورد ادعای افراط‌گرایان اسلامی در خاورمیانه، محیطی مناسب برای درهم‌تنیدن دو موضوع کاملاً مجزا فراهم کرد: یکی، تهدید حملات تروریستی با الهام از افراط‌گرایان اسلامی و ازسوی‌دیگر، ورود پیش‌بینی شده مردمانی که به‌دنبال حمایت بین‌المللی مهاجرت کردند. تعدادی از کشورهای اتحادیه اروپا به‌جای تفکیک مسائل و پرداختن به آنها در حوزه سیاست و عمل مجزای خود، این دو را در یک خط ترکیبی ادغام کردند. این اقدام آزادی خشونت دولتی علیه تروریست‌های مظنون در وضعیت اضطراری و پناهجویان و پناهندگان را ممکن کرده و سطح و شدت خشونت دولتی که با حمایت‌های قانون اساسی و تعهدات حقوق بشری مطابقت ندارد را افزایش داد (Bigo & Guild, 2019, p. 24).

خشونت دولتی با انکار حق ترک کشورهای درگیر جنگ داخلی مانند سوریه کمرنگ شده است. بحث این است که حمایت از شهروندان مستلزم نقض حقوق بشر دیگران است. ادعای حق بستن مرزها به کسانی که در داخل آن مرزها هستند، این امکان را می‌دهد که کمتر و مستقیماً تحت تأثیر مصائب کسانی باشند که به‌دنبال حمایت بین‌المللی هستند. مجموعه‌ای از روایت‌ها در اروپا تلاش می‌کنند تا تصویر همبستگی نسبت به پناهندگان را به تصویری از محافظت در برابر تهاجم و ورود تروریست‌ها تغییر دهند. بااین‌حال، اگر بدون سرمایه‌گذاری حاکمیت دولت در کنترل‌های مرزی ازجمله در داخل منطقه شنگن اتحادیه اروپا و ایجاد نقاطی که پناهندگان به اجبار در آنها سکونت می‌گزینند، از منظر امنیت و مقابله با تروریسم بی‌ضرر و مثبت هستند.

نتیجه‌گیری

حقوق بین‌الملل در قالب معاهدات بین‌المللی ازجمله حمایت از پناهندگان و مهاجرت اجباری، امنیت ملی را تحت‌الشعاع قرار نمی‌دهد. معاهدات بین‌المللی مربوطه به کشورها امکان محدود کردن جابه‌جایی افراد و امتناع از حمایت بین‌المللی را بر اساس دلایل امنیت ملی یا تروریسم می‌دهد. بااین‌حال، هر دو مفهوم همچنان به حوزه ملی

واگـذار مـی‌شـوند. معاهـدات بـین‌المللـی در قالـب حقـوق بشـر، قاچـاق انسـان و استانداردهای کار به‌ندرت از واژه امنیت ملی یا تروریسم استفاده می‌کننـد، بـه‌اسـتثنای یک مورد بسیار محدود در پروتکل‌های پالرمو علیه قاچـاق و قاچـاق انسـان. بـه‌طـور مشابه، اقدامات سازمان ملل با هدف مبارزه با تروریسم به‌ندرت به مهاجرت یا حمایت بین‌المللی اشاره می‌کند. این قلمـرو نیـز در حقـوق بـین‌الملـل در برابـر ادغـام امنیـت ملی/تروریسم و مهاجرت در یک تداوم مصون است. بااین‌حال، اقدام ضد تروریسم و مبارزه با تروریسم در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد وجود دارد کـه بـه کشورهایی که به‌دنبال «بیرونی کردن» فعالیت‌های ضد تروریسم خود هستند کـه نتیجـه آن منجر به پیشگیری از جرم توسط پناهندگان می‌شود.

تروریست چالش‌های اساسی برای نظام حقوق بین‌الملل ایجاد می‌کند، درحـالی‌کـه پناهنده مشکلی ناخوشایند است ولی باید توجه داشـت کـه چگونـه یـک پنـاهجو، در غیاب یک پوشش قانونی که او را به‌عنوان یک پناهنده مستحق به‌رسمیت می‌شناسد، در نظر گرفته می‌شود. تحولات پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م که در آن شورای امنیت سازمان ملل متحد از کشورها خواست تا جنایات تروریسـتی را محکـوم کننـد و هـیچ پناهگاه امنی برای هیچ تروریستی فراهم نکنند، این تصور را تضعیف نکرده است. ایـن رویدادها فقط سطح سوءظن را بالا برد و مسائل تروریسم و پناهنـدگی را بـه یکـدیگر نزدیک کرد. این واقعیت که پناهجویان به‌عنوان «جنایتکاران»، «تروریست‌های احتمالی» یا مهاجران غیرقانونی معرفی می‌شوند که حضورشان باید به‌عنوان یک موضـوع کنتـرل مرزی و جنایت مدیریت شود و نیازهای آن‌ها حائز اهمیت نیست، نشان مـی‌دهـد کـه چگونه رویکرد نسبت به پناهندگان تغییر کرده است. برای این منظور، همان‌طورکـه در بسیاری از قطعنامه‌های سازمان ملل مجدداً تأییـد شـده اسـت، بسـیار مهـم اسـت کـه دولت‌ها تعهد خود را برای اطمینان از همسویی اقدامات ضد تروریسـم بـا زمینـه‌هـای بین‌المللی مرتبط، مانند قوانین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق پناهندگان، رعایت کننـد؛ لذا یکی از موضوعات مهم این مقاله، حمایت‌های بـین‌المللـی در ارتبـاط بـا مجرمـان تروریست می‌باشد که نیازمند چهارچوب مشخصی است و پیشنهاد می‌شود سیاست‌هـا و اقدامات یکسانی در این‌راستا اندیشیده شود. درمقابل آن نیز برای مقابله با تروریسـم حمایت و ترویج حقوق بشر نیز نیاز است که به بهانه مبارزه با تروریسم نبایـد حقـوق

پناهندگان همانند برخی کشورها نقض شود. بحث دیگر نیز وجود دادگاه‌های صالح است که در حیطه تروریسم باید به همه جوانب موضوع نگاه کرده و سپس تصمیم‌گیری و حکم صادر نمایند چراکه ممکن است حق پناهندگی سلب گردد و شخص مزبور مجبور شود برای برنگشتن به کشور خود، به مهاجرت دوباره در کشورهای دیگر دست زند. از این‌منظر پیشنهاد می‌شود سیستم رسیدگی به جرائم پناهندگان باید عادلانه گردد و همان‌طورکه در مقاله بررسی شد، رسیدگی عادلانه به‌مثابه حق باید مورد توجه قرار گیرد.

کتابنامه

ابراهیمی، محمد (۱۳۹۲). *پناهنده (حقوق بایدها و نبایدها)*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

اخوان، منیره (۱۳۹۵). پناهندگی سیاسی، «مفهومی بشردوستانه با ابزاری سیاسی». *فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان*، ٤(۱۸).

اسماعیلی، مهدی (۱۳۹۵). *پیشگیری از تروریسم جنایی در سیاست جنایی تقنینی ایران*.

دایرةالمعارف علوم جنایی. مجموع مقالات تازه‌های علوم جنایی. جلد دوم. تهران: نشر میزان.

پاکنهاد، امیر (۱۳۸۸). *سیاست جنایی ریسک مدار*. تهران: میزان.

تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۸). *مجموعه مقالات همایش جهان قربانی تروریسم*. تهران: مجمع جهانی صلح.

توماس، فیلیپ (۱۳۸۲). *واکنش‌های قانونی به تروریسم، نگرش انتقادی*. ترجمه محمود سلیمی (گزارش پژوهشی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

خبیری، کابک و دربندی، مارال (۱۳۹۵). *حقوق بین‌المللی و مسئله تروریسم*. مقاله کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

زرنشان، شهرام (۱۳۸٦). شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم. *مجله حقوقی*، (۳۸).

سرفراز، فرشید (۱۳۹۳). پناهندگی: مفهوم، دگرگونی‌های تاریخی و جایگاه آن در نظام بین‌الملل کنونی. *مجله سیاسی ـ اقتصادی*، (۲۹٦).

سعیدی، سعید (۱۳۸۵). حقوق پناهنده در نظام بین‌الملل و قوانین ایران. *روزنامه شرق*، (۸۵٤).

شریفی طرازکوهی، حسین (۱۳۹۸). *حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی*. تهران: دادگستر.

گوانتانامو رز، دیوید (۱۳۸۵). *جنگ آمریکا علیه حقوق بشر*. ترجمه نجله خندقی، تهران: امیرکبیر.

Bigo, Didier & Guild, Elspeth (2019). International Law and European Migration Policy: Where Is the Terrorism Risk?. *Laws*, 8(4), 30. https://doi.org/10.3390/laws8040030

Goodwin-Gill, G.S. (2008). Forced Migration, Refugee Rights and Security, in J. McAdam (ed.), *Forced Migration, Human Rights and Security*, 1.

Gowlland-Debbas, V. (2007). "The Link Between Security and International Protection of Refugees and Migrants", in V. Chetail (ed.), Mondialisation, Migration et Droits de l'Homme: le Droit International en Question/Globalization, *Migration and Human Rights: International Law under Review*, 281.

Jeandesboz, Julien (2016). Smartening border security in the European Union: An associational inquiry. *Security Dialogue*, (47), 292–309.

Lehner, Roman (2018). The EU-Turkey-'deal': Legal Challenges and Pitfalls. *Chaoyang: International Migration.*

Nail, Thomas (2016). A tale of two crises: Migration and terrorism after the Paris attacks. *Studies in Ethnicity and Nationalism*, (16), 158–67.

Niemann, Arne & Natascha, Zaun (2018). EU refugee policies and politics in times of crisis: Theoretical and empirical perspectives. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, (56), 3–22.

Rettberg, Jill Walker & Radhika, Gajjala (2016). Terrorists or cowards: Negative portrayals of male Syrian refugees in *social media. Feminist Media Studies*, (16), 178–81.

Rygiel, Kim (2011). Bordering solidarities: Migrant activism and the politics of movement and camps at Calais. *Citizenship Studies*, (15), 1–19.

Schuster, Lisa (2015). *Unmixing Migrants and Refugees*. Abingdon: Routledge International Handbooks.

Syse, Aslak (2014). Breivik–the Norwegian terrorist case. *Behavioral Sciences & the Law*, (32), 389–407.

Tazzioli, Martina (2017). The expulsions of humanitarianism. The hampered channels of asylum in France. *lo Squaderno*, (44), 29–34.

Zedner, Lucia (2014). Terrorizing criminal law. *Criminal Law and Philosophy*, (8), 99–121.

Žižek, Slavoj (2016). *Against the Double Blackmail: Refugees, Terror and other Troubles with the Neighbours*. London: Penguin UK.

References

Ebrahimi, Mohammad (2013). Refugee (Rights of Musts and Mustn'ts). Tehran: Institute of Humanities.

Akhavan, Monireh (2016). Political Asylum, "A Humanitarian Concept with a Political Tool". Quarterly Journal of Women's Rights Protection Studies, 4(18).

Esmaili, Mehdi (2016). Prevention of Criminal Terrorism in Iran's Legislative Criminal Policy. Encyclopedia of Criminal Sciences. Collection of New Articles in Criminal Sciences. Volume 2. Tehran: Mizan Publishing.

Paknehad, Amir (2009). Risk-Based Criminal Policy. Tehran: Mizan.

Takeshiri, Mohammad Ali (2009). Collection of Articles of the World Conference on Victims of Terrorism. Tehran: World Peace Forum.

Thomas, Philip (2003). Legal Responses to Terrorism, Critical Perspective. Translated by Mahmoud Salimi (Research Report). Tehran: Institute for Strategic Studies.

Khobiri, Kabak and Darbandi, Maral (2016). International Law and the Problem of Terrorism. Master's Thesis. Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

Zarneshan, Shahram (2007). The Security Council and the Commitments of States to Counter Terrorism. Legal Journal, (38).

Sarfaraz, Farshid (2014). Asylum: Concept, Historical Changes and Its Place in the Current International System. Political-Economic Journal, (296).

Saeidi, Saeed (2006). Refugee Rights in the International System and Iranian Laws. Shargh Newspaper, (854).

Sharifi-Tarazkouhi, Hossein (2019). Human Rights in the Light of International Developments. Tehran: Dadgostar.

Guantanamo Rose, David (2006). America's War on Human Rights. Translated by Najleh Khandaghi, Tehran: Amir Kabir

دوفصلنامه علمی «تحقیقات حقوق شهروندی»، سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، مقاله پژوهشی، صص. ۳۹-۵۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

آزادی‌های مشروع در فضای مجازی؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و چین

مهدی مقدسی *
احسان مرادزاده **

چکیده

فضای مجازی در سطوح زندگی فردی و اجتماعی بشر نفوذ کرده است و مسئله ضابطه‌مندسازی یکی از مهم‌ترین مسائل در این عرصه می‌باشد. ازسوی‌دیگر علی‌رغم پذیرش آزادی‌های اجتماعی در نظام‌های حقوقی، شاهد تحدید این آزادی‌ها به‌ویژه در فضای مجازی هستیم. در این پژوهش در پاسخ به این سؤال اصلی که آیا تحدید آزادی‌های مشروع در فضای مجازی در حقوق ایران و چین، شناسایی شده است و چه مستنداتی دارد؟ می‌توان گفت که طبق اصول مختلف مانند: اصول ۹ و ۲۰ قانون اساسی ایران و اصول ۴۰، ۳۵ و ۳۷ قانون اساسی چین، اصل بر آزادی افراد است، ولی این‌گونه نیست که مطلق باشد بلکه با قیودی مانند: «لزوم رعایت موازین بنیادین»، «مخل مبانی حکومت، نظم و حقوق عمومی نبودن» و «عدم اضرار به‌غیر» ناظر به اصولی مانند اصول ٤، ٢٤ و ٢٥ در قانون اساسی ایران و اصول ٤، ٢٨، ٣٦ و ٣٨ در قانون اساسی چین، ضابطه‌مندسازی آزادی‌های اجتماعی را می‌توان برداشت نمود و این حدگذاری در فضای مجازی نیز قابلیت تعمیم دارد. برای اثبات این فرضیه در این نوشتار از روش توصیفی ـ تحلیلی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: آزادی‌های مشروع، فضای مجازی، ضابطه‌مندسازی، نظام حقوقی، ایران، چین.

* استادیار و عضو هیئت گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
moghaddasi.mahdi7718@gmail.com
** دکتری تخصصی و پژوهشگر گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
eh.moradzadeh@gmail.com

مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین نظام‌های حقوقی که در حقوق تطبیقی مطرح می‌باشد، نظام حقـوقی چین است. به چند دلیل مسئله آشنایی با نظام حقوقی چین قابل اعتنا می‌باشد:

یکم، حقوق قدیم چین، ویژگی‌های منحصربه‌فردی داشته که آن را از سایر نظام‌هـای حقوقی متفاوت می‌کند.

دوم، نظام حقوقی چین از سال ۱۹٤۹ تحولی بنیادین به خود می‌بیند و با آمیختگی به حقوق غربی ترکیبی جدید از نظام حقوقی جدید به نمایش می‌گـذارد؛ بـرای مثـال می‌توان گفت: در سال ۱۹۸۲ فقط ۱۸۰۰۰۰ حکم مدنی از سوی دادگـاه‌هـای چـین صادر شده، ولی در سال ۱۹۹۸ این رقم به ۱٤٥۰۰۰۰ رسیده است. همچنین در سال ۱۹۷۷ صرفاً دو دانشکده حقوق در چین وجود داشته است که کمتر از ۱۰۰ دانشجو داشته‌اند، ولی در سال ۱۹۸۷ بیش از ۱۲۰۰۰ نفر از هشتاد دانشکده حقوق در چـین فارغ‌التحصیل شده‌اند و این مسئله بیانگر تحولی شـگرف در عرصـه حقـوق چـین می‌باشد. با بررسی پژوهش‌هایی که در حوزه حقوق تطبیقی انجام شده است، بیشتر آثار در مورد نظام‌های حقوقی رومی ـ ژرمنی و آنگلوساکسن ماننـد: نظـام حقـوقی فرانسه، انگلستان و ایالات متحده می‌باشد.

سوم، کشور چین که با جمعیت قریب به دو میلیارد نفـر و دومـین قـدرت اقتصـادی جهان و روابط تجاری مالی گسترده با کشور ایران می‌باشد، جهـت مـدیریت بهینـه همکاری‌ها و همچنین رویکرد اسـناد بالادسـتی و سیاسـت‌هـای کـلان جمهـوری اسلامی، مطالعه نظام حقوقی چین کاملاً برای پژوهشـگران عرصـه حقـوق تطبیقـی ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

از باب نمونه در این‌راستا می‌توان گفت: صرفاً در دانشـگاه پـاریس کـه مهـم‌تـرین دانشکده حقوق فرانسه شناخته می‌شود در طول چنـد سـال اخیـر، بـیش از ۲۰ رسـاله دکتری در حوزه نظام حقوقی چین نگارش شده است. در ادامـه بیـان پیشـینه پـژوهش می‌توان گفت که در نظام حقوقی ایران با فقر منابع پژوهشی پیرامون نظام حقوقی چین مواجه هستیم (طباطبایی، ۱٤۰۰، ص. ٥۰)؛ اما می‌توان به آثـار ذیـل اشـاره داشـت: ۱- مقاله نگاهی به حقوق اساسی چین به نگارش منوچهر طباطبایی مؤتمنی کـه بیشـتر بـه رویکرد تاریخی نظام حقوق اساسی چین پرداخته است، ۲- مقاله اصل حاکمیـت اراده

در قواعد حل تعارض در نظام حقوقی ایران و چین به نگارش وحید یگانه، ۳- مقاله چالش‌های حقوق بشری دولت چین با نگارش حسن خسروی؛ با بررسی و تتبعات کامل منابع فوق‌الذکر، بی‌ارتباط بودن این منابع با موضوع نوشتار پیش‌رو همچنین بررسی جامع و منقح نظام حقوق اساسی چین به ویژه در مورد آزادی‌های مشروع در فضای مجازی و غیر آن مبرهن می‌باشد؛ ازاین‌رو نوآوری پژوهش حاضر با توجه به فقدان منابع پژوهشی در نظام حقوق اساسی چین اثبات می‌گردد.

کشور چین به‌عنوان بزرگ‌ترین کشور جهان، دارای شتابان‌ترین رشد بین اقتصادهای بزرگ است؛ لذا مجموع‌ترین‌ها در این کشور است؛ مثلاً بزرگ‌ترین تولیدکننده، بیشترین ذخیره ارزی جهان، بالاترین میزان پس‌انداز، بزرگ‌ترین تولیدکننده زغال‌سنگ، فولاد و سیمان در جهان و بزرگ‌ترین کارگاه جهان.

چین قدرت نوظهوری است که در کنار ایالات متحده، ژاپن، روسیه و ایران یکی از قدرت‌هایی است که از آنها به‌عنوان قدرت‌های بزرگ بین‌الملل در سده ۲۱ یاد می‌شود (سازمند، ۱۳۹۲، ص. ۹٤).

چین یکی از کشورهای موفق است که فرایند گذار از اقتصاد سنتی به نظام دانش‌محور را به نحو مطلوبی طی کرده است. چین ازجمله کشورهایی است که با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی توسعه‌گرا از منزلت ویژه‌ای در سطح بین‌الملل برخوردار شده است. تأثیر نظام رهبری چین در این امر و تداوم آن از سال ۱۹۷۹ تاکنون بر کسی پوشیده نیست.

برای فهم قدرت سیاسی در نظام حقوق اساسی چین باید ابتدا در خصوص قانون اساسی این کشور نگاشت. قانون اساسی قانونی بنیادین، عالی‌ترین مرجع حقوقی کشور می‌باشد. هیچ قانون و مقرراتی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. در قانون اساسی معمولاً مضامین مهمی مانند اصول اساسی نظام اجتماعی و نظام کشور اصول اساسی سازمان‌دهی اداره دولتی و فعالیت‌های آن و حقوق و وظایف اساسی اتباع قید شده است؛ افزون‌براین در این قانون مواردی مانند: پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی و پایتخت و نظام‌های دیگر اجتماعی مورد توجه طبقه حاکم قید شده است که مربوط به تمام زمینه‌ها در کشور است (سابقی، ۱۳۹۲، ص. ٤۱۳).

ویژگی‌های اساسی این قانون، تعیین نظام و وظایف اصلی چین، تعیین اصول و

رهیافت اساسی اصلاحات و درهای باز می‌باشد که مردم تمام اقوام و ملیت‌ها و سازمان‌های موجود در سراسر کشور باید در چهارچوب قانون اساسی چین فعالیت کرده و هیچ سازمان یا شخصی حق تخطی و نقض قانون اساسی و قوانین دیگر را ندارد. این قانون به ۵ بخش مقدمه، حقوق، برنامه اساسی و وظایف اساسی اتباع و پرچم و شامل چهار فصل و ۱۳۸ ماده است. پس از ابلاغ این قانون ٤ بار در آن تجدیدنظر شده است (سابقی، ۱۳۹۲، ص. ٤١٤).

در قانون اساسی چین آیین بازنگری هم آمده که اصلاحیه ها را کمیته دائمی یا حداقل یک‌پنجم اعضای کنگره می‌توانند مطرح کنند. این اصلاحیه‌ها در صورت احراز رأی موافق بیش از دوسوم کل اعضا به تصویب می‌رسند.

مبتنی بر مطالب مذکور بررسی آزادی‌های مشروع در عرصه فضای مجازی که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های عصر کنونی می‌باشد، در نظام حقوقی ایران و چین مورد تدقیق قرار گرفته است. این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی با بررسی تمام اصول قانون اساسی ایران و چین، در پاسخ به این مسئله که آزادی‌های مشروع در فضای مجازی در نظام حقوقی ایران و چین در چه وضعیتی است و چه مستنداتی دارد، بیان می‌دارد که آزادی‌های مشروع درنظام حقوق اساسی ایران و چین به رسمیت شناخته شده است و با بررسی تمامی اصول قانون اساسی ایران و چین، آزادی‌های مشروع در فضای مجازی نیز قابل تعمیم است و همچنین مقید به مواردی ازجمله مخل نظم عمومی، اضرار به غیر، مخل مبانی اخلاقی و قانونی و... می‌باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. آزادی‌های مشروع

در مورد محدودیت‌هایی که قانون اساسی بیان کرده می‌توان گفت که برخی از این محدودیت‌ها به حکم عقل در قانون اساسی گنجانده شده و این‌چنین محدودیت‌هایی مورد پذیرش نظام‌های حقوقی سایر کشورها نیز می‌باشد؛ به‌عنوان‌مثال «استقلال کشور« در تمامی حکومت‌ها دارای اهمیت است و هیچ‌چیز نباید آن را مخدوش کند؛ بنابراین آزادی‌های عمومی نمی‌تواند آنچنان بی‌قید باشد که خدشه‌ای به استقلال کشور وارد کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و چین نیز محدودیت‌هایی با عنوان حفظ

استقلال، آزادی، وحدت ملی، اساس نظام و تمامیت ارضی، رعایت حقوق دیگران، مصالح عمومی و حقوق عمومی را بـا این مـبنا پذیرفـته و در قانون اساسی خود آورده‌اند.

کلمه مشروع را می‌توان «معتبر و صحیح بودن» از لحاظ قانونی استنباط نمود؛ ولی گاهی این لفظ، معنای «مطابقت با موازین شرعی» را به ذهن متبادر می‌نماید. نتیجه چنین استنباطی در خصوص آزادی‌های مشروع آن است که به آزادی‌های مطابق با شرع احترام گذارده شود، و مفهوم دیگر آن این است که به آزادی‌های مخالف شرع، نه‌تنها احترام گذارده نشود بلکه هیچ‌گونه حمایتی نیز شامل آنها نشود (حسینی، ۱۳۹۱، صص. ۵۸-۵۹).

قانون چه برگرفته از شرع الهی باشد و چه بر اساس تجربه بشر و دور از تعالیم الهی، درواقع همان محدودیت ارزشمند است. قانون در هر جای این عالم تقلیدکننده و محدودکننده آزادی‌های مردم آن سرزمین است. اگر آزادی را به معنای کامل آن بپذیریم، نباید هیچ قانونی برای بشر در هیچ کجای دنیا متصور شد، چراکه قانون در ظاهر امر، خود نقض آشکار آزادی است. در بند دوم ماده ۱۸ بیانیه حقوق بشر آمده است: در تحقق آزادی و حقوق فردی، هرکس می‌بایست تنها تحت محدودیت‌هایی قرار گیرد که به‌واسطه قانون، فقط به قصد امنیت در جهت بازشناسی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران وضع شده است تا اینکه پیش‌شرط‌های عادلانه اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه مردم‌سالار تأمین گردد.

همین‌که در تمام جوامع قانون حکم‌فرماست، صرف‌نظر از حقانیت و اجرای آن، خود دلیلی آشکار بر غلبه قانون بر آزادی مطلق می‌باشد. پس ارزش قانون از آزادی بیشتر است. تا قانون نباشد، آزادی معنا نمی‌یابد، و در عمل آزادی نسبی هم از افراد سلب می‌گردد، چراکه کسانی که از قدرت و ثروت بیشتری برخوردارند، می‌توانند کاملاً آزادانه عمل کنند و درنتیجه بیشتر مردم آزادی نسبی را هم از دست می‌دهند. درواقع چون قانون ابزار رسیدن به عدالت است از آزادی ارزشمندتر است؛ به‌بیان‌دیگر قانون باعث می‌شود تا آزادی‌های مشروع و قانونی بین آحاد جامعه وجود داشته باشد. زمانی‌که تزاحم آزادی‌ها ایجاد شد، قانون فصل خصومت و احقاق حق می‌نماید تا آزادی فردِ صاحب حق و سایر افراد از بین نرود و باعث حفظ ارزش‌های دیگر مانند فضیلت و امنیت و... شود؛ بنابراین هر فردی بر این مبنا در جامعه آن‌قدر می‌تواند از آزادی خود بهره‌مند گردد که به آزادی دیگران تجاوز نکند و هر عملی را که به حقوق دیگران لطمه نیاورد، می‌تواند به‌جای آورد. برای آنکه نظم

اجتماعی پایدار بماند، باید آزادی افراد به مقدار مساوی محدود گردد.

حدود آزادی افراد را قانون که عهده‌دار نظم اجتماعی است معین می‌کند و هر امری را که مزاحم آزادی دیگران باشد منع می‌نماید؛ همچنانی که به انجام آنچه برای حفظ نظم جامعه لازم است امر می‌کند. افراد می‌توانند در انجام هر امری که مورد حکم قانون قرار نگیرد از آزادی خود بهرمند شود، آن را به‌جای آورند یا خودداری کنند.

در قانون اساسی ایران، بعضی موارد به آزادی‌های افراد و در بعضی مواقع بر جنبه سیاسی ـ اجتماعی آزادی تأکید شده است. موردی که باید به آن اهتمام ورزید این است که منطبق بر قانون اساسی «هیچ‌کس نمی‌تواند اجرای حق خود را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» (اصل ٤٠).

درنتیجه می‌توان از آزادی در قلمرو قانون استفاده نمود، منوط به اینکه اجرای حق افراد به آزادی دیگران یا منافع عمومی، لطمه نزند؛ مانند آزادی عمل و رفتار فردی (اصل ۳۲)، اصل آزادی عمل (اصل ۳۷) یا مانند اصل آزادی انتخاب مسکن و محل اقامت مبتنی بر اصل ۳۳ قانون اساسی، اصل آزادی انتخاب شغل و امنیت مالکیت منطبق بر اصل ۲۸، ٤۳، ٤٦؛ ٤۷، اصل آزادی عقیده مبتنی بر اصل ۲۳، اصل آزادی اقلیت‌های دینی مذهبی مبتنی بر اصل ۱۲و... .

در قانون اساسی چین نیز به آزادی‌های افراد اهتمام ورزیده شده است؛ مانند ممنوعیت از تعرض به حقوق و آزادی‌های افراد (مواد ۳۵، ۳۷، ٤۰).

۱-۲. فضای مجازی

فضای مجازی به معنای شبکه جهانی متشکل از زیرساخت‌های فنی، رایانه‌ای و مخابراتی است که در سطح جهان با همدیگر پیوسته و مرتبط می‌باشند. واژه فضای مجازی برای نخستین‌بار توسط ویلیام گیبسون در کتاب نورومنسر در سال ۱۹۸٤ به‌کار گرفته شد. فضای مجازی (سایبر) به مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می‌شود.

این روابط در فضایی غیرفیزیکی (مجازی) اتفاق می‌افتد و به همین دلیل بسیاری از محدودیت‌های دنیای معمول را ندارد. فضای مجازی، اصطلاحی است که می‌توان آن را در کنار عبارت مشهور «دهکده جهانی» قرار داد یا حتی، امروزه چنین فضایی را عامل

محوری تحقق دهکده جهانی دانست. دنیای تخیلی دیروز، امروزه به واقعیتی بدل شده که برای بسیاری از مفاهیم و موجودی‌های فیزیکی، معادل مجازی دارد: کتابخانه، فروشگاه، اتاق گفتگو و دید و بازدید، ارسال و دریافت و اشتراک، چاپ و نشر، گردشگری، کاریابی و حتی تقلب و سوءاستفاده و کلاهبرداری (السان، ۱۳۹۹، ص. ۱۷).

۱-۳. نظام حقوقی

قواعد اجتماعیِ لازم‌الاجرا در هر کشور، حقوق خاص آن کشور است. اندیشمندان حقوق تطبیقی، هریک از مجموعه‌های حقوقی را یک نظام حقوقی نامیده و با توجه به عناصر ثابت و مشترک این نظام‌ها، آن‌ها را به چند خانواده طبقه‌بندی کرده‌اند. نظام حقوقی تجسم عینی و خارجی آرمان‌ها، اهداف و مبانی حقوق در قالب قوانین و مقررات حقوقی جامعه است که طبقه‌بندیِ آنها، با توجه به تنوع بسیار گسترده و نیز دشواریِ یافتن ملاک و معیار طبقه‌بندی، به مناقشه‌های بسیار انجامیده است (داوید، ۱۳٦٤، ص. ۱۸؛ دانش‌پژوه، ۱۳۹٤، ص. ٥١٤).

دکتر کاتوزیان در مقدمه علم حقوق، تاریخ حقوق تطبیقی را به پنج گروه اصلی قابل تقسیم می‌داند: ۱- حقوق رومی و ژرمنی (حقوق اروپای غربی)؛ ۲- حقوق انگلیس و آمریکا (کامن‌لا)؛ ۳- حقوق کشورهای کمونیستی؛ ٤- حقوق اسلام؛ ٥- حقوق هند و چین و خاور دور (کاتوزیان، ۱٤۰۱، ص. ۱۰۹).

۲. تاریخچه تحولات قانون اساسی

پس از بیان نکات فوق، برای شناخت هرچه بیشتر آزادی‌های مشروع در قوانین اساسی ایران و چین، لاجرم بایستی نسبت به سیر تاریخی این دو قانون با رویکرد تحلیلی آزادی‌های مشروع مطالبی ارائه گردد. از این باب به‌صورت اجمالی، تاریخچه تحولات قانون اساسی ایران و چین، جهت استخراج اصول و مفادی که به‌واسطه آنها آزادی مشروع بررسی می‌گردد، ذکر می‌شود.

۲-۱. ایران

قانون اساسی حکومت‌ها به‌عنوان سند اصلی یک کشور، به‌گونه‌ای تدوین می‌شوند که در عین مختصر بودن، از چنان استحکام حقوقی برخوردار باشند که بتوان نظام گسترده

اداری یک کشور را بر پایه آن بنا کرد.

بی‌توجهی به قانون اساسی، تنها در حد یک ایراد نظری باقی نمی‌ماند بلکه آثار سیاسی ـ اجتماعی آن در همه بخش‌های جامعه سرایت می‌کند. نمونه روشن این مسئله به دنبال نگارش اولین قانون اساسی انقلاب مشروطیت رخ داد که درنتیجه بالاگرفتن اختلاف بر سر کیفیت آن، مدت‌های طولانی سراسر کشور دچار اختلاف بود. کوشش‌های زیادی برای اصلاح و اجرای قانون اساسی صورت گرفت؛ اما برپاشدن حکومت پهلوی همه مجاهدت‌ها را بی‌نتیجه ساخت و دوباره سایه سنگین استبداد بر همه‌جای کشور حاکم شد و درنتیجه قانون اساسی نیز در این میان کارآمدی خود را از دست داد و به‌تبع آن در بهمن ماه سال ۱۳۵۷، انقلاب مردمی مبتنی بر اسلام به پیروزی رسید و قانون اساسی متقنی به تصویب مردم ایران رسانید.

اولین مجلس شورای ملی ایران، قبل شکل‌گیری قانون اساسی برگزار شده است. این قانون شش ماه پس از پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۲۸۵.ش تدوین گردید. این قانون مشتمل بر پنج فصل و پنجاه‌ویک اصل، با امضاء مظفرالدین شاه رسمیت پیدا کرد. عناوین فصول اول تا پنجم قانون اساسی به این‌صورت بودند: فصل اول: تشکیل مجلس؛ فصل دوم: وظایف مجلس و حقوق و حدود آن؛ فصل سوم: ترتیب اظهار مطالب در مجلس؛ فصل چهارم: عنوان مطالب از طرف مجلس و فصل پنجم: شرایط تشکیل مجلس سنا. چنانکه از عناوین فوق برمی‌آید، تنها بخش مهمی از آن قانون، جنبه آیین‌نامه‌ای داشت. به همین علت نمایندگان درصدد تهیه متمم قانون اساسی برآمدند. متن متمم قانون اساسی، پس از مذاکرات سرانجام مشتمل بر صدوهفت اصل در سال ۱۲۸٦ش، به امضاء محمدعلی شاه رسید. متمم مذکور مشتمل بر موارد زیر بود: حقوق ملت ایران، قوای مملکت، حقوق سلطنت، اقتدارات محاکم، وضع وزراء، انجمن‌های ایالتی و ولایتی.

قانون اساسی مشروطیت بارها مورد تغییر قرار گرفت. در سال ۱۳۰٤ چهار سال پس از کودتای رضاشاه با تصویب مجلس پنجم شورای ملی اصول سی‌وشش، سی‌وهفت و سی‌وهشت متمم با حفظ موضوعیت به نفع خاندان رضاشاه تغییر پیدا کرد. در سال ۱۳۱۰ با تفسیری از اصول هشتادویک و هشتادودوم قانون اساسی، قوه قضائیه استقلال خود را از دست داد و حقوق و آزادی‌های اساسی افراد ملت به‌طور کامل سلب گردید.

در سال ۱۳۲۸ش مسئله تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر قانون اساسی مطرح شد و

اصولی از این قانون در جهت تقویت سلطنت و تضعیف حقوق ملت دچار تغییر گردید و یک اصل نیز درخصوص نحوه تجدیدنظر در قانون اساسی به آن الحاق شد. همچنین مقرر گردید چندین اصل از قانون اساسی (اصول ٤، ٥، ٦، ٧، ٨ و ٤٩) به‌وسیله مجلس واحدی (کنگره) مرکب از مجلس سنا و شورا مورد بازبینی قرار گیرد و این کار در سال ١٣٣٦ به سرانجام رسید. آخرین مجلس مؤسسان در ارتباط با اصلاح قانون اساسی در شهریور ١٣٤٦ تشکیل گردید؛ اما با وقوع انقلاب اسلامی سال ١٣٥٧، قانون اساسی مشروطیت و متمم آن که قسمت مهمی از آن اجرایی نشده بود، متوقف گردید و به‌جای آن قانون اساسی جمهوری اسلامی جایگزین شد (مدنی، ١٣٨٤، ص. ٢٤).

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی، سقوط نظام سلطنتی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی بوده است. ازجمله لوازم تغییر نظام سیاسی کشور، تدوین قانون اساسی جدید است که در آن، ضمن تعیین نوع نظام حاکمیتی، حقوق اساسی مردم و تعیین وظایف و اختیارات قوای حاکمیتی در آن متجلی می‌گردد. تصمیم تاریخی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) مبنی بر لزوم کنار گذاردن قانون اساسی مشروطیت و تدوین قانون اساسی بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ابتدا به‌صورت پیش‌نویس‌های متعددی در جامعه فکری ـ رسانه‌ای ایران مطرح گشت و در ادامه، در مجلس خبرگان قانون اساسی به بحث گذاشته شد و به‌دست اعضای همین مجلس تصویب شد، و در تاریخ ٢٤ آبان ٥٨ به اتمام رسید. متن مصوب، در آذر ١٣٥٨ با همه‌پرسی مردمی به تصویب عمومی رسید.

٢-٢. چین

جمهوری چین در سال ١٩١١ به‌وسیله سون یاتسن تأسیس شد، و در سال ١٩٤٩ با شروع انقلاب، حزب کمونیست به رهبری مائوتسه دونگ بر این کشور تسلط یافت و یک قانون اساسی موقت حد فاصل ١٩٤٩ تا ١٩٥٤ وجود داشت و پس از آن در سال‌های ١٩٥٤، ١٩٧٥، ١٩٧٨ سه قانون اساسی مصوب در این کشور اعمال می‌گردید. لازم به ذکر است چین از سال ١٩٤٩ تا ١٩٨٢ پنج‌بار قانون اساسی خود را تغییر داده است (China 1992, 5).

قانون اساسی ١٩٥٤ شامل ١٠٦ ماده است که از قانون اساسی ١٩٣٦ شوروی متأثر و در جهت نهادینه کردن سوسیالیسم در چین بنا نهاده شد. در سال ١٩٥٨ بازنشستگی مائو، موجب بحران‌های سیاسی و تغییراتی در ساختار سیاسی کشور شد و در واکنش به این

جریان‌ها، انقلاب فرهنگی آغاز شد. این انقلاب با الهام از افکار مائو به‌منظور تصفیه حزب کمونیست صورت گرفت و در پایان مقدمات تدوین دومین قانون اساسی فراهم گردید که در سال ۱۹۷۵ به‌وسیله مجلس ملی خلق که قریب به ده‌سال تشکیل جلسه نداده بود، به تصویب رسید. این قانون ۳۰ ماده داشت و طبق قانون اساسی مذکور مقام ریاست جمهوری حذف شد؛ اما قانون اساسی ۱۹۸۲ آن‌را دوباره برقرار کرد.

قانون نسبت به عقاید مائو و اصول مارکسیسم ـ لنینیسم وفادار بود؛ اما پاسخگوی شرایط کشور نبود؛ بنابراین چندان دوامی نیاورد. بعد از مدت کوتاهی جای خود را به قانون اساسی سوم داد. قانون اساسی ۱۹۷۸ پیرو تحولات ناشی از مرگ مائو و افتادن قدرت به‌دست رهبران جدید در ۱۹۷۸ به تصویب برسید و نوعی سازش میان دو قانون اساسی قبلی برقرار کرد. این قانون دارای ٦۰ ماده بود.

چهارمین قانون اساسی در ۱۹۸۲ تصویب شد که در ۵ مرحله از طریق ۵ اصلاحیه مشمول تغییراتی شده است (۱۹۸۸-۱۹۹۳-۱۹۹۹-۲۰۰٤-۲۰۱۸). درحال‌حاضر قانون اساسی چین دارای ۱٤۳ ماده است. مرجع صادرکننده تمامی این اصلاحیه‌ها کنگره ملی خلق بوده است (نجفی، ۱۳۹۵، صص. ۱۱۷-۱۳۳).

۳. چهارچوب نظری

۳-۱. آزادی‌های مشروع در قانون اساسی

آزادی ازجمله حقوقی بنیادین است که تأمین و تضمین آن در قوانین اساسی ایران و چین مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی و... ازجمله آزادی رفت‌وآمد، آزادی بیان و اندیشه و عقیده، آزادی تشکل و تجمع، خلوت، مالکیت و غیره... جلوه‌های از حقوق بنیادین به‌شمار می‌رود. تعرض به این‌گونه حقوق و آزادی‌ها ممنوع است، مگر به موجب قانون در جهت تضمین حقوق دیگران و نظم عمومی. آزادی افراد تا آن حد محترم است که در قوانین اساسی با قید برتری حقوق و آزادی‌های عمومی و منع سلب آن، حتی با وضع قانون مردمی ممنوع می‌باشد.

۳-۱-۱. ایران

اولین پیش‌فرض تحقق آزادی‌های مشروع، برقراری امنیت و آرامش اجتماعی است. در صورت عدم امنیت، سخن از آزادی بدون حکمت خواهد بود. قانون اساسی جهت

حراست از آزادی، اقدام‌هایی را در نظر گرفته است. در بند ششم و هفتم از اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی موظف است جهت نیل به اهدافِ اصل دوم قانون اساسی که یکی از آنها ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا است، به «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» و «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» بپردازد که این موارد کاملاً بیانگر به‌رسمیت شناختن آزادی‌های مشروع می‌باشد.

اصل بعدی که تأییدکننده آزادی‌های مشروع می‌باشد، اصل نهم است: در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. این اصل از یک‌جهت، سوءاستفاده از آزادی و به‌خطر انداختن استقلال و تمامیت ارضی کشور را ممنوع ساخته و ازسوی‌دیگر سلب آزادی‌های مشروع و قانونی را، حتی با وضع قوانین و مقررات ممنوع کرده است.

مورد دیگر اصل بیستم است که درباره جنبه حمایت قانون از حقوق و آزادی‌های افراد سخن می‌گوید: همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

۳-۱-۲. چین

در نظام حقوق اساسی چین اصل بر این است که تمامی افراد از آزادی برخوردارند و هیچ دستگاه یا نهادی حق تعرض به آزادی آنها را ندارد، خواه این آزادی‌ها در حوزه بیان یا مطبوعات، خواه در حوزه آزادی‌های اجتماعی، مانند اعلام نظراتشان از طریق تظاهرات باشد؛ ازاین‌رو اصول ذیل بیانگر حق برخورداری از آزادی چه در فضای مجازی و چه غیر آن می‌باشد.

ماده چهلم: تفتیش مراسلات و هرگونه مکاتبات ممنوع است. هیچ مؤسسه یا فردی

حق تعرض به آزادی و افشای مکاتبات را ندارد.

ماده سی‌وپنجم: کلیه افراد از آزادی بیان، مطبوعات و راهپیمایی و تظاهرات سیاسی بهره‌مند هستند.

ماده سی‌وهفتم: آزادی فرد از تعرض مصون است... و محدودیت اشخاص از آزادی فردی از طریق بازداشت یا سایر وسایل ممنوع بوده و بازجویی غیرقانونی از افراد مجاز نمی‌باشد.

٤. ضابطه‌مندسازی آزادی‌های مشروع

با توجه به اینکه در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا آزادی‌های اجتماعی به‌صورت نظام‌مند و ساختارمند درمی‌آیند و درنتیجه، این آزادی‌ها با وصف مشروع ضابطه‌مند می‌گردند؛ ازاین‌رو در ادامه پژوهش به اصولی که در قانون اساسی ایران و چین، مشعر به قاعده‌مندسازی و ضابطه‌گذاری آزادی‌های مشروع به‌خصوص نسبت به فضای مجازی است، پرداخته می‌شود.

٤-١. ایران

اولین اصلی که در قانون اساسی ایران، قانون‌گذار در مورد تحدید آزادی‌ها سخن گفته است، استفاده از قید منطبق با «موازین اسلامی» مذکور در اصل چهارم می‌باشد که بیانگر لزوم انطباق تمامی قوانین و مقررات، شامل آزادی‌های مشروع در فضای مجازی و غیر آن با موازین و مبانی اسلامی است.

اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهاء شورای نگهبان است.

همچنین قانون‌گذار اساسی ایران وصف اخلال در مبانی اسلامی یا حقوق عمومی را به‌عنوان ضابطه آزادی‌های اجتماعی بیان می‌کند که این امر نسبت به فضای مجازی نیز قابلیت تعمیم دارد.

اصل بیست‌وچهارم: نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

یکی دیگر از اشکال ضابطه‌گذاری نسبت به آزادی‌های اجتماعی در قانون اساسی ایران، مسئله تعدی به حقوق دیگر افراد جامعه و یا منافع عمومی می‌باشد که در این

صورت قانون‌گذار اساسی می‌تواند نسبت به این آزادی‌ها محدودیت ایجاد کند که این مسئله را در اصول بیست‌وپنجم و چهلم قانون اساسی می‌توان یافت.

اصل بیست‌وپنجم: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن گفتگوهای تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل چهلم: هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

ضمانت اجرای این اصول متعدد قانون اساسی که حقوق و آزادی‌های افراد را تضمین می‌کند، عملاً در اختیار دستگاه قضایی است که بر اساس قوانین جزایی، متجاوزان به حقوق افراد را مجازات و حقوق تضیع‌شده آنها را احقاق می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۹، ص. ۳۷۷).

٤-۲. چین

پس از بررسی اصول قانون اساسی ایران که در مورد قاعده‌مندسازی آزادی‌های مشروع می‌باشد، در این بخش از نوشتار به بررسی اصولی که در قانون اساسی چین ناظر به تحدید آزادی‌های مشروع می‌باشد، پرداخته می‌شود.

با بررسی تمامی اصول قانون اساسی چین می‌توان گفت که قانون‌گذار اساسی در موارد ذیل ضابطه‌مندسازی را با ابزارهای قانونی مورد اشاره قرار داده است؛ مانند: زمانی‌که در فضای مجازی آزادی‌های مشروع افراد باعث اختلاف بین اقوام اجتماعی می‌گردد و با تحریک قومیت‌ها موجب رفتارهای ضدحاکمیتی، خلاف نظم عمومی، توهین و افترا و مخل در مسائل امنیتی شوند؛ ازاین‌رو اصول ذیل جهت این ضابطه‌مندی بیان می‌گردد:

ماده چهارم: همه اقوام مختلف در جمهوری خلق چین با هم برابرند... هر عملی که اتحاد بین اقوام مختلف را تضعیف نموده و یا باعث تحریک آنان گردد و ایجاد نفاق نماید، ممنوع است....

ماده بیست‌وهشتم: دولت نظم عمومی را حفظ کرده، از خیانت به کشور و سایر رفتارهای ضد انقلابی جلوگیری نموده و اعمالی که امنیت عمومی را به خطر انداخته و ایجاد وقفه و اخلال در اقتصاد سوسیالیستی نماید جریمه و مجازات می‌نماید و خطاکاران را تنبیه و اصلاح می‌کند (عبارت اعمال انقلابی با عبارت اعمال مجرمانه در سال ۱۹۹۹ مطابق با متمم سوم قانون اساسی در این اصل جایگزین شد).

ماده سی‌وششم: ... هیچ‌کس نمی‌تواند با توسل به مرام مذهبی خود دست به اقداماتی

بزند که مخل نظم عمومی بوده، سلامت افراد را به مخاطره انداخته و با نظام آموزشی دولتی مغایرت داشته باشد....

ماده سی‌وهشتم: حیثیت فردی اشخاص مصون از تعرض است. توهین، افترا، اتهامات ناروا و توطئه علیه افراد به هر نحو ممنوع است.

ماده چهلم: ... هیچ مؤسسه یا فردی حق تعرض به آزادی و افشای مکاتبات را ندارد مگر به‌منظور مسائل امنیتی کشور و یا تحقیقات در مورد جرائم جنایی که در این‌صورت مقامات امنیتی و یا ادارات استانی با رعایت تشریفات مقرر در قانون مجاز به انجام ممیزی و سانسور مکاتبات می‌باشند.

ماده پنجاه‌ویکم: هیچ‌کس نباید اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

ماده پنجاه‌وسوم: همه افراد ملت موظف‌اند از قانون اساسی و سایر قوانین اطاعت نموده، اسرار دولتی را حفظ و از اموال عمومی حفاظت کرده و انضباط شغلی و نظم عمومی را رعایت نموده و اصول اخلاق اجتماعی را محترم بشمارند.

ماده پنجاه‌وچهارم: همه افراد ملت موظف‌اند امنیت، شرافت و منافع میهن خود را صیانت نمایند و هیچ‌کس حق ندارد مرتکب اعمالی شود که امنیت، شرافت و منافع کشور را به مخاطره اندازد.

نتیجه‌گیری

با بررسی همه‌جانبه قانون اساسی ایران و چین می‌توان بیان داشت که روح حاکم بر قانون اساسی هر دو کشور احترام به آزادی‌های مشروع افراد چه در فضای مجازی و چه غیر آن می‌باشد و قانون‌گذار اساسی دو کشور، مواردی را که موجب نقض آزادی‌های اجتماعی باشد به‌رسمیت نمی‌شناسد.

نکته بسیار مهم این است که در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا، آزادی مطلق وجود ندارد و این آزادی را مقید به آرمان‌ها و اصول نظام حکمرانی خود می‌نمایند و باعث ضابطه‌مندی آزادی‌ها می‌گردند؛ ازاین‌رو می‌توان گفت: آزادی‌های مشروع فوق‌الذکر مقید به مواردی می‌باشد؛ ازجمله: مخل نظم عمومی، اضرار به غیر، مخل مبانی اخلاقی و قانونی مستظهر به اصول چهار، بیست‌وچهار، بیست‌وپنج و چهل در قانون اساسی ایران و همچنین موارد فوق، مستظهر به مواد چهار، بیست‌وهشت، سی‌وشش، سی‌وهشت و چهل در قانون اساسی چین می‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مواردی از آزادی‌های مشروع را به‌صورت مصداقی بیان کرده است که آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی اجتماعات، آزادی مطبوعات و آزادی احزاب و گروه‌ها ازجمله آن‌ها است. قانون اساسی همچنین محدودیت‌هایی برای آزادی‌ها ذکر کرده است: رعایت مبانی اسلام و عدم اخلال در آن؛ رعایت مصالح عامه که مفهومی متفاوت و عام‌تر از حقوق عمومی افراد است و بعضاً دارای رجحان نیز می‌باشد. از دیگر مفاهیمی که به‌عنوان محدودیت آزادی بیان شد «حفظ استقلال کشور» است که ارتباط تنگاتنگی با مفهوم آزادی دارد. همچنین رعایت عوامل شکل‌دهنده وحدت ملی و حفظ تمامیت ارضی از موارد محدودکننده آزادی معرفی شدند و آخرین عامل محدودکننده آزادی نیز حفظ اساس جمهوری اسلامی ایران است

فضای آزادی‌های سیاسی در چین در مواردی که اخلال در نظم و امنیت عمومی و توهین به قومیت‌ها باشد، محدود و دارای ضابطه و بسته است؛ مانند ایجاد ضابطه در فضای مطبوعاتی، تارنماهای اینترنتی، دانشگاه‌ها. درمجموع می‌توان گفت که مبانی و ساختارهای نظام حقوق اساسی بر روند حاکمیت مردم در ایران و چین مؤثر بوده و حاکمیت مردم رابطه معناداری با مبانی و ساختارهای قانون اساسی و همچنین نقش مردم در نظارت بر اعمال قدرت سیاسی دارد.

کتابنامه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون اساسی جمهوری خلق چین مصوب ۱۹۸۲، اصلاحیه سال ۲۰۱۸.

السان، مصطفی (۱۳۹۹). *حقوق فضای مجازی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

حسینی، مهدی (۱۳۹۱). *آزادی بر آزادی*. تهران: نشر اندیشه و فرهنگ جاویدان.

دانش پژوه، مصطفی (۱۳۹٤). *حقوق‌شناسی عمومی با رویکرد به حقوق اسلام و ایران*. تهران: سمت.

داوید، رنه (۱۳٦٤). *نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر*. ترجمه حسین صفایی؛ محمد آشوری و عزت‌الله عراقی. تهران: بی‌نا.

سابقی، علی‌محمد (۱۳۹۲). *جامعه و فرهنگ چین*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری انتشارات بین‌المللی الهدی.

سازمند، بهاره (۱۳۹۲). خیزش چین. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال پنجم، (۱۹)، ۱۲۰-۹٤.

طباطبایی، سیدحسین (۱٤۰۰). *مطالعات حقوقی چین*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری انتشاراتی

نگاه بینه.

کاتوزیان، ناصر (١٤٠١). *مقدمه علم حقوق*. تهران: گنج دانش.

مدنی، سیدجمال‌الدین (١٣٨٤). تحولات قانون و حقوق اساسی در ایران معاصر. *ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، ش٣٤، ٢٤-٣٦.

نجفی، بهروز (١٣٩٥). *فرایند تشکیل و راهبری قدرت سیاسی در نظام حقوق اساسی چین و روسیه*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). با راهنما علیرضا دبیرنیا، دانشگاه قم، قم، ایران.

هاشمی، محمد (١٣٨٩). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر میزان.

China (1992). Beijing Progress in China's Human Rights Cause in 1992 the Constitution of ancient China (2018). 26- edited by zhang yongle daniel a.bell translated by edmund ryden ،published by princeton university.

References

Constitution of the Islamic Republic of Iran.

Constitution of the People's Republic of China, adopted in 1982, amended in 2018.

Elsan, Mustafa (2019). Cyberspace Law. Tehran: Shahr Danesh Legal Studies and Research Institute.

Hosseini, Mehdi (2012). Freedom over Freedom. Tehran: Andisheeh va Farhang Javidan Publishing House.

Daneshpajouh, Mustafa (2015). General Jurisprudence with an Approach to Islamic and Iranian Law. Tehran: Samt.

David, Rene (1985). Major Contemporary Legal Systems. Translated by Hossein Safaei; Mohammad Ashouri and Ezatollah Araghi. Tehran: Bina.

Sabeqi, Ali Mohammad (2013). Chinese Society and Culture. Tehran: Al-Hoda International Publishing Institute for Cultural and Artistic Affairs.

Sazmand, Bahareh (2013). The Rise of China. Quarterly Journal of Political Studies, Year 5, (19), 120-94.

Tabatabaei, Seyed Hossein (1400). Chinese Legal Studies. Tehran: Negah Bineh Cultural and Artistic Institute.

Katouzian, Naser (1401). Introduction to Law. Tehran: Ganj Danesh.

Madani, Seyed Jamal-eddin (1384). Developments in Law and Constitutional Law in Contemporary Iran. Monthly Thought and Political History of Contemporary Iran, No. 34, 24-36.

Najafi, Behrouz (1395). The Process of Formation and Leadership of Political Power in the Constitutional Law System of China and Russia. (Master's Thesis). Supervised by Alireza Dobirnia, University of Qom, Qom, Iran.

Hashemi, Mohammad (1389). Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Mizan Publishing.

دوفصلنامه علمی «تحقیقات حقوق شهروندی»، سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، مقاله پژوهشی، صص. ۵۵-۷۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

بررسی جرم پول‌شویی به‌عنوان یکی از مظاهر فساد و ارائه سازوکارهای ساختاری و اقتصادی در راستای مبارزه با فساد

محمد بوالحق *
امیرحسین قدمی **
غلامحسین الهام ***

چکیده

از مهم‌ترین اهداف هر نظام اقتصادی دستیابی به رشد و سلامت اقتصادی پایدار است. یکی از چشم‌اندازهای نظام‌های دنیا، ارتقا سلامت اقتصادی و شفافیت بخش‌های مالی جامعه است. یکی از عوامل مهمی که در بلندمدت بر رشد و سلامت اقتصادی یک جامعه تأثیر منفی می‌گذارد، پدیده پول‌شویی است. در پول‌شویی عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه و غیرقانونی در مجاری مشروع و قانونی قرار می‌گیرد و در چرخه اقتصادی جامعه تطهیر می‌شود. پول‌شویی به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور در بسترسازی فساد نقش عمده‌ای دارد و در مقابل فساد نیز در تولید پول‌شویی نقش مهمی دارد، از آن محافظت می‌کند و در تمام مراحل پول‌شویی حضور دارد. ظهور بسیاری از جرائم خطرناک مثل قاچاق، فساد است؛ بنابراین باید در جهت مبارزه با پول‌شویی به‌عنوان یکی از مظاهر مخل امنیت اقتصادی سازوکار مطلوب پیشینی و پسینی در سه حوزه قوانین، رویه‌ها و عملکردها طراحی کرد و در قالب تقنین به آن جامه عمل پوشاند. در پژوهش حاضر با روش جمع‌آوری کتابخانه‌ای به‌دنبال آن هستیم تا پس از تبیین پدیده جرم پول‌شویی، به یکسری سازوکارهای پیشینی لازم در جهت کاهش تحقق این جرم مالی بپردازیم.

واژگان کلیدی: پول‌شویی، امنیت اقتصادی، فساد، تشخیص هویت مشتریان KYC، بالا بردن آگاهی شهروندان و کارمندان، پایگاه اطلاعاتی و ضبط داده‌های مالی.

---

* دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
mhmdblhgh@gmail.com
** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
amirhosseinzxc5@gmail.com
*** دانشیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
dr.elham@ut.ac.ir

مقدمه

از مهم‌ترین موضوع‌هایی که در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به آن توجه ویژه‌ای می‌شود، مسئله فساد است. مفهوم فساد در شرایط کنونی، متأثر از شرایط جهانی‌شدن، تغییر پیدا کرده و ابزار مبارزه با آن نیز تغییر یافته است. عنصر فساد دارای ابعاد گسترده‌ای است. یکی از ابعاد جمعی فساد بعد اقتصادی است، گسترش فساد و به‌ویژه فساد اقتصادی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی کشورها را به مخاطره می‌اندازد و آثار این پدیده، محدود به جوامع داخلی نیست بلکه سلامت مالی روابط تجاری و اقتصادی را در سطح بین‌المللی نیز تهدید می‌کند. پیچیدگی روابط و گستردگی ارتباطات و شیوع و فراگیری فساد به‌گونه‌ای است که چاره‌ای جز تعامل دولت‌ها در مبارزه با پدیده فساد باقی نگذاشته است. عوامل و نتایج حاصل از پدیده فساد نیز دگرگون شده و مبارزه با آن، با پیچیدگی و گستردگی فزاینده‌ای مواجه شده است. جهانی‌شدن پدیده فساد، کشورها را به جدیت و لزوم مبارزه با آن، در سطحی جهانی وادار کرده است. در قرن ۲۱، تعاملات بین‌المللی دولت‌ها با سرعت بیشتری در جریان است و این گستردگی تعاملات موجب شده است فساد در روابط میان کشورها نیز تأثیرگذار شود و دولت‌ها را با بحران‌های جدیدی مواجه کند.

رسوخ پدیده فساد به داخل کشورها، منشأ بیرونی یافته و عوامل جدیدی برون‌مرزی، کشورها را از درون با چالش مواجه کرده است، به‌همین‌دلیل لازم است که سازوکارهای جدیدی برای مقابله با فساد توسط دولت‌ها در پیش گرفته شود. یکی از بسترهای اصلی وقوع فساد در بُعد اقتصادی و اجتماعی پدیده پول‌شویی است که در نتیجه آن اعتماد سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در بسترهای مالی سلب می‌شود و چرخش مالی حکمرانی را با اختلال مواجه می‌سازد.

یکی از رویکردهای پیشینی مبارزه با فساد ناشی از پول‌شویی استفاده از ظرفیت‌های نهادی و مردمی است. به‌نظر می‌رسد درحال‌حاضر کشورها از ظرفیت مشارکت مردم برای مبارزه با فساد غافل شده است و تمرکز غالب دولت‌ها بر مبارزه پلیسی و قضایی صرف می‌باشد. افزایش آگاهی‌های عمومی و انتشار صحیح اطلاعات در سه حوزه قوانین، رویه‌ها و عملکردها، حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد، حمایت قانونی از همکاری‌های مردمی و گزارش‌دهی صحیح و در چهارچوب قوانین، اقداماتی است که

می‌تواند حرکت مبارزه با فساد در کشور را سرعت و استحکام بخشیده و بر کارایی و تأثیرگذاری آن بیفزاید. در این صورت هدف اساسی مبارزه با فساد که تقویت مشارکت مردم در اقتصاد و افزایش اعتماد عمومی آنان به سلامت گردش کار اقتصادی و درنتیجه نظام سیاسی کشور است، افزایش خواهد یافت.

۱. تعریف پول‌شویی

در این بخش در ابتدا معنای لغوی پول‌شویی، سپس معنای آن از منظر قانون و تعریف دکترین‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی و درنهایت تعریف جرم پول‌شویی به‌صورت سازمان‌یافته و فراملی بررسی می‌شود:

۱-۱. معنای لغوی

واژه پول‌شویی به معنای پاکسازی و شتشوی دارایی‌هایی که ناشی از جرم به‌دست آمده است. لازم است به این نکته توجه کنیم که به‌جای پول بهترین لفظی که می‌توان به‌کار برد دارایی است؛ زیرا موضوع دارایی‌هایی مالی که موضوع جرم پول‌شویی واقع می‌شوند فقط پول نیست و دیگر دارایی‌های مالی ناشی از جرم را دربرمی‌گیرد (شریفی و شعبانپور، ۱۳۹۲).

۱-۲. تعریف پول‌شویی از منظر قوانین داخلی ایران

در ماده دو قانون مبارزه با پول‌شویی که تشکیل‌دهنده عنصر قانونی جرم پول‌شویی در نظام حقوقی ایران است می‌توان رکن مادی و رکن روانی لازم جهت تحقق جرم پول‌شویی را استخراج کرد، به‌عبارت اخری عنصر مادی و روانی در پرتو عنصر قانونی قابل بررسی است. همان‌طور که ماده دو این قانون بیان می‌دارد:

«الف) تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از ارتکاب جرائم با علم به‌منشأ مجرمانه آن.

ب) تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به‌منظور پنهان یا کتمان‌کردن منشأ مجرمانه آن با علم به اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم به‌دست‌آمده یا کمک به‌مرتکب جرم منشأ به‌نحوی‌که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.

پ) پنهان یا کتمان‌کردن منشأ، منبع، محل، نقل‌وانتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی

که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد» (قانون مبارزه با پول‌شویی اصلاحی ۱۳۹۷، ۱۳۹۷).

رفتار فیزیکی که در بندهای مذکور مورد اشاره قرار گرفته است اعم از تحصیل، تملک، نگهداری، استفاده از عواید حاصل از جرم، تبدیل، مبادله یا انتقال عواید منبع، محل، نقل‌وانتقال، جابه‌جایی دارایی‌های حاصل از جرم منشأ (جرم ابتدایی لازم جهت تحقق جرم پول‌شویی) به‌منظور مشروع جلوه‌دادن دارایی‌های کسب شده تشکیل‌دهنده رکن مادی لازم جهت تحقق جرم پول‌شویی است. ازآنجاکه اصل بر عمدی‌بودن جرائم است و جرم پول‌شویی از این مستثنا نیست و دلیلی بر اینکه این جرم مادی صرف است نداریم؛ بنابراین نیاز به قصد و علم دارد: قصد استفاده از عواید حاصل از جرم در جهت مشروع جلوه‌دادن آن با علم به موضوع؛ یعنی علم به اینکه تحصیل مالی که قصد مشروع جلوه‌دادن آن را دارد از منشأ غیرقانونی حاصل شده باشد. همین‌طور علم به حکم؛ البته به استناد ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، جهل به حکم رافع مسئولیت نیست مگر جهل قصوری (جهلی که درآن مرتکب در کسب علم نسبت به حکم هیچ‌گونه کوتاهی‌ای نکرده است).

۱-۳. تعریف پول‌شویی از منظر دکترین حقوقی

۱-۳-۱. تعریف بین‌المللی

پول‌شویی ترجمه فارسی واژه money laundering است، این واژه مرکب از دو واژه money به معنای پول و laundering به معنای شستشو و تطهیر می‌باشد که درمجموع می‌شود تطهیر پول.

یکی از اساتید بین‌المللی در عرصه حقوق اقتصادی کارل لوین است. وی در مقاله (بانکدار) خصوصی و پول‌شویی می‌نویسد: «تطهیر پول موقعی اتفاق می‌افتد که مجرمان سعی دارند که عوائد ناشی از فعالیت مجرمانه را به‌عنوان درآمدهای قانونی قلمداد کنند» (خورشیدی، ۱۳۸۷).

بسیاری از محققان در اسناد بین‌الملل، پول‌شویی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل‌کردن آن دارایی به پول پاک است (به‌منظور اینکه ظاهری مشروع از آن به نمایش گذاشته شود) و یافتن منبع اصلی مال

دشوار و غیرممکن شود» (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷).

همین‌طور ماده یک طرح و دستور جوامع بین اروپایی در مارس ۱۹۹۰م پول‌شویی را چنین تعریف کرده است: «تبدیل یا انتقال اموال، با علم به اینکه چنین اموالی از جنایت شدیدی ناشی شده است تا با اختفا یا انحراف، منشأ غیرقانونی اموال یا کمک به هر شخصی که به ارتکاب چنین جرم یا جرائمی مبادرت می‌ورزد، به این‌جهت که ماهیت اصلی درآمد حاصله ناشی از جرم را مخفی نگه دارند» (تسلیمی، ۱۳۸۱).

مقاوله‌نامه پالرمو به‌عنوان یکی از معاهدات بین‌المللی که به‌منظور مبارزه با جرائم فراملی بین کشورهای عضو می‌باشد در ماده ٦ به بررسی انواع طرق امکان تحقق جرم پول‌شویی می‌پردازد:

ماده شش ـ جرم‌انگاری شستشوی عواید حاصل از جرم

الف) (یک) تبدیل یا انتقال اموال به‌منظور مخفی‌کردن یا کتمان مبدأ غیرقانونی آنها یا کمک به شخصی که در ارتکاب جرم اصلی مشارکت داشته است، به‌منظور فرار از عواقب قانونی اعمال خود، با علم به اینکه اموال مزبور عواید حاصل از جرم هستند؛ (دو) مخفی نمودن یا کتمان ماهیت، مبدأ، محل، ترتیبات، جابه‌جایی، یا مالکیت یا حقوق واقعی متعلق یه اموال با آگاهی از آنکه اموال مزبور، عواید حاصل از جرم هستند؛

ب) با رعایت مفاهیم ابتدایی نظام حقوقی خود: (یک)تحصیل، مالکیت یا استفاده از اموال، با آگاهی از آنکه در زمان دریافت، اموال مزبور عواید حاصل از جرم هستند؛ (دو) مشارکت، همکاری یا تبانی برای ارتکاب یا اقدام به ارتکاب، همدستی، معاونت، تسهیل یا مشاوره در ارتکاب هریک از جرائم موضوع این ماده.

نکته قابل توجه این است که در برخی موارد مانند ماده یک طرح دستور جوامع بین اروپایی مصادیق امکان تحقق رفتار فیزیکی در سطح بین‌المللی را به‌صورت محدودتر نسبت به ماده دو قانون مبارزه با پول‌شویی جرم‌انگاری کرده است و فقط تبدیل و انتقال را دربرمی‌گیرد، نکته قابل توجه آن است که این مصادیق حصری است یا تمثیلی؟ البته آن چیزی که ملاک دادگاه‌های کیفری ما باید باشد قانون مبارزه با پول‌شویی است که در قلمرو داخلی ایران لازم‌الاجر است و ماده یک طرح فوق‌الذکر تنها بین جوامع اروپایی است، در ادامه در مقاوله‌نامه پالرمو که ایران به آن ملحق شده است و به استناد اصل ۷۸

قانون اساسی (قانون اساسی جمهوری اسلامی) به تصویب مجلس رسیده و به استناد ماده یک قانون مدنی در حکم قوانین عادی است، مصادیق رفتار فیزیکی جرم را گسترش داده؛ اما باز هم دقیقاً مصادیق آنها با ماده دو قانون مبارزه با پول‌شویی منطبق نیست. منتهی مسئله اصلی این است که منظور از لفظ جرم به‌کاررفته در مقاوله‌نامه فوق‌الذکر آیا همان جرم مذکور در ماده دو قانون مجازات اسلامی است. یعنی باید لفظ جرم را با قوانین داخلی کشورها بومی‌سازی کرد و براین‌اساس که یک رفتار براساس قوانین کیفری یک کشور جرم است با آن رفتار نمود؟

به نظر می‌رسد که جواب سؤال فوق بلی است. یعنی جرم‌انگاری جرائم منشأ به‌عنوان لازمه تحقق پول‌شویی باید بر اساس قوانین داخلی کشورها صورت بگیرد.

۱-۳-۲. داخلی

در ابتدای این بخش به بیان وجه تسمیه جرم پول‌شویی از منظر صاحب‌نظران حقوقی داخلی در ارتباط با جرم پول‌شویی پرداخته، سپس به تعریف اصل جرم پول‌شویی می‌پردازیم:

«وجه تسمیه این جرم این است که پول به‌دست‌آمده از برخی جرائم مانند اخاذی، اختلاس و قمارناپاک و غیرمشروع است و به‌منظور آنکه شخص آن‌را مشروع جلوه دهد یک سلسله اقداماتی برروی آن انجام می‌دهد» (غلامی و آذرفر، ۱۴۰۰).

برخی دیگر از حقوق‌دانان در خصوص وجه تسمیه پول‌شویی می‌گویند:

«دلیل انتخاب واژه پول‌شویی برای این عمل این است که این روند مثل یک شستشو خانه یا ماشین لباسشویی که کثافات را از لباس جدا می‌کند، با جدا کردن کثافات ناشی از جرم، عواید حاصل از آن را پاک می‌کند» (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷).

پول‌شویی اصطلاحاً فرایندی است که طی آن منبع اصلی درآمدهای حاصل از اعمال مجرمانه مخفی می‌شود و به این درآمدها منبع و منشأیی پاک و مشروع داده می‌شود (شمس ناتری، ۱۳۸۱). همچنین این نکته قابل ذکر است که این جرم امنیت بازار مالی کشور را برهم می‌زند و آسیب‌های جدی بر رقابت آزاد و استحکام نظام

مالی وارد می‌سازد (میرزاوند، ۱۳۸۲).

ازآنجاکه پول‌شویی از جرائمی است که به‌صورت انفرادی و سازمان‌یافته قابل تحقق می‌باشد، اصولاً باید به بررسی هر دو بُعد امکان تحقق جرم از حیث شمول مرتکبان جرم پول‌شویی پرداخت.

۱-٤. تعریف جرم پول‌شویی به‌صورت سازمان‌یافته

در نظام حقوقی ایران دوحالت قابل تصور است. بین حقوق‌دانان در تعریف جرائم سازمان‌یافته اجماع‌نظر وجود ندارد. بعضی از حقوق‌دانان جرم سازمان‌یافته را همان جرم در قالب گروه مجرمانه (موضوع تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی) می‌دانند و درتعریف این نوع جرائم به ماده فوق‌الذکر اشاره می‌کنند:

«منظور از جرم سازمان‌یافته به اعمال مجرمانه‌ای که توسط گروهی منسجم و متشکل از چندین نفر صورت می‌گیرد اطلاق می‌شود و معمولاً از ارتکاب اعمال مجرمانه خود به‌دنبال هدفی هستند» (شریفی و شعبانپور، ۱۳۹۲).

اما بعضی از حقوق‌دانان تعریف متفاوتی از جرم سازمان‌یافته به نسبت تعریف ماده ۱۳۰ قانون مجازات ارائه می‌دهند به‌گونه‌ای‌که هیچ همپوشانی بین این دو تعریف وجود ندارد:

یکی از این تعریف‌ها بدین نحو است:

«فعالیت‌های غیرقانونی، هماهنگ و گروهی منسجم که اعضای یک گروه با تبانی یکدیگر و برای تحصیل منابع منافع مادی و قدرت به ارتکاب مستمر مجرمانه شدیدی می‌پردازند و برای رسیدن به هدف از هرنوع ابزار مجرمانه استفاده می‌کنند» (شمس ناتری، ۱۳۸۰).

در تعریف دکتر شمس ناتری عنصر قدرت و تحصیل منابع منافع مادی به‌عنوان یک عنصر اساسی می‌باشد. منتهی در تعریف‌های دیگر که منشعب از حقیقت قانونیه است، لزوم وجود چنین عنصری مشاهده نمی‌شود.

نقد وارد بر این تعریف از منظر نگارنده:

یکی از ایرادهای وارد بر این تعریف هدف گروه سازمان‌یافته است که آقای شمس ناتری معتقد است تحصیل منافع مادی و قدرت است، درصورتی‌که ممکن است هدف دیگری از تشکیل گروه داشته باشند ازجمله عداوت شخصی و... می‌باشد، همین‌طور

استعمال قید از هر نوع ابزار مجرمانه استفاده می‌کنند دارای ابهام بوده و شایسته است ایشان قید روشن و غیرمبهم که امکان هرگونه برداشت شخصی را منع می‌نمود، استفاده می‌کردند؛ بنابراین نویسنده با بررسی منابع متعدد معتقد است که بررسی تک‌تک آنها خارج از موضوع بحث است. جامع‌ترین تعریف برای جرائم سازمان‌یافته تعریف قانونی ارائه‌شده از گروه مجرمانه است.

۱-۵. تعریف جرم پول‌شویی به‌صورت فراملی

وقتی جرمی در قالب دسته یا گروه و به‌صورت سازمان‌یافته اتفاق می‌افتد، آثار سوء و مخاطرات آن فراتر از قلمرو داخلی یک کشور را دربر می‌گیرد، ازاین‌جهت بود که مقاوله‌نامه پالرمو (دسامبر ۲۰۰۰) و کارگروه ویژه اقدام مالی به این بحث توجه ویژه‌ای داشته است تا از مخاطرات بین‌المللی ارتکاب جرائم مالی در سطح گسترده که آثار سوء سیاسی و بین‌المللی دارند، جلوگیری نماید.

جرم فراملی (وقتی یک جرم در سطح بین‌المللی محل بحث قرار می‌گیرد که دارای یک مؤلفه خارج از مرزهای یک قلمرو باشد. حالا یا نتیجه جرم یا مرتکبان یا مجنی علیه که به‌واسطه ارتکاب آن جرم نظم حقوقی بین‌المللی به مخاطره می‌افتد). عبارت است از عملی که باعث نقل‌وانتقال موضوع جرم مانند: اشیاء، اشخاص، از مرزهای یک کشور به کشورهای دیگر می‌شود که به موجب قوانین حداقل یکی از دو کشور عمل مذکور جرم است (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷).

لازم به ذکر است که در جرم پول‌شویی از طریق مؤسسات مالی و اعتباری بین‌المللی مرتکب جرم دارایی حاصل از جرم منشأ را از نهادی به نهاد دیگر منتقل می‌سازد تا اینکه به سهولت بتواند منشأ جرم خود را در کشور مقصد مخفی نمایند، بدین‌منظور لازم است کشورها با وضع قوانین متحدالشکل تمامی بسترهای لازم جهت انتقال چنین اموالی و ایجاد مخاطرات بر روی مجرم را ببندند.

۲. ارتباط حقوق شهروندی و پول‌شویی

واژه شهروند ترجمه کلمه سیتیزن است که به معنای کسی است که در یک شهر یا در یک قلمرو جغرافیایی خاص زندگی می‌کند (معین، ۱۳۸۶).

اطلاق چنین لفظی بر افراد موجد حق و تکلیف‌هایی برای فرد در برابر حاکمیت می‌باشد.

حال به تعریف شهروند به معنی مصطلح می‌پردازیم:

«در اصطلاح حقوقی، شهروند فردی است که اگر آن‌را در رابطه با یک دولت (به معنای اعم حاکمیت) فرض کنیم از سویی برخوردار از حقوق سیاسی مدنی است و ازسوی‌دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی را برعهده دارد، این رابطه را رابطه شهروندی می‌گویند چگونگی رابطه شهروندی را قوانین اساسی کشورها که مبین خطوط ارزشی مبتنی بر ایدئولوژی آن نظام می‌باشد ترسیم می‌کند» (اسماعیلی و رمضانی‌پور، ۱۳۹۹).

اما معنای شهروند که در بالا اشاره شد به‌عنوان یک لفظ دارای معنای واحد مورد اجماع همه نیست و برداشت‌های دیگری از این لفظ بسته به جایگاه کاربست آن در حقوق صورت می‌گیرد؛ ازجمله اینکه:

«در خصوص معنای شهروند به‌طورکلی دو معنا قابل‌استنباط است: معنای نخست شهروند به معنای شهروند و نوع انسان‌ها است از هر جنس و نژاد و مذهب رنگ و کشور و... و معنای دیگر شهروند به معنای انسان‌های ساکن و مقیم در یک کشور اعم از اتباع و بیگانگان که در سرزمین یک دولت ـ کشور و تحت قدرت آن دولت ـ کشور هستند. معنای خاص حقوق شهروندی به حقوقی اشاره دارد که یک شهروند به‌عنوان فردی از جامعه از آن بهره‌مند می‌شود که در این تعریف به حقوق ملت نزدیک است و معنای عام آن حقوقی است که یک شهروند به‌عنوان عضوی از جامعه جهانی از آن بهره‌مند است» (اسماعیلی و رمضانی‌پور، ۱۳۹۹).

در نظام حقوق داخلی ج.ا.ایران ازآنجاکه وضع حقوق ملت و شهروندان در وهله نخست مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی است و احکام الهی در آن جاری می‌شود، با رجوع به منابع معتبر استنباط احکام و در رأس آنها قرآن کریم به‌وجود کرامت ذاتی برای انسان‌ها پی می‌بریم و لزوم رعایت حقوق بشر را در متون فقهی و منابع استنباط شرعی مشاهده می‌کنیم؛ به‌طورمثال در آیه ۷۰ سوره اسراء خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ ما نوع آدم را (انسان‌ها) را کریم (بزرگ) داشتیم که ما نوع انسانی را بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم). همین‌طور مولای متقیان امام علی (علیه‌السلام) در

غررالحکم می‌فرماید: «لَیْسَ عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ أَکْرَمُ عَلَی اللّهِ سُبْحَانَهُ مِنَ النَّفْسِ الْمُطِیعَةِ لِأَمْرِه». در این روایت کلمه «اکرم» به‌کار برده شده است که از ماده کرامت است، حضرت می‌فرمایند: «بر روی زمین هیچ موجودی کریم‌تر و بزرگوارتر و ارزشمندتر نزد خداوند متعال از انسانی که مطیع امر پروردگار باشد نیست. این تعبیر دیگری از آیه «إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» است. انسانی که در مسیر ایمان و عمل صالح قرار گرفته است کرامت جدید و مازادی را کسب می‌کند. همچنین در قانون اساسی ایران به‌عنوان مهم‌ترین سند حقوقی کشورمان که مبین ارزش‌ها و خطوط قرمز حکومت است، فصلی به نام حقوق ملت مشاهده می‌شود که از اصول ۱۹ تا ٤٢ قانون اساسی را دربرمی‌گیرد. بعضی از این حقوق، حق فردی هر ایرانی است مثل حق‌دادخواهی (اصل ٣٤ قانون اساسی) یا حق آموزش دیدن شهروندان است و بعضی از این موارد حق جمعی مردم (حقوق عامه) است (که رعایت آن متوجه عموم شهروندان است نه تک‌تک افراد یعنی به نوعی عام مجموعی مدنظر است نه عام استغراقی) مثل حق بر امنیت. یکی از نیازهای فطری بشر در زندگی اجتماعی و ایجاد آن همواره از مهم‌ترین فلسفه‌های وجودی دولت‌ها بوده است. واژه امنیت فقط نبود تهدید نظامی ناشی از عوامل خارج از مرزهای یک کشور نیست، در معانی جدید از امنیت موارد دیگری نیز شامل می‌شود. یکی از مصادیق شمول امنیت، امنیت فضای جامعه در بعد اقتصادی است.

جرم پول‌شویی و ارتباط با حقوق شهروندی از جهاتی مورد بررسی است: یکی از آن جهات حق بر آموزش شهروندان است تا آگاهی آنان افزایش یابد، بدین‌منظور که کمتر مورد سوءاستفاده در جرم پول‌شویی قرار بگیرند. قطعاً با آموزش به آنها درصدد به دام‌افتادن مردم و درنتیجه تحقق جرم پول‌شویی تقلیل پیدا می‌کند، همین‌طور آموزش دادن کلیه کارمندان و مأموران مشمول دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ و ٦ قانون مبارزه با پول‌شویی است. در این جهت که کارمندان دستگاه‌ها با هوش بیشتری نسبت به مبادلات مالی دستگاه‌های اجرایی خود مداقه داشته باشند. منتهی در این مقاله به‌دنبال آن هستیم که چهارچوب فراتری از نقض حقوق شهروندی را بررسی کنیم و آن متوقف‌شدن موتور پیشران اقتصادی کشور و درنتیجه ازبین‌رفتن امنیت اقتصادی عامه مردم می‌باشد.

۳. جرم پول‌شویی و امنیت اقتصادی شهروندان

تعاریف متعددی از امنیت اقتصادی ارائه شده است، منتهی تعریف مختار نویسنده در ذیل بیان می‌گردد:

«امنیت اقتصادی فراهم‌کردن فضای سیاسی و حقوقی و ساختارها در جهت تسهیل‌گری سرمایه‌گذاری و اجرای طرح‌های اقتصادی از مرحله اجرا تا بهره‌برداری بدون هیچ‌گونه امکان اخلال و آشفتگی می‌باشد» (زارع و مرادی کهواده، ۱۳۹۵).

این نکته قابل ذکر است که امنیت اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی حاکمیت‌ها دو عنصر اساسی دارد که به‌عنوان شاخص‌های تحلیلی اقتصادی باید مورد توجه قرار بگیرد:

«امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت اشتغال و درآمد» (زارع و مرادی کهواده، ۱۳۹۵).

درمجموع تعریفی که می‌توان از امنیت اقتصادی ارائه داد بدین‌گونه است که مجموعه اقدام‌هایی که در جهت تثبیت و عدم اختلال تولید، توزیع و مصرف و سرمایه‌گذاری انجام گردد تا امنیت اقتصادی تضمین و تثبیت گردد.

۳-۱. آثار جرم پول‌شویی بر اقتصاد

جرائم مالی به‌ویژه جرم پول‌شویی بر اقتصاد کشور و درنهایت امنیت اقتصادی جوامع و شهروندان بسیار مؤثر است. یکی از اسناد داخلی که به‌صورت صریح جرم پول‌شویی را در زمره جرائمی قرار می‌دهد که ثبات اقتصادی کشور را دچار اختلال می‌کند، ماده ۷۲ منشور حقوق شهروندی است.

این ماده بیان می‌دارد: «دولت به‌منظور تأمین حقوق اقتصادی شهروندان و به حداکثررساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، شرایط لازم در خصوص تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، ساده‌سازی، صراحت و ثبات در تصمیمات اقتصادی، گسترش مناسبات و پیوندهای منطقه‌ای، ایجاد تمهیدات لازم برای حضور فعالان اقتصادی ایران در بازارهای جهانی، حمایت از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به دانش روز، تنظیم هدفمند صادرات و واردات، مقابله با جرائم سازمان‌یافته اقتصادی، پول‌شویی و قاچاق کالا و ارز فراهم می‌کند». برخی دیگر از مصادیق آثار

جرم پول‌شویی بر اقتصاد به‌صورت فهرست‌وار در ذیل بیان می‌شود:

- اخلال و بی ثباتی در اقتصاد و بی‌اعتمادی مردم به نظام مالی؛
- برهم‌زدن سازوکار عرضه و تقاضا؛
- رشد نقدینگی؛
- افزایش تورم؛
- کاهش درآمد و افزایش هزینه‌های دولت؛
- کاهش کنترل دولت بر سیاست‌های اقتصادی؛
- تغییر جهت سرمایه‌گذاری‌ها و خروج سرمایه‌ها از کشور؛
- تضعیف امنیت اقتصادی؛
- تضعیف بخش خصوصی (شفیعی و بهرام‌زاده، ۱۳۸۵)؛
- ایجاد موانعی برای خصوصی‌سازی؛
- تضعیف یکپارچگی و تمامیّت بازارهای مالی؛
- اثر منفی بر نرخ بهره و ارز؛
- افزایش ریسک اعتباری.

٤. اهداف جرم پول‌شویی

مرتکبان به جرم پول‌شویی اهداف متنوعی دارند؛ اما مهم‌ترین هدف آنها اختفا وجوه کثیف و نامشروع یعنی عواید حاصل از فعالیت‌های مجرمانه و تطهیر و تبدیل آنها به اموال پاک و مشروع است به‌گونه‌ای منشأ آنها مخفی بماند. اگر بخواهیم در یک دسته‌بندی کلی به مهم‌ترین اهداف مجرمان و مرتکبان عمل پول‌شویی اشاره کنیم، می‌توانیم موارد زیر را اعلام کنیم:

۱- فرار از تعقیب: مجرمان و سازمان‌های تبهکار با اختفا عواید حاصل از اعمال مجرمانه و تطهیر و تبدیل آنها به پول‌های مشروع، سعی در فرار از دست مجریان قانون می‌کنند.

۲- فرار از مجازات: با اختفا پول‌های کثیف و فرار از تعقیب، مجرمان شناسایی نخواهند شد و درنتیجه مجازات نیز نخواهند شد و این امر باعث رغبت دوباره مجرمان به تکرار این فرایند می‌شود.

۳- فرار از مصادره اموال: از مجازات اصلی مرتکبان جرم پول‌شویی، مصادره و توقیف اموال حاصل از جرم است. مجرمان با اختفا عواید و اموال حاصل از جرم سعی در فرار از مصادره اموال می‌کنند.

٤- فرار از مالیات: مالیات یکی از منابع مالی حکومت‌ها به‌شمار می‌رود و دستگاه حاکمیت سعی در وصول این منابع مالی از تمام اقشار جامعه دارد. بعضی از افراد با درآمدهای مالی هنگفت تمایل به پرداخت مالیات ندارند، ازاین‌رو پول‌شویی راهکاری مؤثر برای فرار از مالیات است.

۵. بسترهای مستعد جرم پول‌شویی

مرتکبان جرم پول‌شویی درآمد و عواید حاصل از اقدامات مجرمانه را به کمک سیستم‌های بانکی، ارزی، صرافی‌ها، قاچاق مواد مخدر و دارو، فرار مالیاتی و مواردی از این قبیل با استفاده از خلأهای قانونی موجود در کشورها، تطهیر می‌کنند و از آنها در راستای اهداف خود استفاده می‌کنند. بانک‌ها ازجمله شناخته شده‌ترین مؤسسات مالی فعال در زمینه پول‌شویی هستند. اکثر بانک‌ها پول‌های وارد شده به حساب افراد حقیقی و حقوقی را از طریق عملیات بانکی به سایر بانک‌های کشور یا خارج از کشور منتقل می‌کنند و با این اقدام منشأ مجرمانه پول‌های کثیف را پاک می‌کنند.

افرادی که در بازارهای غیررسمی فعالیت اقتصادی می‌کنند، سعی دارند فعالیت‌های خود را از منظر دولت و قانون‌گذاران مخفی نگه دارند؛ بنابراین یکی از بسترهای مستعد جرم پول‌شویی، حوزه اقتصاد غیررسمی است. اقتصاد غیررسمی مشتمل بر دو طیف عملیات‌های مجرمانه و عملیات‌های غیرقانونی است. عملیات‌های مجرمانه شامل فروش مواد مخدر و اسلحه و عملیات‌های غیرقانونی شامل فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات می‌باشند.

٦. راه‌های مبارزه با پول‌شویی

با گسترش روابط و تعاملات تجاری و مالی جهانی، مبارزه با انواع فسادهای مالی و کنترل جریان‌های مالی غیرمجاز به یکی از اولویت‌های مهم کشورها بدل گشته است. این کشورها برای مبارزه با انواع فعالیت‌های غیرقانونی و مجرمانه به انواع راهکارهای قانونی و بین‌المللی متوسل شدند. ازجمله از اقدام‌های پیشگیرانه کشورها برای مقابله با

انواع فسادهای مالی، احراز هویت مشتریان و بایگانی اطلاعات مالی آنها و تأسیس نهادهای قانونی مبارزه با پول‌شویی می‌باشند. موضوع احراز هویت مشتریان و بایگانی اطلاعات مالی آنها در بخش ب از بند یک ماده نه مقاوله‌نامه وین مصوب ۱۹۸۸، بخش د بند دو ماده ۳۱ مقاوله‌نامه پالرمو مصوب ۲۰۰۰، بخش ب بند دو ماده ۵۲ مقاوله‌نامه مبارزه با فساد ملل مشهور به مریدا مصوب ۲۰۰۳ و توصیه شماره ۱۰ FATF آمده است. در بند دوم و سوم ماده ١٤ مریدا به بحث نظارت بر جابه‌جایی وجوه و دارایی مشتریان پرداخته شده است. بند دوم ماده ١٤ مقاوله‌نامه مریدا بر ضرورت انجام اقدامات عملی در زمینه شناسایی و نظارت بر وجوه نقد و دیگر اسناد مالی قابل نقد و انتقال تأکید می‌کند و بند سوم این ماده، نهادهای مالی را مکلف کرده است تا ضمن ارائه اطلاعات صحیح و قابل اتکا در مورد هویت شخص اصیل در نقل‌وانتقال‌های ملی، این اطلاعات را حفظ کند و نظارت‌های مضاعفی را در این خصوص اعمال کند (سلیمانی‌تبار، ۱۳۹۹). در توصیه ۱۱ FATF به ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و ضبط داده‌های مالی اشاره شده است که از دیگر راهکارهای حقوقی کشورها در زمینه مبارزه با پدیده پول‌شویی است. از دیگر راهکارهای قانونی مبارزه با پول‌شویی استفاده از نهادهای رسمی حاکمیتی مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است.

٦-١. مراکز اطلاعات مالی

در بخش ب بند یک ماده هفت و ماده ۵۸ مقاوله‌نامه مریدا بر ضرورت تشکیل نهادی بنام واحد اطلاعات مالی توسط مؤسسات و سیستم‌های بانکی تأکید شده است. این واحد مسئولیت دریافت، تحلیل و انتشار اطلاعات مربوط به معاملات مشکوک به نهادهای ذی‌ربط را داراست. در ایران نیز مرکز اطلاعات مالی زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی کشور مسئولیت دریافت، تجزیه‌وتحلیل گزارش‌های تراکنش‌های مشکوک و سایر اطلاعات مربوط به پول‌شویی، جرائم منشأ مرتبط و تأمین مالی تروریسم و ارسال نتایج به‌دست‌آمده به مراجع ذی‌صلاح را بر عهده دارد. طبق ماده ۳۸ آیین‌نامه اجرایی قانون مبارزه با پول‌شویی وظایف مرکز اطلاعات مالی (واحد اطلاعات مالی) به شرح ذیل است:

۱. جمع‌آوری و أخذ اطلاعات معاملات مشکوک؛

۲. ارزیابی، بررسی و تحلیل اطلاعات گزارش‌ها و معاملات مشکوک؛
۳. درج و طبقه‌بندی اطلاعات در سیستم‌های خودکار؛
٤. اعلام مشخصات اشخاص دارای سابقه پول‌شویی و یا تأمین مالی تروریسم به اشخاص مشمول جهت مراقبت بیشتر و یا قطع همکاری، درصورت درخواست مراجع ذی‌ربط؛
۵. تأمین اطلاعات تحلیل شده مورد نیاز مراجع قضایی، ضابطان و دستگاه‌های مسئول مبارزه با تروریسم در کشور در صورت درخواست مراجع ذی‌ربط؛
٦. تهیه آمارهای لازم از اقدامات صورت گرفته در جریان مبارزه با پول‌شویی؛
۷. تهیه نرم‌افزارها و سیستم‌های اطلاعاتی مورد نیاز؛
۸. تأمین امنیت اطلاعات جمع‌آوری شده؛
۹. تبادل اطلاعات با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی طبق مقررات؛
۱۰. جمع‌آوری و أخذ تجارب بین‌المللی؛
۱۱. ارسال گزارش‌هایی که به احتمال قوی صحت دارد یا محتمل آن از اهمیت برخوردار است به دستگاه قضایی؛
۱۲. پیگیری گزارش‌های ارسالی در مراجع قضایی؛
۱۳. تهیه پیش‌نویس برنامه سالانه واحد اطلاعات مالی جهت تصویب شورا؛
۱٤. پاسخ به استعلام اشخاص مشمول در اسرع وقت؛
۱۵. اعلام نظر در مورد صلاحیت تخصصی مسئولان واحدهای مبارزه با پول‌شویی پیشنهادی از سوی مدیران اشخاص مشمول.

در کنار لزوم استفاده از ظرفیت نهادهای قانونی مندرج در قوانین کشورها ازجمله مراکز اطلاعات مالی کشورها جهت رصد تراکنش‌های مالی و اطلاعات مالی مشکوک، سازمان‌ها و نهادهای مالی و تجاری برای مقابله با پدیده‌های مخرب مالی باید از ظرفیت‌های قانونی و سازوکارهای طراحی شده در این قوانین استفاده کنند. از مهم‌ترین اقدام‌های پیشگیرانه در امر مبارزه با پول‌شویی استفاده از سازوکار احراز یا تشخیص هویت مشتریان است. در ادامه به معرفی این سازوکار و قانون آن می‌پردازیم.

٦-٢. تشخیص هویت مشتریان (KYC)

یکی از راه‌های مبارزه با پدیده پول‌شویی، نظارت دقیق بر سیستم‌های مالی و سرمایه‌گذاری کشور است. در عصر حاضر یکی از اقدام‌های مهم جهت جلوگیری از فعالیت‌های مجرمانه با عایدات مالی هنگفت، تشخیص هویت مشتریان یا به اصطلاح KYC است. نهادهای مالی از قبیل مؤسسات اعتباری، بانک‌های تجاری، صندوق‌های پوششی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های کارگزاری و شرکت‌های بیمه و نمایندگی‌های املاک و مستغلات مجازی، باشگاه‌های ورزشی، بنگاه‌های خیریه‌ای و سایر نهادهای در معرض ریسک پول‌شویی، ملزم به تأیید هویت مشتریان خود هستند. این امر گامی در جهت کاهش تهدید جرم پول‌شویی در جامعه خواهد شد.

تشخیص هویت مشتری[1] یا به اختصار KYC، به‌منظور جلوگیری از پول‌شویی و فعالیت‌های مجرمانه، بر طبق قوانین ضد پول‌شویی[2] دولت‌ها یا به اختصار AML تنظیم می‌شود. درحقیقت قانون KYC یکی از قوانین زیرمجموعه AML است که برای مبارزه با سیستم‌های مالی فاسد و تأمین مالی تروریسم ایجاد شده است. این قوانین هم بر مؤسسات مالی و هم برای مؤسسات غیرمالی اعمال می‌شوند. هدف از KYC جلوگیری از پول‌شویی و فعالیت‌های مجرمانه مؤسسات مالی و غیرمالی و افراد است. قوانین اصلی تشخیص هویت مشتری به چهار بخشِ قوانین پذیرش مشتری، شیوه‌های شناسایی مشتری، پیگیری و نظارت بر تراکنش‌ها و مدیریت ریسک تقسیم می‌شود.

قوانین ضد پول‌شویی به مجموعه قوانین و مقرراتی اطلاق می‌شود که از تبدیل پول‌های نامشروع به درآمدهای قانونی و مشروع جلوگیری می‌کند. تفاوت اصلی قوانین ضد پول‌شویی و قانون تشخیص هویت مشتری در گستردگی و دایره اعمال این قوانین است. مؤسسات مالی از قانون تشخیص هویت مشتری جهت شناخت مشتریان خود جهت سرویس‌دهی به آنها استفاده می‌کنند. مؤسسات مالی با این قانون می‌توانند از فعالیت‌ها و تراکنش‌های مالی مشتریان خود مطلع شده و فعالیت‌های مشکوک را شناسایی کنند. مزایای تشخیص هویت مشتریان را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- شناسایی دقیق مشتریان؛

---

1. know your customer
2. Anti-money laundering

۲- افزایش اطمینان و اعتماد مشتریان به فرایندهای تجاری؛
۳- حفاظت از دارایی در مقابل کلاهبرداران و جلوگیری از معاملات غیرقانونی؛
٤- جلوگیری از بروز خطرات پول‌شویی مرتبط با مشتریان؛
۵- کاهش هزینه‌ها و افزایش سرعت جمع‌آوری اطلاعات.

نتیجه‌گیری

تأمین امنیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تشکیل حکومت‌ها جهت حفظ حقوق شهروندان یک قلمرو جغرافیایی برشمرده می‌شود. یکی از مصادیق نقض امنیت اقتصادی شهروندان و همین‌طور جامعه بشری که ثبات خاطر سرمایه‌گذاران را مخاطره می‌اندازد و درنتیجه موجبات گسترش فساد مالی در یک کشور حتی در جامعه بین‌المللی را فراهم می‌سازد، تسهیل فرایندهای مالی غیرقانونی است. فساد در یک تعریف ساده تلاش برای کسب ثروت و قدرت از طرق غیرقانونی است. یکی از مظاهر فساد در کشور شیوع و افزایش جرم پول‌شویی است. جرم پول‌شویی در دسته جرائم مالی قرار دارد و آثار سوء اقتصادی فراوانی با خود به همراه دارد. قانون‌گذار با تعیین مجازات سنگین، سعی در کاهش رغبت به جرائم مالی دارد، منتهی این به‌تنهایی کافی نیست یعنی هم باید ضمانت اجراها را به‌منظور بازدارندگی بیشتر به سمت بُعد مالی سوق داد (یعنی مجازات کردن به‌نحوی‌که متعلق مجازات نزد مجرم باارزش باشد بدین‌جهت که بازدارندگی بیشتری داشته باشد)، هم باید سیاست‌هایی پیشینی متناسب با هدف کاهش ارتکاب جرم پول‌شویی ازجمله طراحی سیستم تشخیص هویت مشتریان KYC، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و ضبط داده‌های مالی و یکپارچه‌سازی اطلاعات در یک پایگاه داده واحد و همین‌طور بالابردن سطح آگاهی شهروندان و همچنین کارمندان دستگاه‌های اجرایی که در معرض وقوع فسادهای مالی هستند را اتخاذ نمود.

کتابنامه

قرآن کریم.

قانون مبارزه با پول‌شویی اصلاحی ۱۳۹۷ (۱۳۹۷).

قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲).

کنوانسیون بین‌المللی وین (۱۹۹۸).

کنوانسیون پالرمو (۲۰۰۰).

کنوانسیون مریدار (۲۰۰۳).

مصوبه هیئت وزیران، آئین‌نامه اجرایی ماده ١٤ الحاقی قانون مبارزه با پول‌شویی (۱۳۹۸).

اسماعیلی، محسن و رمضانی‌پور، حسین (۱۳۹۹). جایگاه حقوق شهروندی در سبک سیاسی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و آیت‌الله خامنه‌ای با تمرکز بر سه مؤلفه، حق آزادی عقیده و بیان، حق مشارکت در تعیین سرنوشت و حق تحزب. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، زمستان، (٤).

تسلیمی، صادق (۱۳۸۱). تطهیر پول در اسناد بین‌المللی و لایحه پول‌شویی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

خورشیدی، ع. ا. (۱۳۸۷). *پول‌شویی، مفهوم، آثار وسیاست جنایی ایران. بی‌تا: نشر دادگستر پیاپی.*

زارع، مهدی و مرادی کهواده، حسین (۱۳۹۵). امنیت اقتصادی، اهمیت و جایگاه آن در ایران. همایش ملی شرکت‌های دانش بنیان فرصت‌ها و چالش‌ها و نقش آن در توسعه.

سلیمانی‌تبار، مهدی (۱۳۹۹). مقایسه قوانین و راهکارهای حقوقی مبارزه با پول‌شویی در نظام حقوقی ایران و انگلستان. *قانون یار*، ٤(١٤)، ٤٥١-٤٨٣.

شریفی، محسن و شعبانپور، عباس (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی فرایند جرم‌انگاری شده پول‌شویی. *ماهنامه دادرسی*، (۹۸).

شفیعی، حسین و بهرام‌زاده، حسینعلی (۱۳۸۵). روش‌های مبارزه با پول‌شویی. *ماهنامه تدبیر*، (١٤٩).

شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۰). *سیاست کیفری ایران در قبال جرائم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌الملل.* (رساله دکتری). دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۱). اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری. *آموزش عالی قم*، (١٤).

غلامی، علی و آذرفر، محمدصادق (١٤٠٠). بازخوانی مبانی فقهی جرم‌انگاری پول‌شویی.

مدلسازی اقتصادی، (۳).
معین، محمد (۱۳۸٦). *فرهنگ معین*. تهران: زرین.
میرزاوند، فضل‌الله (۱۳۸۲). پول‌شویی به‌عنوان یک جرم مستقل. *مجلس و پژوهش*، (۳۷).
میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۷). *حقوق جزای بین‌الملل*. تهران: میزان.

References

The Holy Quran.
Amended Anti-Money Laundering Law 1397 (1397).
Islamic Penal Code (1392).
Vienna International Convention (1998).
Palermo Convention (2000).
Meridar Convention (2003).
Council of Ministers Resolution, Implementing Regulations of Article 14 of the Anti-Money Laundering Law (1398).
Esmaili, Mohsen and Ramezanipour, Hossein (1399). The Position of Citizenship Rights in the Political Style of Imam Khomeini (may God have mercy on him) and Ayatollah Khamenei with a Focus on Three Components, the Right to Freedom of Belief and Expression, the Right to Participate in Self-Determination, and the Right to Party Membership. Political Sociology of Iran, Third Year, Winter, (4).
Taslimi, Sadegh (1381). Money Laundering in International Documents and the Money Laundering Bill. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
Khorshidi, A. A. (1387). Money laundering, concept, effects and criminal policy of Iran. Bita: Dadgostar Publishing.
Zare, Mehdi and Moradi Kahavadeh, Hossein (2016). Economic security, its importance and position in Iran. National Conference of Knowledge-Based Companies Opportunities and Challenges and its Role in Development.
Soleimani-Tabar, Mehdi (2019). Comparison of laws and legal solutions to combat money laundering in the legal systems of Iran and England. Qanun Yar, 4(14), 451-483.
Sharifi, Mohsen and Shabanpour, Abbas (2013). Comparative study of the criminalized process of money laundering. Dadarsi Monthly, (98).
Shafiei, Hossein and Bahramzadeh, Hossein Ali (2006). Methods of combating money laundering. Tadbir Monthly, (149).
Shams Natri, Mohammad Ebrahim (2001). Iran's criminal policy towards organized crimes with an approach to international criminal law. (PhD thesis). Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
Shams Natri, Mohammad Ibrahim (2002). The Principle of Innocence and Its Derogations in Criminal Law. Qom Higher Education, (14).
Gholami, Ali and Azarfar, Mohammad Sadeq (2001). Rereading the Jurisprudential Principles of Money Laundering Criminalization. Economic

Modeling, (3).
Moein, Mohammad (2007). Moein Culture. Tehran: Zarrin.
Mirzavand, Fazlollah (2003). Money Laundering as an Independent Crime. Majles and Research, (37).
Mirmohammad Sadeqhi, Hossein (2008). International Criminal Law. Tehran: Mizan.

دوفصلنامه علمی «تحقیقات حقوق شهروندی»، سال هشتم، شماره اول (پیاپی ۱۵)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، مقاله پژوهشی، صص. ۷۵-۹۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

مطالعه تطبیقی نظام حقوقی حاکم بر نهادهای امنیت ملی در نسبت با قوای مجریه و مقننه در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

مصطفی قدسی *
محمدحسین پیغمبری **

چکیده

امنیت ملی شرط استقرار نظم عمومی و عدم وجود مخاطره ملی است. این شرط ایجاب می‌کند که حاکمان برای بازگشت امنیت ملی، قاعده‌های خاصی را وضع کنند. نظم رایج حقوقی در نظام‌های سیاسی متعدد در جهان نشانگر پذیرش نهاد «امنیت ملی» در کنار نهاد مقنن است که شیوه تصمیم‌گیری و قاعده‌گذاری آن بنابر نوع حکومت‌ها، متفاوت است. در کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا نهاد قانون‌گذاری، مجلس دو کشور است و در نظام حقوقی هر دو کشور برای شرایط امنیتی، نهاد «شورای امنیت ملی» پیش‌بینی شده است. در شرایط خاص که امنیت ملی تهدید می‌شود، اصولاً سایر ساختارها و قوانین کشور محدود شده و نهادهای امنیتی هستند که تصمیم‌گیری می‌کنند. این شرایط گاهی به تحدید حاکمیت قانون می شود. همواره نظرات مختلفی در حدود اختیارات این شوراها در نسبت با قوای مجریه و مقننه در قاعده‌گذاری بیان شده است. به همین سبب در این پژوهش کوشیده شده است تا با روش تحلیلی_توصیفی با مطالعه تطبیقی به‌صورت مزجی و کاربردی با مراجعه به قوانین و تحلیل آنها به این پرسش پاسخ دهد که حدود اختیارات نهادهای امنیت ملی در نسبت با یکدیگر و قوای مقننه (پارلمان) و مجریه در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا چه میزان است؟ نتیجه آنست که شورای عالی امنیت ملی در ایران به نسبت شورای امنیت ملی در ایالات متحده آمریکا از جهت تصمیم‌گیری، نقش پررنگ‌تری دارد و امنیت ملی ایجاب می‌کند که در موجبات این امر نهادی اختیارات تصمیم‌گیری فراقانونی را داشته اما این امر نباید با توجه به اصل حاکمیت قانون، ساختارهای تقنینی و نظارتی نهادهای قاعده‌گذار عام را تحدید کند. بنابراین نهادهای تصمیم‌گیر امنیت ملی بنابر اصول قانونی به‌طور موردی و به‌طور محدود تصمیم‌گیری کرده و قاعده‌گذاری سیاستی انجام دهند.

واژگان کلیدی: مطالعه تطبیقی، امنیت ملی، قوه مجریه، قوه مقننه، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا.

---

* دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
ggodsiee@isu.ac.ir
** دکترای حقوق عمومی و معاون احیای حقوق عامه اندیشکده حقوق بشر و شهروندی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
peighambari66@isu.ac.ir

مقدمه

در هر نظام سیاسی، حاکمیت برای اداره امور جامعه، ساختارهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و... را تأسیس کرده و حدود و صلاحیت هریک برای اجرای امور را قانون مشخص می‌کند. هر نظامی برای حفظ اقتدار و ثبات خود و استقرار نظم عمومی در جامعه، نیازمند آن است تا با تأمین امنیت ملی در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی از ارزش‌های بنیادین خود پاسداری کند (غمامی و نیکونهاد، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۵). در هر کشور با پیش‌بینی این شرایط، نهاد یا نهادهایی متولی این امر بوده که شیوه تصمیم‌گیری و قاعده‌گذاری آنها بنابر نوع حکومت‌ها، متفاوت است. امنیت ملی قواعد و قلمرو خاص خود را دارد که به جهت دایره شمول گسترده که تقریباً همه ابعاد یک نظام سیاسی را دربرمی‌گیرد، اهمیت ویژه‌ای دارد. در شرایط خاص که امنیت ملی تهدید می‌شود، اصولاً سایر ساختارها و قوانین کشور محدود شده و نهادهای امنیتی هستند که تصمیم‌گیری می‌کنند و موضوع امنیت ملی تا آنجا پیش می‌رود که تمامی قاعده‌ها و عملکرد نهادهای قاعده‌گذار را نیز تحت‌الشعاع قرار داده و موجب نادیده گرفتن اصل حاکمیت قانون می‌شود؛ البته این امر به‌سبب منضبط کردن روابط اجتماعی و تنظیم مدیریت کلان جامعه برای مدت کوتاه با توجه به شرایط اضطراری این امر را امکان‌پذیر کرده است. به‌هرحال این شرایط نباید مجلس را محدود کند و مجلس می‌تواند با نظارت بودجه‌ای و رصد کنش‌های دستگاه‌های امنیتی بر مدار قانون، وظایف خود را انجام دهد (کتابی؛ شفیعی سروستانی و رحیمی، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۰).

۱. بیان مسئله

هریک از کشورهای ایران و ایالات متحده آمریکا نظام سیاسی و ساختار حقوقی منحصر به خود را دارند و با توجه به آن، برای اداره امور کشور، نهادهایی با حوزه اختیارات مشخص را تأسیس کرده‌اند که نقطه اشتراکشان در نهاد مشابه، شورای امنیت ملی است. در ایران بنابر اصل (۱۷۶) قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی و در ایالات متحده آمریکا بنابر قانونی اختصاصی[1] مصوب ۱۹۴۷ کنگره، شورای امنیت ملی

1. An Act To promote the national security by providing for a Secretary of Defense; for a National Military Establishment; for a Department of the Army, a Department of the Navy, and a Department of the Air Force; and for the coordination of the activities of the National

تشکیل شده است. تصمیم‌گیری در خصوص امنیت ملی گاهی برای حاکمیت قانون بحران ایجاد می‌کند و نظرهای مختلفی درباره حدود اختیارات این شوراها در نسبت قوای مقننه و مجریه در قاعده‌گذاری و اجرا را به‌دنبال دارد.

۲. سؤال‌های پژوهش

این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که باتوجه به ساختار حقوقی و سیاسی متفاوت جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، نظام حقوقی حاکم بر نهادهای امنیت ملی در نسبت با قوای مجریه و مقننه در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا چگونه است؟ در ذیل این پرسش به این سؤالات پاسخ داده می‌شود که منظور از امنیت ملی چیست و تابع چه شرایطی است؟ هریک از شوراهای مذکور دارای چه حیطه اختیار و صلاحیتی هستند و هریک در ساختار قوانین حقوقی آنها چه جایگاه و شأنیتی دارند؟ سایر نهادهای مرتبط با امنیت ملی چه جایگاه و وظایفی در ساختار حقوقی این دو کشور دارند؟

۳. پیشینه پژوهش

در هر اثر پژوهشی باید علاوه‌بر بهره‌گیری از پژوهش‌های انجام شده، وجه تمایزش با سایر پژوهش‌ها مشخص شود. در زمینه پژوهش حاضر، بالوی (۱۳۸۵) و امین‌رعیا (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌های «مطالعه تطبیقی شورای عالی امنیت ملی در ایران و نهادهای مشابه در سایر کشورها» و «بررسی تطبیقی جایگاه حقوقی شورای عالی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا»، صرفاً به مطالعه جایگاه حقوقی نهاد خاص امنیت ملی در دو کشور ایران و آمریکا پرداخته‌اند. همچنین مقالات دیگری نیز به مطالعه جایگاه حقوقی نهادهای فراقوه‌ای شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبات و دبیرخانه شورای امنیت ملی در ایران پرداخته‌اند که آنچه که در این پژوهش‌ها مغفول مانده است، بررسی رابطه نهادهای امنیت ملی در ایران و آمریکا در نسبت با قوای مقننه و مجریه است. برهمین‌اساس این پژوهش بر آن است با تحلیل قوانین مربوطه به بررسی جایگاه و

Military Establishment with other departments and agencies of the Government concerned with the national security.

وظایف و اختیارات نهادهای متولی امنیت ملی در دو کشور مذکور در نسبت با قوای مقننه و مجریه از حیث جایگاه قاعده‌گذاری، هماهنگی و نظارت بر آنها در نسبت با قوانین دیگر بپردازد.

٤. روش پژوهش

پژوهش‌ها را از منظر مختلف، انواع گوناگونی دارند. روش انجام پژوهش از این حیث که از صحت نتایج پژوهش اطمینان حاصل نمود، اهمیت بسیاری دارد. برهمین‌اساس روش پژوهش حاضر عبارت است از:

پژوهش حاضر از منظر هدف پژوهشی کاربردی ـ نظری است که با بررسی مبانی و بنیادها به‌دنبال پرداختن به یک مسئله عینی است.

این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و با مطالعه تطبیقی (مزجی) با مرور پژوهش‌های انجام شده، با تبیین موضوع، تحلیلی را ارائه کند.

روش جمع‌آوری داده‌های این پژوهش با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای (اسنادی) و اینترنتی، کتب، پایان‌نامه‌ها و مقالات، گزارش‌های پایگاه‌های اطلاعاتی علمی داخلی و خارجی در موضوع است.

به‌طورکلی این پژوهش با هدف کاربردی ـ نظری که با استفاده از رویکرد توصیفی ـ تحلیلی همراه با مطالعه تطبیقی (مزجی) اطلاعات را پردازش کرده و برای جمع‌آوری اطلاعات، از منابع کتابخانه‌ای بهره خواهد جست.

٥. امنیت ملی و قانون‌گذاری

همه فعالیت‌ها اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به انتظام ملی وابسته است. امنیت را باید مهم‌ترین دستاورد و کارکرد انتظام دانست و دولت و ملت مکلف به ایجاد و صیانت از آن هستند (افتخاری، ۱۳۷۹، ص. ٦١) و در غیر آن جامعه دستخوش ناامنی می‌شود؛ بنابراین امنیت ملی شرایطی است که در جامعه نظم عمومی مستقر بوده و ارزش‌های اساسی حکومت تهدید نشود. در شرایط تهدید نظم اجتماعی و ناامنی در جامعه، در رژیم های مردم‌سالار بر خلاف رژیم‌های استبدادی که ضرورتی به تمسک به امنیتی‌سازی و نظیر این پوشش‌ها نیست، اصل حاکمیت قانون از اصول اساسی مورد پذیرش آنهاست، معمولاً مقامات امنیتی با سوءاستفاده از اختیارات و اقتدارات خود و با پوششی از

ضرورت‌های امنیتی و با عنوان امنیتی بودن موضوعات، مدیران اصلی را مجاب می‌کنند تا قوانین موضوعه را سد راهی جهت اتخاذ تصمیمات دیده و در بحران امنیت ملی، قوانین را دور بزنند (کاویانی، ۱۳۹٦، ص. ٦۷)؛ بنابراین در تزاحم بین این دو، همیشه این قانون است که به نفع امنیت عقب‌نشینی کرده و عرصه را به آن واگذار می‌کند. با توجه به اینکه بحران در امنیت ملی، وضعیتی موقتی، حساس و حیاتی را ایجاد می‌کند و سیاست‌های امنیتی آثار و تبعاتی را به‌دنبال دارد، تصمیم‌گیری در این حوزه علاوه‌بر تمهیدات و مقدمات فراوان، نیازمند اقتدار خاصی است. در کشورهای مختلف نهاد خاص امنیت ملی برای حفظ ارزش‌ها و تمامیت ارضی در اثر تهدیدات خارجی، با توجه به نوع حکومت آن کشور سازوکار و شیوه مدیریت و اتخاذ تصمیم متفاوتی دارد؛ به‌عنوان نمونه ماده (۱٦) قانون اساسی فرانسه[1] مقرر می‌دارد که: «هرگاه نهادهای جمهوری، تمامیت ارضی یا اجرای تعهدات بین‌المللی به‌طور جدی و فوری در معرض تهدید قرار گیرند و عملکرد منظم قوای عمومی مذکور در قانون اساسی مختل گردد، رئیس جمهور تدابیر لازم را برای اوضاع مذکور، پس از مشورت با نخست‌وزیر و رئیسان مجلس‌ها و رئیس شورای قانون اساسی اتخاذ می‌نماید.

٦. وظایف و جایگاه نهادهای امنیت ملی در نسبت با قوه مجریه در نظام حقوقی ایران

نهادهای امنیت ملی در نظام حقوقی ایران سه‌دسته هستند:

۱- سیاست‌گذار و هماهنگ‌کننده شامل شورای عالی امنیت ملی و شوراهای فرعی آن مانند شورای امنیت کشور و زیرمجموعه آن شوراهای تأمین استان، شهرستان و بخش‌ها.

۲- نهادهای کشوری شامل قوه قضائیه و وزارتخانه‌های کشور و اطلاعات.

۳- سازمان‌های نظامی ارتش، سپاه و فراجا که در بحران‌های امنیتی بنا بر سطح آن در تعامل با یکدیگر عمل می‌کنند.

1. Where the institutions of the Republic, the independence of the Nation, the integrity of its territory or the fulfilment of its international commitments are under serious and immediate threat, and where the proper functioning of the constitutional public authorities is interrupted, the President of the Republic shall take the measures required by these circumstances, after formally consulting the Prime Minister, the Presidents of the assemblies and the Constitutional Council. He shall inform the Nation of these measures in a message. The measures must stem from the desire to provide the constitutional public authorities, in the shortest possible time, with the means to carry out their duties. The Constitutional Council shall be consulted with regard to such measures. Parliament shall convene as of right. The National Assembly shall not be dissolved during the exercise of the emergency powers.

٦-١. شورای عالی امنیت ملی

شورای عالی امنیت ملی، عالی‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیر در حوزه امنیت ملی در نظام حقوقی ایران به‌شمار می‌آید که در سطح عالی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌کند. منشأ تشکیل شورای عالی امنیت ملی اصل (۱۷٦) قانون اساسی است که در این اصل بیان می‌شود: «به‌منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور، با وظایف زیر تشکیل می‌گردد...». بنابر مشروح مذاکرات مربوط به اصل (۱۷٦) در شورای بازنگری قانون اساسی، به‌دلیل تثبیت نظام و امنیت ملی این نیاز احساس شد که در ارتباط با تهدیدات داخلی و خارجی، نظامی و غیرنظامی، بحران‌های اقتصادی و اصولاً چیزهایی که برای کشور ما می‌تواند آسیبی ایجاد کند، شورایی تشکیل شود[1] (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳٦۹، ص. ۱٤٦۸). ریاست این شورا با رئیس جمهور بوده و بنابر ذیل این اصل «... مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست». تصمیم‌گیری درخصوص نوع اجرایی مصوبات نیازمند تأیید رئیس جمهور و از تصمیم‌گیری در خصوص اجرای مصوبات نیازمند تأیید رهبری است. از این حیث که این شورا موجودیت خود را از قانون اساسی که بالاترین قانون در هر کشور است گرفته و در مسائل خاص امنیتی تصمیم‌گیری کرده و قاعده‌گذاری انجام می‌دهد، صلاحیت خاص داشته و جایگاهی فراقوه‌ای در نظام حقوقی ایران دارد و از آن جهت که مصوبات این شورا با تأیید رهبری که بالاترین مقام در کشور است لازم‌الاجرا می‌گردد و حدود تصمیم‌گیری و قاعده‌گذاری طبق قانون اساسی «تعیین سیاست‌های دفاعی ـ امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری،

---

۱. «ما در ارتباط با تثبیت نظام و امنیت ملی کشور نیاز داریم به یک شورایی که مسائلی را در ارتباط با تهدیدات داخلی و خارجی، نظامی و غیرنظامی، بحران‌های اقتصادی و اصولاً چیزهایی که برای کشور ما می‌تواند آسیبی ایجاد کند، ما باید چنین ترکیبی داشته باشیم. ... ازطرف‌دیگر ما مواجه هستیم با اینکه الان در تشکیلات کشور ما، رهبر دارای موقعیتی است که از نظر قانون اساسی یک سلسله اختیارات و وظایف دارد. ...کما اینکه امکانات کشوری مملکت از نظر اعتبارات و سیاست خارجی و اطلاعات و امثال این‌ها در ارتباط با رئیس جمهور است که آن هم در رابطه با تأمین دفاع و امنیت ملی کشور صاحب سهم است. ما اگر یک‌جایی بخواهیم این را تلفیق کنیم، نیاز به شورایی داریم که هر دو رنگ را داشته باشد و هر دو در آن سهیم باشند».

هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی ـ امنیتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی...» است، مصوبات آن در چهارچوب صلاحیت‌های مذکور، شأن تقنینی بالاتری نسبت به قوانین و قواعد حقوقی دارد و به اصطلاح جایگاهی فراقانونی دارد (حبیب‌زاده و قطبی، ۱۳۹٤، ص. ۳۵۵).

جدول (۱): ساختار شورای عالی امنیت ملی در ایران

شورای عالی امنیت ملی		
اعضای غیردائم	اعضای دائم	
وزیر مرتبط با موضوع	رئیس جمهور دو نماینده رهبری رئیس سازمان برنامه و بودجه وزیر امور خارجه وزیر کشور وزیر اطلاعات	قوه مجریه
عضو کمیسیون مرتبط با موضوع	رئیس مجلس شورای اسلامی	قوه مقننه
دادستان کل کشور	رئیس قوه قضائیه	قوه قضائیه
فرمانده سپاه فرمانده ارتش فرمانده فراجا	رئیس فرماندهی کل نیروهای مسلح	نیروهای مسلح

٦-۲. شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی

وفق اصل (۱۷٦) قانون اساسی «... شورای عالی امنیت ملی به تناسب وظایف خود شوراهای فرعی از قبیل شورای دفاع و شورای امنیت کشور تشکیل می‌دهد...» که قید به‌کاررفته در اصل تمثیلی بوده و شورای عالی امنیت ملی می‌تواند شورای دیگری را نیز داشته باشد. در ادامه اصل مذکور آمده است: «ریاست هریک از شوراهای فرعی با رئیس جمهور یا یکی از اعضای شورای عالی است که از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شود. حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانونی معین می‌کند و تشکیلات

آنها به تصویب شورای عالی می‌رسد»؛ به‌عنوان نمونه وظایف شورای امنیت کشور در «قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور» تعیین شده است و طبق ماده (۱) قانون مذکور شورای امنیت کشور نهادی تصمیم‌گیر در حوزه امنیت داخلی کشور در قوه مجریه بوده و عهده‌دار وظایف زیر خواهد بود:

«الف) جمع‌بندی و بررسی اخبار و گزارش‌ها و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به وقایع حساس امنیتی ـ سیاسی ـ اجتماعی کشور جهت بهره‌برداری‌سریع به‌منظور ترسیم وضع موجود و پیش‌بینی تحولات آتی، ب) برقراری ارتباط با شورای تأمین استان‌ها و دریافت گزارش‌های نوبه‌ای از وضع امنیتی، سیاسی، اجتماعی هر استان، ج) مشخص نمودن سیاست‌های عام امنیت داخلی کشور در چهارچوب قوانین مصوبه، د) تبیین حدود وظایف و اختیارات هریک از ارگان‌ها و نهادها در رابطه با امنیت داخلی کشور در چهارچوب وظایف قانونی آنها، ه) پیگیری و ارزیابی نتایج حاصله از اجراء تصمیم‌های متخذه در شورا، و) هماهنگ نمودن موارد مشترک با شورای عالی دفاع».[۱]

٦-۳. سازمان‌های اطلاعاتی و نظامی

طبق قانون تشکیل وزارت اطلاعات، نهادهای اطلاعاتی شامل وزارت اطلاعات، حفاظت اطلاعات ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و قوه قضائیه، اطلاعات ارتش، سپاه و سازمان اطلاعات نیروی انتظامی است. وزارت اطلاعات اصلی‌ترین نهاد اطلاعاتی ایران است که به‌منظور کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضدجاسوسی و به‌دست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران، تشکیل گردیده است.[۲] طبق بند ب ماده (۱۰) قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران، وزارت اطلاعات در حوزه امنیت ملی وظیفه کشف توطئه‌ها و فعالیت‌های براندازی، جاسوسی، خرابکاری و اغتشاش علیه استقلال و امنیت و تمامیت ارضی کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران

---

۱. شورای عالی دفاع و امنیت ملی که به شورای عالی دفاع مشهور بود، پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران وظیفه فرماندهی ارتش و امنیت کشور ایران را بر عهده داشت. این شورا در طول جنگ ایران و عراق فرماندهی جنگ را نیز عهده‌دار بود تا اینکه پس از بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳٦۸، جای خود را به شورای عالی امنیت ملی داد.

۲. ماده ۱ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳٦۲.

را برعهده دارد.

سازمان اطلاعات سپاه مهم‌ترین نهاد اطلاعاتی نظامی است که در هماهنگی با وزارت اطلاعات وظایف زیر را برعهده دارد: اطلاعات نظامی[۱]، گرفتن اطلاعات لازم از وزارت اطلاعات قبل از عملیات به‌عنوان ضابط قوه قضائیه[۲]، تحویل اخبار واصله امنیتی به وزارت اطلاعات[۳]، ضابط خاص دادگستری در جرائم پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم[٤]، مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که در صدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران می‌باشند[٥]، مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه در صدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی باشند[٦]، خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی اسلحه و مهمات حمل و نگهداری می‌نمایند.[۷]

در کنار این نهادهای اطلاعاتی، نهاد فرماندهی انتظامی به‌عنوان بازوی اجرایی وزارت کشور وجود دارد که طبق ماده (۲) «قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران»، «سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور» که طبق ماده (٤) قانون مذکور وظیفه استقرار امنیت و مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد با همکاری وزارت اطلاعات بر عهده دارد که کیفیت و نحوه همکاری را شورای امنیت کشور تعیین می‌کند.[۸]

۷. وظایف و جایگاه نهادهای امنیت ملی در نسبت با قوه مجریه در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا

۷-۱. شورای امنیت ملی(NSC)

شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا نهادی است در ذیل ادارات نهاد ریاست

---

۱. بند ۱ ماده ٦ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳٦۲.
۲. بند ۲ ماده ٦ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳٦۲.
۳. بند ۳ ماده ٦ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳٦۲.
٤. تبصره ۳ ماده ۷ مکرر قانون مبارزه با پول‌شویی، اصلاحی ۱۳۹۷.
٥. ماده ۲ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳٦۱.
٦. ماده ۳ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳٦۱.
۷. ماده ٤ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳٦۱.
۸. تبصره بند ۲ ماده ٤ قانون نیروی انتظامی کشور مصوب ۱۳٦۹.

جمهوری (عباسی، ۱٤۰۰، ص. ۱٤۱) که طبق بخش (۱۰۱)، سرفصل (۱) قانون امنیت ملی[1] ایالات متحده آمریکا مصوب ۱۹٤۷ به‌منظور «توصیه به رئیس جمهور از طریق هماهنگی تمام عوامل نظامی، مدنی، داخلی و بین‌المللی امنیت ملی، [...] در امور مربوط به سیاست خارجی، امور راهبری و امور دفاعی، ارزیابی و بررسی اهداف ملی و سیاست‌ها و خط‌مشی دولت ایالات متحده و ارائه گزارش‌هایی که رئیس جمهور به آنها نیازمند است...»[2] ایجاد شده است. این شورا ساختاری سه جزئی با زیرمجموعه‌های مختلف دارد. مشاور امنیت ملی رئیس جمهور، درواقع رابط بین‌اداری و نظامی متشکل از تصمیم‌گیران است (Joe, 2021, p. 7). در بالادست، کمیته‌های بین‌اداری، طرح‌های سیاسی را تهیه می‌کنند که باید توسط تصمیم‌گیران بررسی شوند. در پایین‌دست، تصمیم‌های رئیس جمهور در قالب دستورالعمل‌ها به کمیته‌های مسئول اجرای آنها منتقل می‌شود. کمیته‌های بین‌اداری معمولاً نمایندگان بخش‌های مختلف در موضوعات خاص را گردهم می‌آورند. در این زمینه، این فرایند آماده‌سازی و ارائه گزارش‌هایی را هدف قرار می‌دهد که از فرایند مبتنی بر تصمیم‌گیری پشتیبانی می‌کنند. این کمیته‌ها تحت نظارت مشاور امنیت ملی قرار دارند. به‌طورکلی، شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا در این چهارچوب نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کند تا اطمینان حاصل شود که دستورهای ریاست جمهوری به‌صورت مؤثر و یکپارچه در نظر گرفته می‌شوند (نصوری و استوار، ۱٤۰۲، ص. ٦۳).

بنابر توضیحات فوق، این شورا با وجود جایگاه بسیار مهم در ریاست جمهوری شأن مشورتی داشته و به رئیس جمهور در مسائل هماهنگی وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمان‌های مختلف مربوط به سیاست خارجی توصیه‌هایی ارائه می‌دهد (مقدسی و اکبری، ۱۳۹٦، ص. ۸۷۵). از این جهت با وجود اقتدار بسیار زیاد، شأن تقنینی مستقل از رئیس جمهور ندارد. تصمیم‌گیری در شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا دو رکنی نبوده و رئیس جمهور به‌عنوان رئیس کشور، مسئولیت سیاست خارجی و امور دفاعی را نیز برعهده دارد (عباسی، ۱٤۰۰، ص. ۱٤۲).

1. National Security Act of 1947
2. The function of the Council shall be to advise the President with respect to the integration of domestic, foreign, and military policies relating to the national security so as to enable the military services and the other departments and agencies of the Government to cooperate more effectively in matters involving the national security.

۷-۲. شورای امنیت داخلی(HSC)

HSC سرواژه نهاد شورای امنیت داخلی است که مشابه شورای امنیت ملی(NSC) در دفتر رئیس جمهور مستقر بوده و وظیفه ارزیابی اهداف، تعهدها و خطرهای ایالات متحده و مشاوره به رئیس جمهور در رابطه با سیاست امنیت داخلی را برعهده دارد.[1] در سال ۲۰۰۲ بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، بر اساس قانون امنیت داخلی ایالات متحده آمریکا[2]، وزارت امنیت داخلی ایالات متحده (DHS)، اداره اجرایی فدرال ایالات متحده تشکیل می‌شود و مسئولیت امنیت عمومی را برعهده دارد. این قانون مأموریت‌های مبارزه با تروریسم، امنیت مرزی، مهاجرت و گمرک، امنیت سایبری، و پیشگیری و مدیریت بلایا را برعهده این وزاتخانه نهاده است.[3]

به‌طورکلی شورای امنیت داخلی و وزارت امنیت میهن، هر دو به تقویت امنیت داخلی آمریکا متعهد هستند. اگرچه این دو نهاد مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند؛ اما همکاری و هماهنگی بین آنها بسیار مهم است (Bonesteel, 2017, p. 67). وزارت امنیت میهن به‌عنوان نهاد اجرایی مسائل امنیتی داخلی و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های تعیین‌شده توسط دولت و کنگره فعالیت می‌کند. درعین‌حال، شورای امنیت داخلی به‌عنوان یک نهاد مشاوره‌ای و تحلیلی به رئیس جمهور اطلاعات تخصصی و تصمیمات مرتبط با امنیت داخلی را ارائه می‌دهد (Joe, 2021, p. 9).

۷-۳. پلیس فدرال(FBI)

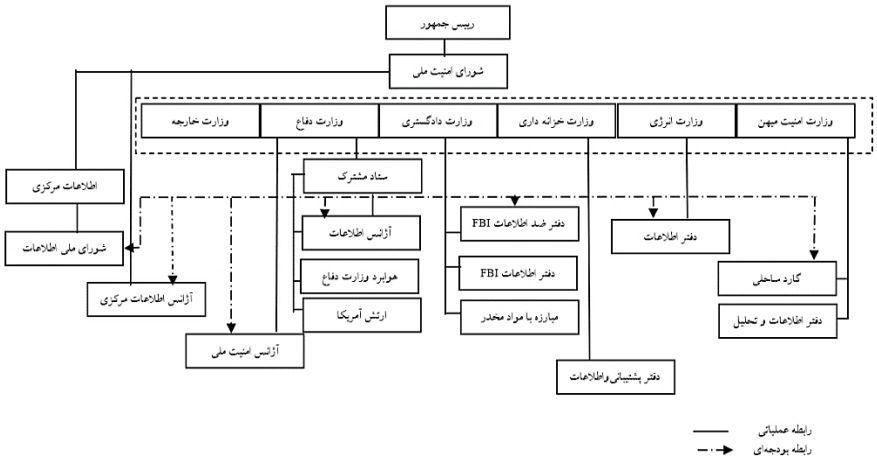
نهاد پلیس فدرال[4] (FBI) یک نهاد امنیت ملی در وزارت دادگستری ایالات متحده[5] (DOJ) و عضو جامعه اطلاعاتی ایالات متحده است که در حوزه ضدتروریسم، ضداطلاعات و تحقیقات جنایی فعالیت اطلاعاتی، اجرایی و قانونی می‌کند که وظایف و مسئولیت‌های این نهاد عبارت‌اند از: بررسی جرم، جمع‌آوری، اجرای قانون، همکاری

1. Sec. 901. Homeland Security Act of 2002. There is established within the Executive Office of the President a council to be known as the ''Homeland Security Council'' (in this title referred to as the ''Council'').
   Sec. 902. Homeland Security Act of 2002. The function of the Council shall be to advise the President on homeland security matters.
2. Homeland Security Act of 2002.
3. Sec. 101. Executive department; mission.
4. Sec. 302. National Security Act of 1947.
5. Sec. 1111. Homeland Security Act of 2002.

با دیگر نهادها، تحلیل اطلاعات و تعهد به امنیت ملی (Tromblay, 2023, p. 22).

۷-٤. نهادهای اطلاعاتی مرتبط با امنیت ملی

در کنار نهادهای فوق، نهادهای اجرایی و اطلاعاتی نظیر آژانس امنیت ملی[1] (NSA) در وزارت دفاع[2] (DOD) با هدف اطلاعات داخلی و خارجی و ضدتروریسم، آژانس اطلاعات مرکزی[3] (CIA) با وظیفه جمع‌آوری، تجزیه‌وتحلیل و پردازش اطلاعات امنیت ملی فعال هستند. این نهادها غالباً از طریق گزارش‌دهی به جامعه اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا (IC) و یا از لحاظ عملیاتی بسته به وظایف‌شان با شورای امنیت ملی و رئیس جمهور در ارتباط هستند.



شکل (۱): ساختار و رابطه نهادهای امنیت ملی در ایالات متحده آمریکا

۸. اختیارات مجلس شورای اسلامی ایران در حوزه امنیت ملی

۸-۱. اختیارات مجلس شورای اسلامی در نسبت با شورای عالی امنیت ملی

بنابر اصل (۷۱) قانون اساسی[4]، مجلس شورای اسلامی اختیار عام قانون‌گذاری در تمامی امور را دارد؛ البته این دقت را باید داشت که بنابر تصریح قانون اساسی در سایر اصول قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی شأن تصمیم‌گیری و قاعده‌گذاری در برخی

1. Sec. 301. National Security Act of 1947.
2. Sec. 201. National Security Act of 1947.
3. Sec. 104. National Security Act of 1947.
٤. مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.

موضوعات را ندارد؛ به‌عنوان‌مثال طبق اصل (۱۰۸) قانون اساسی[1]، مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند برای مجلس خبرگان رهبری قاعده و قانونی وضع نماید. با وجود شورای عالی امنیت ملی که مصرح قانون اساسی است، این صلاحیت عام در مواردی تخصیص می‌خورد و این شأن تقنینی را تحدید می‌کند. اگرچه رئیس مجلس در شورای عالی امنیت ملی عضو بوده؛ اما مصوبات این شورا به‌موجب آنکه پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست، بنابر اصل اطلاق نظارتی اصل (۵۷) مشروعیت داشته (عمیدزنجانی، ۱۳۹۷، ص. ۳۹۸). تحدید قانون‌گذاری مجلس را ممکن ساخته و از اختیارات فوق‌العاده به قوه مجریه در تصمیم‌گیری‌ها که ماهیت قانون‌گذاری دارد جلوگیری شده است (هاشمی، ۱۳۹٦، ص. ٥٤٠)؛ البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که آن دسته از مصوبات و تصمیمات شورای عالی امنیت ملی که مستقیماً با سیاست‌های دفاعی و امنیتی نظیر برنامه‌ها و قراردادهای بین‌المللی ارتباط دارد مطابق اصل (۷۷) قانون اساسی «... باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد»؛ اما برخی تصمیمات و مصوبات دیگر مانند اعلان جنگ که بنابر اصل(۱۱۰) قانون اساسی «وظایف و اختیارات رهبر: ... ٥- اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها...» از اختیارات خاص مقام رهبری است و با تأیید آن مقام قابل اجراست. باوجوداین، تجربه نشان داده است که برخی از قراردادهای خرید تسلیحات مهم، نوعاً محرمانه و به دور از جنجال منعقد می‌شود و عملاً برای تصویب به دست مجلس شورای اسلامی نمی‌رسد. به همین سبب نظارت و حوزه اختیارات این قوه از طریق تصویب بودجه اعمال می‌گردد (هاشمی، ۱۳۹٦، ص. ٥٤٧).

۸-۲. اختیارات مجلس شورای اسلامی در نسبت با شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی

قانون اساسی ایران این امکان را به شورای عالی امنیت ملی داده است که از طریق ایجاد شوراهای فرعی موضوعات و امورات این شورا را پی‌ریزی کند. مجلس شورای اسلامی بر شورای عالی امنیت ملی نظارت نداشته؛ اما بنابر اصل (۱۷٦) قانون اساسی که بیان

۱. قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به‌وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است.

می‌کند: «... حدود اختیارات و وظایف شوراهای فرعی را قانون معین می‌کند...»، هرچند برخی استدلال کردند که قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی در خصوص وظایف و اختیارات شوراهای فرعی شورای عالی امنیت ملی با اصل استقلال نهادهای فراقوه‌ای در نظام جمهوری اسلامی ایران مغایر است (پروین و روزی‌طلب، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۸)؛ اما طبق نص قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی وظیفه نظارت بر اختیارات و وظایف شوراهای فرعی شورای مذکور از طریق اعمال قانون‌گذاری را دارد.

همچنین با تصویب مجلس شورای اسلامی در ماده (۵۸) قانون «رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و نظام مالی کشور» آمده است: «... مصوبات هریک از شوراهای فرعی شورای امنیت ملی که دارای آثار اقتصادی، تجاری، مالی و مرتبط با سرمایه‌گذاری، تولید، صادرات و واردات است باید تا چهل‌وهشت ساعت پس از تصویب برای کلیه اعضای ثابت شورای عالی امنیت ملی ارسال شود. ... مصوبات شورای فرعی نباید خلاف قوانین موضوعه کشور باشد»، شوراهای فرعی باید براساس قانون موضوعه که مصوب مجلس شورای اسلامی است، اعمال وظیفه کنند و از جهتی مطابق اصل (۱۷۶) و صدر ماده مذکور موظف به تبعیت از مصوبات و تصمیمات شورای عالی امنیت ملی در محدوده سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری است. بنابر اصل (۵۷) و ذیل اصل (۱۷۶) در خصوص «ولایت مطلقه» و «مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست». بیانگر عدم مغایرت مصوبات مجلس با مصوبات شورای عالی امنیت ملی است و هماهنگی فوق زمانی میسر می‌شود که اصل حاکمیت قانون[1] ملاک تصمیمات و اعمال سیاسی و اداری قرار گیرد.

۸-٤. اختیارات مجلس شورای اسلامی در نسبت با سایر نهادهای امنیت ملی

مجلس شورای اسلامی ابزارهای نظارتی دارد که قانون اساسی در اصول (۸۸) و (۸۹) برای مجلس شورای اسلامی ابزارهای نظارتی سئوال و استیضاح، در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی نیز در مواد مختلفی از جمله ۲۰۶ و ۲۱۲ و ... تذکر و تحقیق و تفحص و نظارت بودجه‌ای را پیش‌بینی کرده است (حبیب‌نژاد و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۳۳). براین‌اساس مجلس می‌تواند از وزرای کشور و اطلاعات به‌عنوان

1. Rule of Law

مسئول نهادهای مرتبط با امنیت ملی در حدود وظایف و اختیاراتی قانونی که بر عهده دارند، سؤال کنند یا آنها را استیضاح کنند یا تذکر دهند.

۹. اختیارات کنگره ایالات متحده آمریکا در حوزه امنیت ملی

کنگره یا قوه مقننه ایالات متحده آمریکا متشکل از دو مجلس نمایندگان و سنا است که علاوه‌بر اختیارت خاص خود، یکسری اختیارات مشترک نیز دارند و بر خلاف مجلس شورای اسلامی ایران، صلاحیت عام قانون‌گذاری ندارند. از آن‌جهت که شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا استقلالی از رئیس جمهور و تشکیلات اجرایی دفتر وی ندارد، حوزه اختیارات کنگره خصوصاً مجلس سنا در محدوده نظارت بر رئیس جمهور و اعطای صلاحیت به رئیس جمهور برای فرامین اجرایی (مقدسی و اکبری، ۱۳۹٦، ص. ۸۷٦) و انتخاب مسئول برخی از نهادها مانند آژانس اطلاعات مرکزی بررسی می‌شود.

۹-۱. اختیارات در حوزه اعلان جنگ

قانون اساسی در بند ۸ ماده (۱)۱ اعلان جنگ و اعزام سرباز به خارج از مرزها را برعهده کنگره گذاشته است. رئیس جمهور اگرچه فرمانده کل ارتش شناخته می‌شود و ریاست عالیه بر نیروهای مسلح دارد؛ اما برای ورود کشور به جنگ باید از کنگره مجوز کسب کند. در برخی از مواقع رئیس جمهور برای پیشبرد اهداف نظامی خود با مخالفت‌های کنگره روبه‌رو می‌شود. تدوین‌کنندگان قانون اساسی با تقسیم اختیارات میان رئیس جمهور به‌عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح و کنگره به‌عنوان صادرکننده مجوز جنگ، تلاش کردند از تمرکز قوا در دست یک شخص یا یک نهاد جلوگیری به عمل آورند. درحال‌حاضر رئیس جمهور با در اختیار داشتن کنترل ارتش و سیاست خارجی، جهت‌دهنده اصلی به مناسبات خارجی است. وی می‌تواند به بهانه حفظ جان سربازان ایالات متحده آمریکایی در خارج ازکشور و یا تأمین منافع ملی، نمایندگان کنگره را به اعلان جنگ وادار نماید. کنگره در جهت نظارت بر اعلان جنگ، قانونی تحت عنوان «قانون اختیارات جنگی»[۲] را تصویب کرده که با توجه به اختیار فرماندهی

1. To declare War grant Letters of Marque and Reprisal and make Rules concerning Captures on Land and Water; To raise and support Armies but no Appropriation of Money to that Use shall be for a longer Term than two Years.
2. War Powers Resolution of 1973.

کل قوای رئیس جمهور، روش‌های نظارت بر ایـن اختیـارات نظـامی وی تعیـین شـده است. مطابق این قانون، رئیس جمهور نمی‌تواند ارتش را برای انجـام عملیـات نظـامی برای مدت بیش از دو ماه بدون موافقت قبلی کنگره اعزام نماید.[1]

۹-۲. اختیارات در حوزه معاهدات، پیمان‌ها و قراردادهای بین‌المللی

معاهـدات از نقطـه‌نظـر تصـویب بـه دو دسـته تقسـیم مـی‌شـود: معاهـدات رسـمی و موافقت‌نامه‌های اجرایی (ضیایی بیگـدلی، ۱۴۰۲، ص. ۵۳). در تصـویب معاهـدات رسـمی دخالت رئیس جمهور و مجلس سـنا تواماً لازم اسـت؛ امـا در معاهـدات اجرایـی، دولـت به‌منظور احتراز از مشکلات ناشی از کسب دوسوم آرای سنا و با توسـل بـه تفسـیر موسـع قانون اساسی فدرال، رویه‌ای را معمول داشت که بنابر آن رئـیس جمهـور مـی‌توانـد راسـاً معاهداتی را به تصویب برساند. این نوع موافقت‌نامه‌ها از همـان اعتبـار حقـوقی معاهـدات رسمی برخوردارند و این امری است که دیوان عالی فدرال[2] ایالات متحده نیـز آن را صـحه گذارده است. مطابق بند ۲ ماده (۲) قانون اساسی[3] ایالات متحده آمریکـا، کلیـه پیمـان‌هـا و قراردادهای دولت ایالات متحده آمریکا با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی باید به تصـویب دوسوم سنا برسد. درحقیقت یکی از وظایف انحصـاری سـنا، تأییـد قراردادهـای خـارجی است. در صورتی که سنا با پیوستن به قراردادی مخالفت ورزد، دولت نمی‌توانـد از اجـرای آن سر باز زند. در سال ۱۹۱۹ هنگامی که بحث عضویت ایـالات متحـده آمریکـا درجامعـه

1. The War Powers Resolution of 1973 (also known as the War Powers Act) "is a congressional resolution designed to limit the U.S. president's ability to initiate or escalate military actions abroad." As part of our system of governmental "checks and balances," the law aims to check the executive branch's power when committing U.S. military forces to an armed conflict without the consent of the U.S. Congress. It stipulates the president must notify Congress within 48 hours of military action and prohibits armed forces from remaining for more than 60 days.
2. AMERICAN INS. ASSN. V. GARAMENDI (02-722) 537 U.S. 1100 (2003) 296 F.3d 832, reversed: 14) It is true that the President in this case is acting without express congressional authority, and thus does not have the "plenitude of Executive authority" that "controll[ed] the issue of preemption" in Crosby v. National Foreign Trade Council, 530 U.S. 363, 376 (2000).
3. He shall have Power by and with the Advice and Consent of the Senate to make Treaties provided two thirds of the Senators present concur and he shall nominate and by and with the Advice and Consent of the Senate shall appoint Ambassadors other public Ministers and Consuls Judges of the supreme Court and all other Officers of the United States whose Appointments are not herein otherwise provided for and which shall be established by Law; but the Congress may by Law vest the Appointment of such inferior Officers as they think proper in the President alone in the Courts of Law or in the Heads of Departments.
3 The Case-Zablocki Act of August 22, 1972, 1 U.S.C. § 112b (the Act) requires consultation with the Secretary of State before any international agreement may be signed or concluded on behalf of the United States.

ملل مطرح شد، اکثریت جمهوری‌خواهان حاکم بر سنا با آن مخالفت کردند و ویلسون نتوانست به آرزوی خود برای عضویت ایالات متحده آمریکا در بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی پس از جنگ اول جهانی جامه عمل بپوشاند (عنایت، ۱۳۷۰، ص. ۱۳۱).

نزدیکی حوزه اختیارات و قلمرو صلاحیت‌های مجلس سنا در مسائل بین‌المللی و سیاست خارجی که از حوزه اختیارات رئیس جمهور و شورای امنیت ملی است، در برخی موارد سبب خروج نمایندگان مجلس سنا از حیطه اختیارات شده است؛ به‌عنوان‌مثال می‌توان به نامه سناتورهای ایالات متحده آمریکایی خطاب به مقامات جمهوری اسلامی درباره پیامدهای انعقاد هرگونه توافق هسته‌ای توسط دولت اوباما با ایران اشاره کرد (عباسی، ۱٤۰۰، ص. ۱۳۵). به‌طورکلی می‌توان طبق قانون اساسی ایالات متحده آمریکا مجلس سنا می‌تواند موافقت‌نامه‌ها (به‌جز موافقت‌نامه‌های سری که به تصویب سنا نمی‌رسد،) را با عدم تصویب دوسوم با لازم‌الاجرا شدن آنها مخالفت کند. همچنین طبق قانون Case Act[1] مصوب ۱۹۷۲، کنگره، رئیس جمهور را مکلف کرده است هرگونه موافقت‌نامه را به کنگره ظرف مدت ٦۰ روز اطلاع دهد و کنگره نیز می‌تواند با یک قطعنامه ویژه آن را رد نماید؛ به‌عنوان‌نمونه می‌توان به عدم تصویب برجام در مجلس سنا اشاره کرد که در صورت تصویب سنا، دولت نمی‌توانست از آن خارج شود و از اجرای آن سر باز زند. چراکه در حقوق اساسی ایالات متحده آمریکا معاهدات بین‌المللی هم‌مرتبه قوانین فدرال بوده و به‌عبارت‌دیگر این معاهدات می‌تواند از طریق تصویب قوانین بعدی نسخ و نقض گردد و اختیار این امر نیز با کنگره ایالات متحده آمریکاست؛ البته در این صورت حکومت ایالات متحده آمریکا در قبال چنین عملی مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت (مردانی و حسن‌زاده، ۱۳۹٦، ص. ۲۲). بااین‌حال شورای امنیت ملی مهم‌ترین نهاد در توسعه سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است و این شورا، به‌جای اینکه مطابق با قصد اولیه قانون‌گذار، یک محافظت و یک الزام برای رئیس جمهور ایجاد کند، درواقع به رئیس دولت اجازه می‌دهد که قدرت خود را در امور سیاست خارجی توسعه دهد. بااین‌حال، اگرچه شورای مذکور هرگز نقشی را که در ابتدا به آن اختصاص داده شده بود، اشغال نکرده است؛ اما استفاده از آن، مستلزم یک تداوم خاص است. صرف‌نظر از

1. The Case-Zablocki Act of August 22, 1972, 1 U.S.C. § 112b (the Act) requires consultation with the Secretary of State before any international agreement may be signed or concluded on behalf of the United States.

شیوه‌های مدیریت ریاست جمهوری و سبک خاصی که هر رئیس جمهور اتخاذ می‌کند، نقش شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا به‌تدریج تقویت شده است و این نقش کنگره را در نظارت محدود کرده است؛ اما این محدودیت با توجه به تفکیک قوا در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، مداخله در امر قانون‌گذاری و قاعده‌گذاری کنگره محسوب نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

امنیت ملی برای هر کشوری به‌عنوان ضروری‌ترین نیاز و مهم‌ترین ارزش تلقی شده و هر حکومتی، سیاست‌ها و راهبردهای خاص خود را در جهت نیل به امنیت ملی و حفظ آن، اتخاذ و توجیه می‌نماید. دستیابی به درجات قابل‌قبولی از امنیت ملی برای هر کشوری مستلزم آن است که افراد ملت و مسئولان حکومت با توجه به شرایط زمانی و مکانی کشور خود درک صحیح و شناخت دقیقی نسبت به پدیده‌های امنیت‌زا و امنیت‌زدا فراهم نموده و آگاهی‌های خود را در قالب سیاست‌ها و راهبردهای امنیتی در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری و اجرا استفاده کنند. به این‌منظور، هر دولتی می‌کوشد تا مجموعه‌ای قابل اعتماد از نهادهای مشورتی نظارتی و هماهنگ‌کننده را برای اداره امور مربوط به امنیت ملی و پیشبرد اهداف آن ایجاد نموده و توسعه دهد.

در شرایطی که نظم عمومی و امنیت ملی تهدید می‌شود و ارزش‌های اساسی یک کشور و حکومت به‌خطر افتاده، تصمیم‌گیری بسیار سخت بوده و برای استقرار نظم عمومی نیازمند اقتدار در تصمیم‌گیری است. اصولاً در نظام‌های حقوقی شورایی یا نهادی با اختیارات ویژه در هنگامه بروز چنین تهدیدات تصمیم‌گیری می‌کند. شوراهای امنیت ملی در مرکز نظام هماهنگ‌سازی و پیشبرد اقدامات مربوط به امنیت ملی قرار داشته و نقطه اتکاء تدابیر امنیت ملی محسوب می‌گردد. این نهاد در نظام جمهوری اسلامی ایران دارای جایگاه قانون اساسی بوده لکن بر خلاف آمریکا مجموعه قوانین و یا قانون مدون و مکتوبی در رابطه با وظایف و اختیارات خود ندارد، ازاین‌رو و به سبب عدم انتشار مطلوب مصوبات آن در روزنامه رسمی و همچنین به علت عدم وجود معیارهای دقیق و قانونی در زمینه خط‌مشی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، شفافیت و وضوح لازم در فضای امنیتی کشور در عملکرد شورای عالی امنیت ملی آن وجود نداشته و به کرات شاهد اعمال محدودیت‌های نامشروع بر آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات در زمینه مسائل امنیتی به بهانه حفظ امنیت ملی کشور از سوی

دست‌اندرکاران امنیت کشور و بالاخص شورای عالی امنیت ملی بوده‌ایم.

شورای عالی امنیت ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران به جهت ارتباط ناگسستنی میان مقوله امنیت ملی با بخش‌های گوناگون سیاسی اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و اطلاعاتی کشور متشکل از افراد رده بالای حکومتی و مقامات عالی‌رتبه کشوری و لشگری می‌باشد. این نهاد در ایران و آمریکا عمدتاً به ریاست رئیس دولت، رئیس جمهور یا نخست وزیر اداره می‌شود و به ارائه مشاوره‌های لازم در خصوص مسائل دفاعی و امنیتی به وی می‌پردازد. مصوبات شورای عالی امنیت ملی در ایران به جهت ولایت مطلقه مقام رهبری بر کلیه قوای حاکم در کشور، بدون تأیید فائقه ایشان لازم‌الاجرا نخواهد بود. همچنین تعیین سیاست‌های دفاعی امنیتی کشور از سوی شورای عالی امنیت ملی می‌بایست در چهارچوب سیاست‌های کلی تعیین شده از سوی مقام رهبری صورت گیرد. شورای عالی امنیت ملی در ایران و آمریکا صرفاً به‌عنوان یک نهاد اجرایی نظارتی و مشورتی تلقی می‌گردد و مصوبات و سیاست‌های امنیتی متخذه از سوی آن واجد ارزش و اهمیت قانون اساسی نبوده و صرفاً مبین اصولی راهبردی در جهت تحقق اهداف متعالی امنیت ملی می‌باشد؛ بنابراین این نهاد صلاحیت تقنین ابتدایی را دارا نبوده و تنها ملزم به اتخاذ تصمیمات موردی می‌باشد که در اتخاذ تصمیمات مزبور نیز، ملزم به رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع مردم و حق مسلم آنان در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش می‌باشد.

علاوه‌بر نهاد عالی امنیت ملی در هر دو کشور ایران و آمریکا، نهادهای اجرایی دیگری نیز وجود دارند. در ایران شورای امنیت کشور و نهاد هم‌عرض آن شورای امنیت داخلی در آمریکا، وظیفه تأمین امنیت عمومی را برعهده داشته که هریک در حدود اجرای سیاست‌های امنیتی کشور تصمیمات اجرایی گرفته و قاعده‌گذاری ندارند. سایر نهادها مانند نهادهای نظامی و اطلاعاتی در ایران و آمریکا، بازوی اجرایی نهادهای مذکور هستند که تصمیمات اجرایی اتخاذ شده نهادها را اجرا می‌کنند.

به‌طورکلی امنیت ملی ایجاب می‌کند که نهادهای تصمیم‌گیر امنیت ملی بنابر اصول قانونی در تصمیم‌گیری در شرایط تهدید امنیت ملی، اختیارات تصمیم‌گیری فراقانونی را داشته؛ اما با توجه به اصل حاکمیت قانون، این تصمیمات نباید ساختارهای تقنینی و نظارتی نهادهای قاعده‌گذار عام را تحدید کند بلکه باید به نحو موردی و محدود

تصمیم‌گیری کرده و قاعده‌گذاری سیاستی انجام دهند. همچنین نهادهایی که وظیفه اجرای تصمیمات متخذه را دارند، صرفاً می‌توانند تصمیمات اجرایی بگیرند و نباید قاعده‌گذاری و یا تصمیمات شبه‌تقنینی انجام دهند.

کتابنامه

اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳٦۱.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳٦٦.

قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳٦۲.

قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳٦۲.

قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹٤.

قانون مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹٤.

قانون نیروی انتظامی کشور مصوب ۱۳٦۹.

اداره کل امور فرهنگی و روابط‌عمومی مجلس شورای اسلامی(۱۳٦٤). *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). *انتظام ملی (جامعه‌شناسی سیاسی نظم از دیدگاه امام خمینی رحمت‌الله‌علیه)*. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.

پروین، خیرالله و روزی‌طلب، محمدمحسن (۱٤۰۰). تأملی حقوقی در ساختار و صلاحیت مصوبه‌گذاری دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی. *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۱۰(۳۲)، ۱۰۵-۱۲۸.

حبیب‌زاده، توکل و قطبی، میلاد (۱۳۹٤). تحلیل جایگاه نهادهای اجرایی فراقوه‌ای مصوب مجلس در نظام جمهوری اسلامی ایران و چهارچوب اصل استقلال قوا. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ٤۵(۳)، ۳٤۱-۳٦۰.

حبیب‌نژاد، سیداحمد و دیگران (۱٤۰۱). *نظارت پارلمانی؛ اصول و آسیب‌شناسی و بایسته‌ها*. تهران: مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد.

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱٤۰۲). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: نشر کتابخانه دانش.

عباسی، بیژن (۱٤۰۰). *حقوق اساسی تطبیقی*. تهران: نشر دادگستر.

عمیدزنجانی، عباس (۱۳۹۸). *حقوق اساسی*. تهران: انتشارات خرسندی.

عنایت، سیدحسین (۱۳۷۰). *تنظیم معاهدات بین‌المللی در حقوق کنونی ایران*. تهران: دفتر

خدمات حقونی بین‌المللی.
غمامی، سید محمدمهدی و نیکونهاد، حامد (۱۳۹۷). *شرح قانون اساسی فصل اول ـ اصول کلی (جلد اول؛ اصول ۵، ۹، ۱۱)*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
کاویانی، محمدهادی (۱۳۹۰). «بررسی حق امنیت فردی و چالش‌های آن با امنیت ملی»، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
کتابی، محمود؛ شفیعی سروستانی، اسماعیل و رحیمی، علیرضا (۱٤۰۰). دستگاه قانون گذاری و حکمرانی امنیت ملی در ایران. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲٤(۹۱)، ۱۱۹-۱۵۰.
مردانی، نادر و حسن‌زاده، احسان (۱۳۹٦). مطالعه تطبیقی نقش و جایگاه برجام در نظام حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا. *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی‌ویکم، (۱)، ۷۵-۱۱۲.
مقدسی، مهدی و اکبری، احسان (۱۳۹٦). جایگاه حقوقی مصوبات شورای عالی امنیت ملی در نظام حقوق اساسی ایران. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ٤۷(٤)، ۸۷۳-۸۹۳.
نصوری، مزدک و استوار، محسن (۱٤۰۲). شورای امنیت ملی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا. *فصلنامه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*، (۵۹)، ۵۹-٦۹.
هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹٦). *حقوق اساسی جهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر میزان.

Homeland Security Act of 2002.
National Security Act of 1947.
Public Law 235 of July 26, 1947.
War Powers Resolution of 1973.
The Case-Zablocki Act of August 22, 1972, 1 U.S.C. § 112b (the Act).
Bonesteel, Alyssa (2017). Evolving Perspectives of Women in Intelligence: Can Women Have It All?. Honors Theses, (10). https://digitalworks.union.edu/theses/10.
Joe, R. Bid (2021). Memorandum on Renewing the National Security Council System. National Security Memorandum/nSM-2. Washington, D.C.: The White House.
The National Security Council (2022). Background and Issues for Congress. Congressional Research Service.
Tromblay, Darren, E. (2023). The FBI and foreign intelligence in the domestic setting, Intelligence and National Security, DOI: 10.1080/02684527.2023.2202074

References

Statute of the Islamic Revolutionary Guard Corps, approved in 1982.
Constitution of the Islamic Republic of Iran.
Army Law of the Islamic Republic of Iran, approved in 1987.
Law on the Establishment of the Ministry of Intelligence of the Islamic Republic of Iran, approved in 1983.
Law on Determining the Duties and Organization of the National Security Council, approved in 1983.
Law on Removing Barriers to Competitive Production and Improving the

Country's Financial System, approved in 1995.
Law on Combating Money Laundering and Financing of Terrorism, approved in 1995.Law on the National Police Force, approved in 1989.
General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly (1985). Detailed record of the deliberations of the Assembly for the Final Review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Consultative Assembly.
Eftekhari, Asghar (1999). National Order (Political Sociology of Order from the Perspective of Imam Khomeini, may God have mercy on him). Tehran: NAJA Political Ideological Organization.
Parvin, Khairollah and Rozitaleb, Mohammad Mohsen (1999). Legal Reflection on the Structure and Authority of the Supreme National Security Council Secretariat. Quarterly Journal of Public Law Knowledge, 10(32), 105-128.
Habibzadeh, Tawakol and Ghotbi, Milad (2015). Analysis of the Position of the Executive Institutions Approved by the Parliament in the System of the Islamic Republic of Iran and the Framework of the Principle of Independence of Powers. Quarterly Journal of Public Law Studies, 45(3), 341-360.
Habibnejad, Seyed Ahmad and Others (2014). Parliamentary Oversight; Principles, Pathology and Necessities. Tehran: Islamic Consultative Assembly, Library, Museum and Documentation Center.
Ziaei Bigdali, Mohammad Reza (2014). Public International Law. Tehran: Danesh Library Publishing.
Abbasi, Bijan (2013). Comparative Constitutional Law. Tehran: Dadgostar Publishing.
Amidzanjani, Abbas (2019). Constitutional Law. Tehran: Khorsandi Publications.
Enayat, Seyed Hossein (1991). Drafting International Treaties in Current Iranian Law. Tehran: International Legal Services Office.
Ghamami, Seyed Mohammad Mehdi and Nikunhad, Hamed (2018). Explanation of the Constitution, Chapter One - General Principles (Volume One; Principles 5, 9, 11). Tehran: Guardian Council Research Institute.
Kaviani, Mohammad Hadi (2011). "A Study of the Right to Individual Security and Its Challenges to National Security", Farabi Faculties, University of Tehran, Faculty of Law and Political Sciences.
Ketabi, Mahmoud; Shafiei Sarvestani, Esmaeil and Rahimi, Alireza (2011). The Legislative and Governance System of National Security in Iran. Strategic Studies Quarterly, 24(91), 119-150.
Mardani, Nader and Hassanzadeh, Ehsan (2017). A Comparative Study of the Role and Status of the JCPOA in the Legal Systems of Iran and the United States of America. Foreign Affairs Quarterly, Year 31, (1), 75-112.
Moghaddisi, Mehdi and Akbari, Ehsan (2017). The Legal Status of the Resolutions of the Supreme National Security Council in the Constitutional Law System of Iran. Quarterly Journal of Public Law Studies, 47(4), 873-893.
Nasuri, Mazdak and Estavar, Mohsen (2017). The National Security Council and the Foreign Policy of the United States of America. Quarterly Journal of New Achievements in Humanities Studies, (59), 59-69.
Hashemi, Seyyed Mohammad (2017). The Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Mizan Publishing House.

Researches of Citizenship Rights
Vol. 8, No. 1, (Serial 15), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/hcr.2024.244834.1085

OPEN ACCESS

Received: 2023/04/05 Accepted: 2023/06/10

A comparative study of the legal system governing national security institutions in relation to the executive and legislative powers in the Islamic Republic of Iran and the United States of America

Mostafa Qodsi*
Mohammadhosein Peyghambari**

Abstract

National security is a condition for establishing public order and the absence of national danger. This condition requires that rulers establish specific rules to restore national security. The prevailing legal order in various political systems around the world reflects the acceptance of the institution of "national security" alongside the legislative institution, whose decision-making and rule-making methods differ depending on the type of government. In the Islamic Republic of Iran and the United States of America, the legislative institution is the parliament of both countries, and the legal system of both countries provides for the institution of the "National Security Council" for security situations. In special situations where national security is threatened, other structures and laws of the country are generally limited and it is the security institutions that make decisions. These conditions sometimes limit the rule of law. Different opinions have always been expressed about the powers of these councils in relation to the executive and legislative branches in rule-making. For this reason, this research has attempted to answer the question using an analytical-descriptive method with a comparative study in a mixed and applied manner by referring to laws and analyzing them: What is the extent of the powers of national security institutions in relation to each other and the legislative (parliament) and executive branches in the Islamic Republic of Iran and the United States of America? The result is that the Supreme National Security Council in Iran has a more prominent role in decision-making than the National Security Council in the United States of America, and national security requires that an institution has extra-legal decision-making powers in this regard, but this should not limit the legislative and supervisory structures of general rule-making institutions, considering the principle of the rule of law. Therefore, national security decision-making institutions make decisions and policy rules on a case-by-case basis and in a limited manner, based on legal principles.

Keywords: Comparative study, National security, Executive branch, legislative branch, Islamic Republic of Iran, United States of America.

* Master's student in Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University (AS), Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).
ggodsiee@isu.ac.ir 0009-0000-8744-5667

** Doctor of Public Law and Deputy Director of Public Law Revival at the Institute for Human Rights and Citizenship, I.R.Iran.
peighambari66@isu.ac.ir 0009-0004-9506-8629

Researches of Citizenship Rights
Vol. 8, No. 1, (Serial 15), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/hcr.2024.247190.1111

Received: 2022/12/27 Accepted: 2023/02/19

Examining the crime of money laundering as one of the manifestations of corruption and providing structural and economic mechanisms to fight against corruption

Mohammad Bolhagh[*]
Amirhossein Ghadami[**]
Gholamhossein Elham[***]

Abstract

One of the most important goals of any economic system is to achieve sustainable economic growth and health. One of the visions of the world systems is to improve the economic health and transparency of the financial sectors of the society. One of the important factors that negatively affects the growth and economic health of a society in the long term is the phenomenon of money laundering. In money laundering, proceeds from criminal and illegal activities are placed in legitimate and legal channels and purified in the economic cycle of society. As an emerging phenomenon, money laundering plays a major role in creating a platform for corruption, and on the other hand, corruption plays an important role in the production of money laundering, protects it, and is present in all stages of money laundering. The emergence of many dangerous crimes such as smuggling and corruption, therefore, in order to combat money laundering as one of the manifestations of disrupting economic security, a favorable antecedent and posterior mechanism should be designed in the three areas of laws, procedures and practices and implemented in the form of legislation. In the current research, we are looking for the method of library collection, after explaining the phenomenon of money laundering crime, to deal with a series of previous mechanisms necessary to reduce the realization of this financial crime.

Keywords: Money laundering, Economic security, Corruption, KYC customer identification, Raising the awareness of citizens and employees, Database and recording of financial data.

* Faculty of Islamic Studies and Law/Imam Sadiq University (AS), Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).
mhmdblhgh@gmail.com 0009-0007-6130-7101
** Faculty of Islamic Studies and Law/Imam Sadiq University (AS), Tehran, I.R.Iran.
amirhosseinzxc5@gmail.com 0009-0001-1693-6503
*** Department of Criminal Law and Criminology imam Sadiq, Tehran, I.R.Iran.
dr.elham@ut.ac.ir 0000-0002-6465-5554

Researches of Citizenship Rights
Vol. 8, No. 1, (Serial 15), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/hcr.2024.245320.1095

Received: 2023/01/15 Accepted: 2023/03/03

Legitimate Freedoms in Cyberspace; A Comparative Study of the Legal Systems of Iran and China

Mahdi Moghaddasi[*]
Ehsan Moradzadeh[**]

Abstract

Cyberspace has penetrated the individual and social levels of human life, and the issue of regulation is one of the most important issues in this area. On the other hand, despite the acceptance of social freedoms in legal systems, we are witnessing the restriction of these freedoms, especially in cyberspace. In this research, in response to the main question of whether the restriction of legitimate freedoms in cyberspace has been identified in Iranian and Chinese law and what documentation does it have? It can be said that according to various principles such as: Principles 9 and 20 of the Iranian Constitution and Principles 40, 35 and 37 of the Chinese Constitution, the principle is based on individual freedom; but it is not absolute; rather, with restrictions such as: "the need to observe fundamental standards", "not to disrupt the foundations of government, public order and rights" and "not to harm others" referring to principles such as Principles 4, 24 and 25 of the Iranian Constitution and Principles 4, 28, 36 and 38 of the Chinese Constitution, the regulation of social freedoms can be understood, and this limitation can also be generalized in cyberspace. To prove this hypothesis, this article uses a descriptive-analytical method.

Keywords: Legitimate Freedoms, Cyberspace, Regulation, Legal System, Iran, China.

* Faculty of Law Department of Imam Hossein University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).
moghaddasi.mahdi7718@gmail.com 0009-0009-9057-6933
** Lecturer and researcher of the Law Department of Imam Hossein University, Tehran, I.R.Iran.
eh.moradzadeh@gmail.com 0009-0009-9057-6933

Researches of Citizenship Rights
Vol. 8, No. 1, (Serial 15), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/hcr.2024.245731.1099

CC BY NC OPEN ACCESS

Received: 2023/01/22 Accepted: 2023/08/08

Prevention of Crimes by Terrorist Refugees in the Light of International Law

Ahmad Reza Tohidi[*]
Samira Khavari Seiied[**]
Mohaddeseh Ghasemi Parizi[***]

Abstract

Basically, the phenomenon of international terrorism in the international community has always been faced with concerns that have the potential to disrupt the political atmosphere of countries. On the other hand, the constant movement and displacement of people associated with these movements is another problem that countries are struggling with. This research has addressed the issue that basically the approach of governments towards the phenomenon of asylum and its subsequent rights in order to shelter the flow of international terrorism is a harassing trend towards governments and for various reasons tries to deprive and prevent these people from seeking asylum, who are usually other refugees who are harmed by this trend. In this regard, the Security Council Resolution 1373 and the 1951 Convention have also referred to the protection of victims of terrorism. By adopting a descriptive-analytical approach and in a library format, this research seeks to answer the question of what is the relationship between the protection of refugees and the phenomenon of terrorism and how can we distinguish between them? The findings of this study indicate that, in order to eradicate the flow of international terrorism, refugee-receiving countries should try to implement the resolutions and programs proposed in existing conventions and treaties in the field of defending victims of terrorism, as well as to prevent crimes committed by refugees, and by monitoring them, distinguish between real refugees and terrorists.

Keywords: Terrorism, International Terrorism, Asylum, Exclusion and Prohibition, International Criminal Court.

* Department of international Qom, Qom, I.R.Iran.
ar.tohidi@qom.ac.ir 0000-0002-3852-0920
** mashhad azad university, Mashhad, I.R.Iran (Corresponding author).
samfa6469@gmail.com 0009-0007-6928-3378
*** West Tehran Islamic Azad University, Tehran, I.R.Iran.
mhdsghsmip@gmail.com 0009-0001-2941-2637

Researches of Citizenship Rights
Vol. 8, No. 1, (Serial 15), Spring and Summer 2023

Research Article

doi: 10.30497/hcr.2024.77431

Received: 2023/04/09 Accepted: 2023/05/27

The Islamic Republic of Iran and the Necessity of Legal Measures within the Framework of Self-Defense

Zeinab Farahmandzad*

Abstract

After the Al-Aqsa Storm, the occupying regime did not only focus on terrorizing and killing people and resistance forces, but also assassinated Palestinian and Lebanese resistance leaders and Iranian military commanders who were outside the occupied territories and Gaza. The most important of these were the assassination of martyr Ismail Haniyeh in Tehran and martyr Abbas Nilforoshan alongside Sayyed Hassan Nasrallah in Lebanon, the attack on the Iranian consulate building in Damascus, and the martyrdom of a group of Iranian military commanders in Syria by violating the sovereignty and territorial integrity of a third country and carrying out assassination operations. The main question of the research is: according to which rules of international law can the Islamic Republic of Iran resort to legal measures in this regard? This article, using a descriptive-analytical method, has found that the criminal and terrorist actions of the Zionist regime are an example of the policy of terror and violation of the right to life included in the framework of the International Covenant on Civil and Political Rights and a violation of the Fourth Geneva Convention (prohibition of any extrajudicial killing as a widespread violation of human and humanitarian rights). In this regard, Iran's action in launching widespread missile attacks on the occupying regime and targeting the Navatim military base on the evening of Tuesday, October 10, 1403, in an act of legitimate defense against the occupation regime's aggression against Iran's territory or interests and sovereignty and the assassination of Iranian military commanders in other countries, including Syria and Lebanon, and the martyrdom of Ismail Haniyeh, is considered an appropriate and necessary response according to Article 51 of the United Nations Charter.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Policy of terror, extrajudicial killing, crime of aggression, violation of sovereignty, legitimate defense.

* Assistant Professor, Faculty of Humanities and Islamic Sciences, Islamic Revolution University, Tehran, I.R.Iran.
z.farahmandzad@cuir.ac.ir 0009-0004-5134-6324

Citizenship Law Researches
Vol. 8, No. 1 (Serial 15), Spring and Summer 2023

Contents

- **The Islamic Republic of Iran and the Necessity of Legal Measures within the Framework of Self-Defense 1**
  Zeinab Farahmandzad

- **Prevention of Crimes by Terrorist Refugees in the Light of International Law 17**
  Ahmad Reza Tohidi, Samira Khavari Seiied and Mohaddeseh Ghasemi Parizi

- **Legitimate Freedoms in Cyberspace; A Comparative Study of the Legal Systems of Iran and China..... 39**
  Mahdi Moghaddasi and Ehsan Moradzadeh

- **Examining the crime of money laundering as one of the manifestations of corruption and providing structural and economic mechanisms to fight against corruption 55**
  Mohammad Bolhagh, Amirhossein Ghadami and Gholamhossein Elham

- **A comparative study of the legal system governing national security institutions in relation to the executive and legislative powers in the Islamic Republic of Iran and the United States of America..... 75**
  Mostafa Qodsi and Mohammadhosein Peyghambari

In the Name of Allah the Compassionate the Merciful

Researches of Citizenship Rights 15

Bi-Quarterly Journal " Researches of Citizenship Rights" (Human Rights and Citizenship)
Vol. 8, No. 1 (Serial 15), Spring and Summer 2023

Publisher: Imam Sadiq University
Managing Director: Seyed Mohammadmehdi Ghamami
Editor in Chief: Kheirollah Parvin
Specialized secretary: Ali Rabizadeh
Manager Editorial: Saeed Mansourian

Editorial Board (In Alphabetical & Academic Rank Order):
Mohsen Esmaili
Professor (Expertise: Private Law) Tehran University
Ali Gholami
Professor (Expertise: Criminal law and criminology) Imam sadiq University
Mahmod Hekmatnia
Professor (Expertise: Private Law) Research Institute of Islamic Culture and Thought
Masoud Raei
Professor (Expertise: International Law) Islamic Azad University, Najafabad Branch
Hosein Mirmohammad Sadeghi
Professor (Expertise: Criminal law and criminology) Shahid Beheshti University
Seyed Faslollah Mosavi
Professor (Expertise: Public Law) Tehran University
Kheirollah Parvin
Professor (Expertise: Public Law) Tehran University
Seyed Ghasem Zamani
Professor (Expertise: International Law) Allameh Tabataba'i University
Seyed Mohammadmehdi Ghamami
Associate Professor (Expertise: Public Law) Imam sadiq University
Tavakol Habibzadeh
Associate Professor (Expertise: International Law) Imam sadiq) University
Ahmad Moomeni Rad
Associate Professor (Expertise: Public Law) Tehran University
Reza Mosazadeh
Associate Professor (Expertise: International Law) Faculty of Foreign Affairs

Editor: Reza Diba / English Editor: Muhammad Bawhalaq
Page Designer: Reza Abdullahi Bejandi / Cover design updater: Saeed Abdullahi Bejandi

The Articles in this Publication do not Necessarily the Views of the
Imam Sadiq University. The Quotes Are Only Full References

Piriting: Imam Sadiq University Press

Address: Imam Sadiq University, Modiriat Bridge, Shahid Chamran Highway, Tehran, Iran
P.O. Box: 14655-159
Management of Technical and Printing: Deputy of Research and Technology,
Telfax:+9821-88575025
Management of Scientific & Editorial Affairs: Human and Citizenship Rights Think Tank,
Telfax: +9821-88385118
Website: https://hcr.isu.ac.ir
E-mail: hcr@isu.ac.ir